

# گزارش سفر به مسکو و سنت پترزبورگ

حسین متقی

## مقدمه

به حول و قوه الهی ۱۹ تیر تا ۴ مرداد ۱۳۹۱ برابر با ۸ تا ۲۵ زولای ۲۰۱۲ با دعوت رسمی رایزن فرهنگی ایران در روسیه، جناب آقای دکتر ابوذر ابراهیمی ترکمان به همراه رئیس بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی، جناب آقای دکتر محسن حیدرنیا به نمایندگی از طرف کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، توفیقی نصیب صاحب قلم گردید تا در معیت استاد صدراپی خوئی، برای بررسی برخی نسخه‌های خطی اسلامی، به خصوص دستنویس‌های فارسی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز علمی آن کشور، سفری را به دو شهر فدرالی مسکو و سنت پترزبورگ در فدراسیون روسیه داشته باشیم و با برخی کارهای صورت گرفته، ظرفیت‌های علمی و منابع پژوهشی این کشور، از نزدیک، آشنا شویم. بر این پایه ساعت ۳ و ۵۵ دقیقه بامداد یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۱ با هواپیمایی خطوط هوایی روسیه (ایرفلوت) فرودگاه امام خمینی (ره) را به مقصد روسیه ترک می‌کنیم و پس از طی ساعاتی پرواز در جهت شمال و شمال غرب، در ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه صبح، پس از عبور از فراز جنگل‌های سرسبز و متراکم اطراف مسکو، در فرودگاه شرمیتویای شهر مسکو، هواپیما به سلامتی به زمین می‌نشیند. پس از طی تشریفات فرودگاهی، در بخش خروجی، استاد دکتر محسن حیدرنیا، رئیس بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی به همراه یکی از کارکنان رایزنی (آقای لایق اهل تاجیکستان) با وسیله تقلیه "ون" رایزنی به استقبال ما آمده بودند.



## نگاهی اجمالی به تاریخ روسیه

باید دانست تاریخ روسیه به قرن چهاردهم میلادی باز می‌گردد که قلمرو پادشاهی تجاری مسکو به عنوان بازیگر اصلی در بین چندین منطقه کوچکتر مشابه مطرح شد. ایوان چهارم، معروف به «ایوان مخوف» نخستین حاکم مسکو بود که خود را تزار نامید. در سده هفدهم خاندان رومانف به حکومت روسیه دست یافتند و تا سیصد سال بعد بر این کشور حکومت کردند. پتر کبیر و کاترین کبیر از معروف‌ترین پادشاهان این سلسله بودند که اصلاحات زیادی را در جهت مدرنیزاسیون این کشور به انجام رساندند. در اوایل قرن بیستم، نارضایتی‌های عمیق در میان بخش‌های مختلف جامعه روسیه به اعتراضات گسترده‌ای در این کشور انجامید. در شرایطی که حاکمان کشور نسبت به درد و رنج توده‌های مردم بی‌تفاوت به نظر می‌رسیدند، جریان‌های سیاسی رادیکال در کشور قوت گرفتند. واقعه معروف به دوشنبه خونین در سال ۱۹۰۵م، شکست روسیه از ژاپن در جنگ سال ۱۹۰۵م و شکست‌های این کشور در جنگ جهانی اول به این نارضایتی‌ها دامن زد. در سال ۱۹۱۷م انقلابی به رهبری حزب بلشویک، که در سال ۱۹۰۳م به رهبری لنین و تحت تأثیر آموزه‌های کارل مارکس تشکیل شده بود، به حکومت تزارها در این کشور پایان بخشید. با وقوع انقلاب کمونیستی نام کشور روسیه به اتحاد جماهیر شوروی، تغییر یافت. روسیه، با عنوان جمهوری فدراتیو روسیه شوروی، مهمترین و بزرگ‌ترین جمهوری در اتحاد جماهیر شوروی بود. اوایل حکومت لنین با جنگ داخلی همراه بود و پس از مدتی رقابت برای جانشینی لنین شدت گرفت. وی در سال ۱۹۲۴م درگذشت و ژوزف استالین در سال ۱۹۲۹م به رهبری بلامنازع حزب کمونیست دست یافت. سیاست‌های استالین به صنعتی‌سازی سریع کشور انجامید، اما حکومت او با حجم غیرمنتظره‌ای از پاکسازی‌های سیاسی، تبعیدهای دسته‌جمعی و حبس و زندان همراه بود. در ژوئن ۱۹۴۱م آلمان به شوروی یورش برد و جنگی چهارساله درگرفت که ۲۷ میلیون شهروند شوروی در طی آن جان باختند. شوروی در این جنگ پیروز شد و کنترل سیاسی بیشتر قلمرو اروپای شرقی و مرکزی را برای خود تضمین کرد. استالین تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۳م در قدرت باقی ماند. در این دوران

حزب کمونیست با استفاده از دستگاه امنیتی عظیم خود بر تمام جنبه‌های زندگی حیات اجتماعی جامعه تسلط یافت و شوروی با پراخت بهایی گزاف از حیات انسان‌ها به یک ابرقدرت صنعتی و نظامی تبدیل شد. خروشچف جانشین استالین تلاش کرد تا جنبه‌های بی‌رحمانه حکومت استالین را افشا کرده و در عین حال بخش‌های کلید حکومت کمونیستی را حفظ کند. وی سانسور را در جامعه کاهش داده و سیاست خارجی همزیستی مسالمت‌آمیز با غرب را در پیش گرفت اما با سرکوب قیام سال ۱۹۵۶م مجارستان به سلطه این کشور بر دولت‌های دست‌نشانده شوروی ادامه داد. با این حال دستگاه حزبی اعتماد خود را به وی از دست داده و اعتبار خروشچف در پی نحوه مواجهه او با بحران موشکی ۱۹۶۲م کوبا کاهش یافت. وی در سال ۱۹۶۴م در یک کودتای حزبی ساقط شد. در دوران برژنف (جانشین خروشچف)، شرایط زندگی برای توده‌های مردم قابل پیش‌بینی‌تر و مناسب‌تر شد اما سرکوب سیاسی ادامه یافت. با این حال با توجه به کاهش رشد اقتصادی و سربرآوردن مشکلات اجتماعی دوران برژنف به عصر رکود معروف شد. از سال ۱۹۷۹م شوروی در جنگی طولانی و خونبار در افغانستان درگیر شد که یک نسل کامل قربانی آن شدند. در سال ۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م شوروی پس از جنگ سرد طولانی با غرب، در زمان حکومت میخائیل گورباچف، از هم فروپاشید و فدراسیون روسیه به جای آن نشست.

### فدراسیون روسیه در یک نگاه

روسیه با نام رسمی فدراسیون روسیه پهناورترین کشور جهان است که در شمال اوراسیا قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی و نیز دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد. روسیه با ۱۷،۰۷۵،۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است. پهناوری روسیه دو برابر مساحت کانادا یا چین یا

ایالات متحده آمریکا است. پایتخت روسیه شهر مسکو است که در باختر و بخش اروپایی کشور است و بزرگترین شهر اروپایی است. روسیه حدود ۱۴۲ میلیون نفر (برآورد سال ۱۳۸۷) جمعیت دارد، که از این دید در جهان دارای جایگاه نهم است. تراکم جمعیت روسیه ۳/۸ نفر در هر کیلومتر مربع است که از پایین ترین نرخهای تراکم جمعیت در جهان است. نرخ رشد جمعیت در این کشور منفی است. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور (بخش اروپایی) زندگی می‌کنند. حدود ۸۰ درصد (۱۱۵ میلیون نفر) از مردم روسیه از نژاد روسی هستند و سایر نژادهای این کشور عبارتند از: تاتار، اوکراینی، چوواش، چچنی، ارمنی، داغستانی، مغول، آواری، اینگوش، چرکس، بالکار، اوستیایی، آذری، گرجی و... زبان رسمی روسیه، زبان روسی است، ولی حدود ۳۰ زبان دیگر نیز در جمهوری‌ها و مناطق خودمختار این کشور وجود دارد. زبان روسی از زبان‌های زنده جهان است و بعد از زبان اسپانیولی و لاتین رتبه پنجم را دارد. روسیه ۲۱ جمهوری خودگردان دارد که بیشتر در جنوب باختر کشور (قفقاز شمالی) قرار دارند. روسیه فرهنگ پربراری دارد و نویسندگان معروفی مانند تولستوی و داستایوفسکی روسی بوده‌اند. روسیه تا پیش از قرن هجدهم یک حکومت نه چندان نیرومند در خاور اروپا بود و وسعت آن چندان زیاد نبود. تا اینکه در آغاز قرن ۱۸ میلادی و با اصلاحاتی که تزار پترکبیر انجام داد، این کشور به یک امپراتوری پهناور و نیرومند تبدیل شد. در سال ۱۹۱۷ انقلاب کمونیستی در این کشور به وقوع پیوست و نام کشور به اتحاد جماهیر شوروی تغییر یافت. روسیه، با عنوان جمهوری فدراتیو روسیه شوروی، مهمترین و بزرگترین جمهوری در اتحاد جماهیر شوروی بود. در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) شوروی پس از جنگ سرد طولانی با غرب از هم فروپاشید و فدراسیون روسیه به جای آن نشست. واحد پول روسیه روبل (= این روزها هر روبل ۶۰ تومان) و یک روبل نیز ۱۰۰ کوپک است. اقتصاد روسیه صنعتی و نیز وابسته به منابع بزرگ انرژی این کشور به ویژه گاز است. و راههای ترابری این کشور نیز بسیار مهم هستند. روسیه با تولید ناخالص داخلی ۱۲۸۹ تریلیون دلار در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷م) هفتمین اقتصاد بزرگ جهان و سرانه ۱۲۰۹۶ دلار پنجاه و نهمین کشور جهان بوده است. اقتصاد این کشور

بر پایه سرمایه داری و خصوصی سازی است، که این موضوع پس از فروپاشی شوروی و رهایی از اقتصاد دولتی و سوسیالیستی انجام شد. روسیه از اعضای گروه هشت و از کشورهای صنعتی به حساب می آید. نوع حکومت هم در روسیه به صورت چند حزبی فدرال بوده و اکنون (۲۰۱۲) ولادیمیر پوتین، رییس جمهور و دمیتری مدودف، نخست وزیر روسیه است. سیاست کنونی روسیه، همکاری و عدم تنش با غرب و تلاش برای اتحاد کشور است. ولی به خاطر گسترش ناتو به شرق و پس از درگیری روسیه با گرجستان بر سر اوستیای جنوبی، روابط روسیه و غرب تا حدودی به تیرگی گراییده است. روسیه در جامعه بین المللی از جمله کشورهای به حساب می آید که از فرهنگ و هنر دفاع می کنند و مردم این کشور هم، عمدتاً از مردمانی با فرهنگ به حساب می آیند.

### ادیان و مذاهب در فدراسیون روسیه

اکثریت مردم فدراسیون روسیه مسیحی و پیرو ارتدوکس هستند؛ اما ادیان دیگر شامل اسلام، یهودی و بودایی نیز دارای طرفداران زیادی هستند؛ با این حال اسلام، پس از مسیحیت ارتدوکس، دومین دین شناخته شده در روسیه است. کلیسای ارتدوکس روسیه، سازمان مذهبی اصلی در روسیه است که در مناطق مختلف روسیه و در جامعه مشترک المنافع کشورهای خارجی ۱۲۳ حوزه سقفی دارد و بیش از ۱۹۰۰۰ جمعیت کلیسایی و بنای کلیسایی، حدود ۴۸۰ دیر و صومعه، بیش از ۱۵۰ نفر اسقف ارشد، ۱۷۵۰۰ نفر کشیش و ۲۳۰۰ نفر از درجات پایین تر کلیسایی و همچنین از سال ۱۹۹۰م الکسی دوم، پانزدهمین اسقف اعظم (پاتریک) و تاریخ کلیسا همراه با بنود مقدس (هیأت رئیسه اسقف ها) امور کلیسایی را اداره می کند. باید افزود که علاوه بر کلیساهای ارتدوکس در روسیه، فرق دیگر مسیحیت، از جمله کاتولیک ها، پروتستان ها و ارمنی ها نیز، برای خود کلیساهایی دارند.

اسلام در حال حاضر در بخش عظیمی از روسیه گسترش یافته است. طبق اطلاعات اکثر رهبران مسلمانان، تعداد مسلمانان در روسیه بالغ بر ۲۰ میلیون نفر است. بعضی مقفی ها و اسلام شناسان حتی ارقام ۲۵، ۳۵ و حتی ۴۵ میلیون را عنوان می کنند.

در این زمینه، رایزن فرهنگی ایران در مسکو، دکتر ابراهیمی ترکمان، معتقد است: «وقتی در سال ۱۹۹۱م فروپاشی رخ داد فدراسیون روسیه ۱۵۴ میلیون نفر جمعیت داشت و ۸ میلیون هم مهاجر به آنها افزوده شد، در آن زمان از جمعیت کل آن سرزمین، تنها ۱۳ میلیون نفر مسلمان بودند؛ اما امروزه با اینکه، به جهت رشد منفی، جمعیت کل روسیه به حدود ۱۴۰ میلیون نفر رسیده، جمعیت مسلمان این کشور به ۳۰ میلیون نفر رسیده است که این نشان از اقبال مردم به اسلام دارد». طبق آمارهای نیمه رسمی بین ۱۲ تا ۲۰ میلیون از جمعیت فدراسیون روسیه مسلمان هستند؛ لیکن آمارهای غیر رسمی منتسب به محافل اسلامی، به جهت روند رو به رشد اسلام در روسیه، رقم ۳۰ میلیونی مسلمان را در روسیه تأیید می‌کنند، که از تعداد، ۱۱ میلیون نفر تنها در شهر مسکو زندگی می‌کنند. این گروه بیشتر در قفقاز شمالی، تاتارستان، باشقیرستان، اودموریتا، چواشیا، جمهوری ماری، سیبری، استان های او میانوف، پنزا، سامارا، ساراتوف، آستاراخان، یرم، چلیا بینسک، نیژنی نوگورد، و شهرهای مسکو، سن پترزبورگ و قاسموف ساکن هستند. مسلمانان این مناطق پیرو دو مذهب شناخته شده تسنن و تشیع می‌باشند؛ اما تعداد سنی‌ها بیشتر است و پیروان مذهب تسنن از نظر مکاتب فقهی، به دو مکتب حنفی و شافعی تعلق دارند و گروه شیعیان را نیز عموماً آذربایجانی‌ها و تالش‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین بر پایه آمارهای سال ۱۹۹۶م، در روسیه، تعداد ۴۳ اداره دینی مسلمان و ۲۳۴۹ مسجد وجود داشته است. از جمله مساجدی که می‌توان در مسکو نام برد، مسجد جامع مسکو، مسجد تاریخی، مسجد یادبود روی کوه پالکونی، مسجد آترادناپا و مسجد نواتروف می‌باشد و مسجدها نیز از مساجد نسبتاً قدیمی شهر سنت پترزبورگ محسوب می‌گردد. در مسجد سنت پترزبورگ نیز شیعیان حضور دارند؛ در برخی مصادر<sup>۱</sup> از مسجد سن پترزبورگ به عنوان زیباترین مسجد شهر یاد شده که درست در وسط شهر قرار دارد؛ به نظر می‌رسد همین مسجد تاتارها باشد که قدمتی ۱۵۰ ساله دارد. بنا بر آمارهای غیر رسمی، تعداد شیعیان روسیه به دو میلیون نفر می‌رسد، از این تعداد حدود سیصد هزار نفر در مسکو زندگی می‌کنند که قبلاً سازماندهی درستی نداشتند،

۱. کتاب ماه دین، ش ۶۳-۶۴، دی و بهمن ۱۳۸۱، ص ۹۳.

اما از چند سال قبل، برخی نهادهای خودجوش بومی و نیز از سوی جمهوری اسلامی ایران تلاش وسیعی در هدایت و روشنفکری شیعیان آغاز شده که اعزام گروه‌های متعدد داوطلب و علاقمند به تحصیل علوم دینی، به جامعه المصطفی العالمیه واقع در قم، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و افتتاح کلاس‌های درس قرآن و معارف اسلامی در مسجد شهدای مسکو که پس از کالج عالی مسکو دومین محل آموزش درس‌های اسلامی در آن شهر است، از جمله این فعالیت به شمار می‌رود. بیش از ۲۰ قوم بومی مسلمان در روسیه زندگی می‌کنند. بسیاری از مردم مسلمان کشورهای تازه استقلال یافته (آبخازی‌ها، آذربایجانی‌ها، قزاق‌ها، قرقیزها، ازبک‌ها، تاجیک‌ها، ترکمن‌ها و ...) بیش از ۱۰۰ سال است که در محدوده روسیه کنونی زندگی می‌کنند؛ اما این مردم سرزمین نژادی خود را آن‌سوی مرزهای روسیه می‌دانند؛ اغلب اقوام مسلمان روسیه، برای خود حکومتی به صورت جمهوری ملی در ترکیب فدراسیون روسیه دارند. طبق برآوردهای مختلف انجام شده، جمعیت کنونی مسلمانان بومی در این کشور بیش از ۱۹ میلیون نفر است. اکثریت مسلمانان سنی مذهب هستند. مسلمانان شیعه به طور عمده در مناطق مرزی قفقاز شمالی زندگی می‌کنند. هر یک از این ملل بیش از هزار سال تاریخ دارد. اغلب پیروان دین اسلام در کرانه رود ولگا، نزدیک به اورال و همچنین قفقاز شمالی زندگی می‌کنند.

در آغاز قرن بیستم میلادی تقریباً نیمی از یهودیان جهان در روسیه زندگی می‌کردند. با توجه به اینکه در سال‌های ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۰م تعداد زیادی از یهودیان از شوروی به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند، اما بر اساس آمارها، تعداد قابل توجهی از آنها در سال ۱۹۹۷م در فدراسیون روسیه، به ویژه در شهرهای بزرگ زندگی می‌کردند. عده نسبتاً کمی از آنها در منطقه خود مختار ابلاست در شرقی‌ترین نقطه روسیه ساکن هستند. تبلیغ در آیین یهود موضوعیت ندارد «آنان خود را نژاد برتر می‌دانند و همواره به دنبال افزایش نفوذ و سلطه اقتصادی و سیاسی بر جهان هستند». مذهب بودائی نیز، از سال ۱۹۴۱م به عنوان یکی از مذاهب روسیه به رسمیت شناخته شد. طرفداران این آیین در جمهوری‌های کالمیکیا و تیوا و بعضی از نواحی ایرکوتسک و چیتا و اخیراً تعدادی نیز در مسکو و سن پترزبورگ ساکن شده‌اند. تعداد بودائیان روسیه طبق آمار ۱۹۹۷م حدود یک میلیون نفر بودند.

## مؤسسات ایران شناسی در فدراسیون روسیه

### ۱. مؤسسات ایران شناسی در سن پترزبورگ:

- الف) کرسی زبان شناسی و ادبیات ایران دانشکده خاورشناسی دانشگاه سن پترزبورگ
- ب) انستیتوی خاورشناسی (= نسخ خطی) آکادمی علوم روسیه شعبه سن پترزبورگ
- ج) شعبه انستیتوی زبان شناسی در شهر سن پترزبورگ وابسته به آکادمی علوم روسیه
- د) موزه ارمیتاژ

### ۲. مؤسسات ایران شناسی در مسکو

- الف) انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا
- ب) دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه
- ج) آکادمی دیپلماتیک وابسته به وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه
- د) انستیتوی دولتی روابط بین المللی مسکو
- ه) انستیتو (دانشگاه) نظامی زبان‌های خارجی
- و) آکادمی سازمان فدرال ضد جاسوسی
- ز) دفتر ایران شناسی شعبه خاورمیانه و نزدیک
- ح) شعبه ادبیات ملل آسیا
- ط) شعبه ایران شناسی انستیتوی زبان شناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه
- ی) انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه

### ۳. مؤسسات ایران شناسی در جمهوری‌های خود مختار:

- الف) جمهوری خود مختار داغستان
- ب) جمهوری خود مختار باشقیرستان
- ج) جمهوری خود مختار آستای شمالی
- د) انستیتوی دولتی علوم انسانی تاتارستان.



## نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه

بر اساس گزارشی که زنده یاد اولگ آکیموشکین از نسخه‌های خطی اسلامی موجود در کتابخانه‌های روسیه به صورت رسمی در سال ۱۹۹۲م منتشر نموده است (لندن، مؤسسه الفرقان، ۱۹۹۲م)، در کتابخانه‌های روسیه بجز نسخه‌های خطی روسی و زبان‌های دیگر، در حدود ۶۰۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد که از این تعداد ۱۸۷۳۳ نسخه خطی عربی، ۱۲۶۱۲ نسخه فارسی و تاجیکی، ۹۵۴۰ نسخه ترکی (با همه لهجه‌ها)، ۱۴۸ نسخه کردی، ۲۸ نسخه پشتو، ۱۴ نسخه مالیزی و ۳ نسخه اردو و ۷۰۵۷ نسخه نیز با عنوان نسخ خطی اسلامی (بدون تمایز زبانی) می‌باشد؛ اما به استناد شواهد و گزارش‌های پراکنده از وجود دستنویس‌های فراوان در جمهوری‌های خودمختار تاتارستان، داغستان، آوستیای شمالی، چچنستان و جز اینها، به نظر می‌رسد که در کتابخانه‌های فدراسیون روسیه، دست کم، یکصد هزار نسخه خطی اسلامی وجود داشته باشد که بسیاری هنوز شناسایی نشده‌اند. باید دانست که بر اساس گزارش‌های رسمی، عمده تمرکز نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه به لحاظ کیفی، به ترتیب در شهرهای سنت پترزبورگ، مسکو، تاتارستان (قازان)، داغستان (مخاج قلعه)، باشقیرستان (اوفا) و چچنستان (گروزنی) می‌باشد که در معرفی آن موازیت، تاکنون بیش از یکصد جلد فهرست در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه، به زبان‌های روسی، آلمانی، فرانسوی، ترکی، فارسی، عربی و دیگر زبان‌ها چاپ و منتشر شده است؛ لیکن به لحاظ کمی به نظر می‌رسد جمهوری‌های داغستان و تاتارستان، مقام نخست را در تعداد نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه، دارا باشند ولی از آنجا که این نسخ هنوز فهرست نشده‌اند و آمارهای دقیقی نیز در دست نیست، فعلاً سنت پترزبورگ به لحاظ آمار منتشر شده، جلودار است.

الف) سنت پترزبورگ: بر پایه آمارهای رسمی در این شهر، دست کم، ۱۴۱۴۹ نسخه خطی اسلامی (۶۸۴۸ عربی، ۴۹۴۰ فارسی و ۲۱۲۲ ترکی) وجود دارد. کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ: ۱۴۷۰ نسخه اسلامی (۹۰۰ فارسی، ۳۰۰ عربی و ۲۷۰ ترکی).

موزه ارمیتاژ: ۸۶ نسخه اسلامی (۵۲ عربی، ۳۲ فارسی و ۲ ترکی).

انستیتو دستنویس‌های شرقی: ۹۸۷۴ نسخه اسلامی (۵۱۸۴ عربی، ۳۰۵۸ فارسی، ۱۵۰۰ ترکی، ۲۸ پشتو، ۱۴ مالیزی، ۱۴ کردی و ۳ اردو).  
 کتابخانه دولتی [= ملی] روسیه (به نام سالتیکف شدرین): ۲۷۱۹ نسخه اسلامی (۱۳۱۲ عربی، ۹۵۰ فارسی، ۳۵۰ ترکی، ۵۰ کردی و ۱ مالیزی).  
 ب) مسکو: بر پایه آمارهای رسمی در موسکو، دست کم، ۳۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد.

موزه تاریخی دولتی: ۲۰۰۰ نسخه اسلامی (بیشتر عربی و ترکی).  
 موزه هنرهای مردمی - شرقی: ۶۴ نسخه اسلامی (۳۳ فارسی، ۳۰ عربی و ۱ ترکی).  
 انستیتو روابط دولتی مسکو: ۷۰ نسخه اسلامی (۴۴ فارسی، ۱۴ عربی و ۱۲ ترکی).  
 کتابخانه دانشگاه مسکو: ۲۴ نسخه اسلامی (۱۰ فارسی، ۸ ترکی، ۶ عربی).  
 کتابخانه دولتی [= ملی] روسیه (به نام لنین سابق): ۴۵۶ نسخه اسلامی (۲۴۰ عربی، ۱۱۶ فارسی، ۱۰۰ ترکی). همچنین این کتابخانه دارای ۶۰۰۰۰ نسخه خطی روسی و ۴۵۰ هزار سند به زبانهای مختلف است که از این تعداد تنها ۲۰۰۰ سند به زبان فارسی می‌باشد و بیشتر متعلق به دوره‌های صفویه و قاجار است.  
 کتابخانه باستانی (تاریخی): ۳۰ نسخه اسلامی (۶ فارسی و ...).

ج) تاتارستان: بر پایه آمارهای رسمی تنها در شهر قازان، دست کم، ۲۰۰۰۰ نسخه خطی اسلامی (۶۰۰۰ عربی، ۵۵۰۰ فارسی و ۶۰۰۰ ترکی و ...) وجود دارد که بیشتر آن نسخه‌ها هنوز فهرست نشده است.  
 آرشیو دولتی مرکزی جمهوری تاتارستان: ۲۳ نسخه اسلامی (۶ عربی، ۵ فارسی، ۱ ترکی).

کتابخانه دانشگاه قازان: ۶۹۸۵ نسخه اسلامی (۴۰۰۶ عربی، ۲۳۷۹ ترکی و ۶۰۰ فارسی).

موزه هنرهای جمهوری تاتارستان: شامل مجموعه‌ای از دستنویس‌های اسلامی.  
 موزه ایالات متحد جمهوری تاتارستان: ۱۰۲ نسخه اسلامی (۴۴ ترکی، ۴۲ عربی، ۸ فارسی).

کتابخانه مسجد قازان: ۱۵۶ نسخه عربی.

انستیتو زبان، ادبیات و تاریخ: ۴۱۰۰ نسخه اسلامی (بیشتر به زبان تاتاری).  
د) داغستان: بر پایه آمارهای رسمی تنها در شهر مخاچ قلعه، دست کم، ۵۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد.  
کتابخانه دانشگاه داغستان: ۱۵۰۰ نسخه اسلامی.  
موزه تاریخ و معماری جمهوری داغستان: ۱۴۰ نسخه اسلامی.  
انستیتو تاریخ، زبان و ادبیات: ۲۶۷۸ نسخه (۲۶۳۷ عربی، ۱۶ ترکی، ۳ فارسی و...).  
کتابخانه نورماگومیدوف: ۵۰۰ نسخه اسلامی.  
ه) باشقیرستان: بر پایه آمارهای رسمی تنها در شهر اوفای، ۳۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد.  
کتابخانه اداره دینی مسلمانان روسیه: دارای تعداد قابل توجهی نسخه خطی اسلامی.  
موزه دولتی باشقیرستان: دارای تعداد قابل توجهی نسخه خطی اسلامی.  
انستیتو تاریخ، زبان و ادبیات: دارای حدود ۲۵۰۰ نسخه اسلامی (عربی، فارسی، ترکی، تاتاری، باشقیری و...).  
کتابخانه مرکزی جمهوری باشقیرستان: دارای تعداد قابل توجهی نسخه خطی اسلامی.

### مسکو، پایتخت فدراسیون روسیه

مسکو پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر روسیه است. این ابر شهر از مهمترین مراکز سیاسی، اقتصادی، مذهبی و تاریخی فدراسیون روسیه و اروپا محسوب می‌شود و با ۱۱ میلیون و ۵۰۳ هزار نفر جمعیت در سرشماری سال ۲۰۱۰م پرجمعیت‌ترین شهر قاره اروپا و ششمین شهر پرجمعیت دنیاست. مسکو در سال ۱۸۴۰ میلادی ۳۵۰ هزار نفر جمعیت داشت که در سال ۱۹۱۴ به ۱/۴ میلیون نفر افزایش یافت. این شهر نسبتاً هموار و مجتمع‌های ساختمانی آن بیشتر به قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی برمی‌گردد که محل زندگی اشراف بود و پس از انقلاب بلشویکی صادره و به خدمات دولتی اختصاص یافت. از شاهکارهای معماری در مسکو مجموعه بناهای هفت‌گانه، "هفت خواهران" است که اسرای آلمانی هم در ساخت آن سهم بوده‌اند و هم‌اکنون این ساختمان‌ها به عنوان دانشگاه مسکو، هتل اوکراین، هتل لنینگراد، وزارت امور خارجه،

ساختمان دانشمندان و منازل افراد مشهور به کار می‌روند. کاخ‌های قرن ۱۹ میلادی و مجتمع‌های مسکونی و گنبد‌های رنگی کلیساهای کوچک متعلق به سال‌های ۱۹۳۰م و خانه‌های کبریتی از سال‌های ۱۹۵۰م در طبقات ۸ و ۹ طبقه زمان خروشچف ساخته شده است.

گفتنی است این شهر در کنار رودخانه مسکو و در ناحیه مرکزی فدرالی در روسیه اروپایی واقع شده است. کاخ کرملین، قلعه‌ای باستانی در این شهر است که همواره محل زندگی رئیس‌جمهور روسیه و استقرار قوه مجریه این کشور است. این شهر در دوران اتحاد جماهیر شوروی نیز پایتخت آن کشور بوده است. ۴ فرودگاه بین‌المللی، ۹ ایستگاه راه‌آهن و مترو مسکو، که یکی از عمیق‌ترین تونل‌های دنیاست، در این شهر قرار دارد. تاریخ ساخت مترو در مسکو به سال ۱۹۳۷م برمی‌گردد. متروی مسکو با ۱۸۵ ایستگاه، پس از مترو توکیو بیشترین مسافران را در بین سیستم‌های مترو دنیا دارد. کلان‌شهر مسکو از نظر دارا بودن مؤسسات علمی، ورزشی و آموزشی از رتبه خوبی در سطح جهان برخوردار است، به طوری که بیش‌ترین امکانات ورزشی را در کل جهان به خود اختصاص داده است. این شهر دارای یک مجتمع حمل و نقل بین‌المللی به نام متروی مسکو است که بزرگ‌ترین شرکت تولید واگن‌های مترو در جهان است. باید دانست که در روسیه هفده اثر فرهنگی و تاریخی این کشور در لیست یونسکو به عنوان میراث فرهنگی مشترک جهانیان ثبت شده است که میدان سرخ و کاخ کرملین از جمله آنهاست، با این حال پس از جاذبه‌های طبیعی و شهری سنت پترزبورگ، متروی مسکو، ساختمان‌های هفت خواهر، مجسمه مایاکوفسکی، مجسمه‌های لنین، باغ الکساندر، پارک پیروزی، بام مسکو یا تپه گنجشک، نمای دانشگاه دولتی مسکو، میدان سرخ، مقبره ولادیمیر لنین، مجموعه کرملین و مناظر دیدنی مسکو با نورپردازی شب از دیگر جاذبه‌های شهر مسکو می‌باشد. برخی از موزه‌های مسکو نیز عبارتند از: موزه هنرهای شرق، موزه پوشکین، موزه هنرهای زیبای پوشکین (گالری جدید)، نگارخانه تریتیاکوف، موزه جنگ، موزه تاریخ، موزه پلی‌تکنیک، موزه دیرین‌شناسی (اسکلت دایناسورها)، مرکز ستاره‌شناسی، موزه معماری، موزه نیروهای مسلح، موزه تاریخ،

موزه و گورستان صومعه نوودویچی، موزه هنرهای مردمی و دکوراسیون روسیه، موزه داروین، موزه هنرهای مردمی، موزه و منزل گورکی، موزه لنین، موزه متروی مسکو، موزه کلیسای جامع پوکروفسکی، موزه پلی تکنیک و موزه تولستوی.

بر پایه توصیه برخی وبسایت‌های فعال در صنعت توریسم،<sup>۱</sup> بهترین زمان برای سفر به مسکو ماه‌های خرداد، تیر و مرداد است. شهریور ماه معمولاً هوا سرد می‌شود و احتمال بارندگی زیاد است. اگر می‌خواهید به قصد گردشگری به مسکو بروید، تعطیلات نوروز را انتخاب نکنید! بر خلاف سنت پترزبورگ، تقریباً در مسکو همه تابلوها و علائم به روسی نوشته شده است و به ندرت می‌توانید تابلویی را پیدا کنید که بر روی آن زبان انگلیسی نوشته شده باشد. بهتر است قبل از سفر به روسیه با الفبای این خط آشنا شوید. اگر این کار را بکنید بسیاری از تابلوها را به راحتی می‌توانید بخوانید. مسکو شهر گرانی است. فروشگاه‌ها معمولاً تخفیف نمی‌دهند. اگر بولتان از پارو بالا نمی‌رود، خیلی روی خرید در مسکو حساب نکنید. سعی کنید پول خود را در هتل تعویض کنید، حتی اگر کمی گرانتر باشد! یکی از سوغاتی‌ها و یادگارهای خوبی که می‌توانید از روسیه تهیه کنید، مجسمه‌های چوبی تو در تو به نام ماترویشکا است که قیمت آنها معمولاً گران نیست؛ یکی از جاهایی که می‌توانید سوغاتی‌های ارزان و با قیمت‌هایی بسیار ارزان‌تر از مراکز توریستی پیدا کنید، بازارچه اسماعیل اوفسکی است؛ این بازارچه را بیشتر تاتارها، مسلمانان چچن یا پیرزن و پیرمردهایی که از فروپاشی ناراضی هستند، می‌چرخانند. هرچند انواع بسیار گران قیمت آن نیز وجود دارد. کلاه، شال گردن و لباس‌های پوست خز و سمور به وفور و با قیمت‌های بسیار گران وجود دارند، اما اگر آنها را نپوشید مطمئناً به جایی بر نمی‌خورد. اگر کسی پوست شما را تنش بکند خوشتان می‌آید؟ پس به حیات وحش احترام بگذارید! بدانید! بعد از فروپاشی شوروی تا دلتان بخواهد کلاه بردار و دزد و کیف قاپ در مسکو وجود دارد. بسیار مواظب دارایی‌هایتان و بخصوص پاسپورتتان باشید. حتماً فراموش نکنید که مثل خیلی جاهای دیگر دنیا، در مسکو آب لوله کشی آشامیدنی نیست، مگر اینکه جوشانده شود و در ضمن سرویس‌های بهداشتی هم پولی است!

گفتنی است در روسیه انواع آب و هوا به استثنای آب و هوای مناطق استوایی را می‌توان مشاهده نمود. به علت تنوع آب و هوا، گردش‌گرانی که قصد سفر به این کشور را دارند باید قبل از سفر اطلاعات لازم در مورد وضعیت جوی را مطالعه نمایند. وضعیت هوای مسکو و سنت پترزبورگ نیز متغیر می‌باشد. هوای این دو شهر در فصل زمستان بسیار سرد و گاه تا ۲۵- تا ۳۰- درجه زیر صفر می‌رسد. فصل تابستان هم مانند هوای بهاری، لحظه‌ای آفتابی و گرم است و لحظه‌ای بارانی و خنک؛ لذا بهتر است در هنگام سفر، حتماً چند لباس گرم نیز به وسایل سفر خود اضافه نمایید و توصیه می‌شود که هرگز چتر را از خود دور نکنید!

### میدان سرخ مسکو

میدان سرخ معروف ترین مکانی است که جهانیان از اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشور روسیه فعلی بخاطر دارند. سرخ در فرهنگ کهن مردم روسیه به معنی زیبا بوده است. این میدان در مجاورت کاخ کرملین و کلیسای جامع سنت باسیل قرار دارند و بسیاری از خیابان‌های اصلی مسکو نیز به این میدان منتهی می‌شوند و این امر به گونه‌ای است که میدان سرخ میدان مرکزی مسکو و گاهی مرکز کل روسیه شمرده می‌شود. میدان سرخ درست در مجاورت رودخانه مسکو قرار دارد و اینکه کاخ کرملین را در کنار رودخانه بسازند، هم از نظر رفت و آمد آبی، هم از نظر استفاده مستقیم از آب رودخانه و هم از نظر دفاعی و نظامی امری طبیعی بوده است. این میدان با ۶۹۵ متر طول، ۱۳۰ متر عرض و مساحت تقریبی ۹۰ هزار متر مربع، پس از میدان تیان آن من در پکن، به عنوان دومین میدان بزرگ جهان شناخته می‌شود. در مجاورت میدان سرخ علاوه بر کاخ کرملین، بناها و اماکن دیگری هم وجود دارند که از آن جمله کلیسای سنت بازیل است که به دستور ایوان چهارم (مخوف) در سال ۱۵۵۰م ساخته شده است. این کلیسا پس از پیروزی و غلبه بر تاتارها، لهستانی‌ها و سوئدی‌ها و یکپارچگی روسیه ساخته شد. مجسمه دیمیتری پوژارسکی و کوزما مینین، دو مجسمه برنزی است که در سال ۱۸۱۸م توسط ایوان مارتوس ساخته و در میدان نصب گردیده است. مقبره ولادیمیر ایلیچ لنین از دیگر بناهای

مجاور میدان سرخ است. باید دانست پس از آنکه لنین در سال ۱۹۲۴م به علت بیماری درگذشت، به مانند مسیحیان ارتودوکس، او را دفن نکردند بلکه جسد او را به صورت مومیایی شده و به صورت منجمد نگهداری نمودند. بازدید از جسد منجمد لنین، چه در گذشته و چه امروز مقررات خاصی دارد. تمام وسایل اضافی، کیف، دوربین، چتر یا هرچیز دیگر را باید تحویل داد. نگهبانان متعدد در طول مسیر ایستاده و شما را هدایت می کنند. بازدید کننده از یک در وارد می شود، دور جسد می چرخد و از در دیگر خارج می شود. هیچ کس حق بلند صحبت کردن را ندارد! محوطه داخلی کاملاً تاریک است و تنها نوری بر روی صورت لنین که به صورت طاقباز با کت و شلوار و کراوات آرمیده است، می تابد. در سال ۱۹۹۱م، همزمان با اغتشاشات و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یک نفر روس منتقد، بر روی صورت لنین اسید پاشید، به طوری که نزدیک به دو سال ترمیم مجدد صورت وی طول کشید. از آن پس جسد با یک حفاظ شیشه‌ای از بازدیدکنندگان جدا شده است. سال‌های پس از فروپاشی شوروی، به اصرار کلیسای ارتودوکس، صحبت‌های زیادی در گرفته است تا جسد لنین از این حالت خارج شده و به مانند مسیحیان، دفن گردد که البته این منازعات و گفتگوها، به جایی نرسیده است!

باید دانست که کرملین یک قصر نیست، بلکه تقریباً شهری است با قریب ۲۸ هکتار وسعت، که در آن چندین قصر بزرگ و کلیسای مجلل و بیست برج به ارتفاعات مختلف ساخته شده و دیواری به قطر بین ۳/۵ و ۶/۵ متر، ارتفاع از ۱۰ تا ۲۱ و طول ۲۲۳۵ متر را در بر می گیرد و دارای ۷۰۰ اتاق از جمله آپارتمان‌های مسکونی خانواده شخص اول کشور بود. در سال ۱۹۶۱م عمارت جدید به نام کاخ کنگره‌ها برای اهداف نمایش تئاتر و جشن‌های عمومی به کرملین اضافه شد که سالن بزرگ آن با ظرفیت ۶ هزار نفر و وسایل صوتی برای ترجمه بیش از ۲۹ زبان در این کاخ نصب شد. این کاخ ۸۰۰ اتاق جداگانه از جمله سالن‌ها، رخت‌کن، راهرو، اتاق‌های اختصاصی برای کارمندان شخص اول کشور، اتاق مطبوعات و اتاق‌هایی برای خدمه فنی دارد. برای ساخت این کاخ فقط ۱۶ ماه وقت صرف شد و جایزه لنین به طراحان و معماران آن تعلق گرفت. در داخل کرملین کلیساهای معروفی قرار دارد.

از دیگر بناهای مجاور میدان سرخ، موزه تاریخ روسیه است. این ساختمان در سال ۱۸۷۴م ساخته شده و از سال ۱۸۹۰م به عنوان شورای شهر مورد استفاده قرار گرفته و سپس به موزه تاریخ تبدیل شده است. در پشت این ساختمان و در مقابل میدان مانژ، مجسمه مارشال گئورگی کنستانتینویچ ژوکوف بر روی اسب قرار دارد. این مارشال در زمان جنگ دوم جهانی، فرمانده نظامی شهر ارتش شوروی بود که برلین را به سال ۱۹۴۵م فتح کرد. کلیسای کوچک قازان در گوشه میدان سرخ نیز، کلیسایی بود که به دستور استالین تخریب گردید تا حرکت سربازان در هنگام رژه بهتر صورت پذیرد؛ اما بعد از فروپاشی، کلیسا به شکل اولیه مجدداً ساخته شد. مرکز تجاری گوم در کنار میدان، قدمت زیادی دارد. پس از بازپس‌گیری مسکو از سپاه ناپلئون، روس‌ها تصمیم گرفتند خرابی‌های ناشی از جنگ را ترمیم یا دوباره بازسازی کنند. به همین دلیل مرکز تجاری بزرگ مسکو به نام کیتای گورود را دوباره بازسازی کردند. میدان سرخ محل رژه و اجرای مراسم رسمی دولت روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بوده است. مهمترین رژه‌های تاریخی که در این میدان انجام شده یکی به سال ۱۹۴۱م و دیگری به جشن پیروزی در سال ۱۹۴۵م برمی‌گردد.

### بنیاد بین المللی ایران‌شناسی در مسکو

بنیاد ایران‌شناسی در مسکو یک نهاد غیر تجاری روسی-ایرانی است که در ۱۸ ژانویه سال ۲۰۰۸ به ثبت وزارت دادگستری فدراسیون روسیه رسیده است. بنیانگذاران این تشکیلات عبارتند از استادان یژوف، روبینچیک، واسکانیان، پریگارینا، کامنسکی و مهدی ایمانی پور. هدف اصلی تاسیس بنیاد ایران‌شناسی بررسی و حمایت از جریان ایران‌شناسی روسیه، ایجاد ارتباط علمی بین دانشگاه‌ها و مراکز علمی دو کشور روسیه و ایران حول تحقیقات ایران‌شناسی و ارائه شناخت درست از فرهنگ و تمدن غنی ایران می‌باشد که در نهایت به ارتقاء روابط دوستانه دو کشور و دو ملت نیز کمک می‌نماید. از سال ۲۰۱۱م فعالیت‌های علمی و فرهنگی بنیاد به صورت جدی آغاز گردیده است. در این سال دکتر محسن حیدرنیا



و دکتر ابوزر ابراهیمی نیز به اعضای اصلی بنیاد اضافه شدند تا ترکیب ایرانی این نهاد پررنگ تر گردد. دکتر حیدرنیا دارای دکترای فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، با موافقت رسمی اعضا به ریاست این بنیاد برگزیده شده است.

محورهای اصلی فعالیت‌های بنیاد بین المللی ایران‌شناسی مسکو:

الف) شناسایی و تحقیق و ترجمه و معرفی نسخ خطی فارسی و آرشیه‌های اسناد فارسی به جامعه علمی روسیه.

ب) شناسایی و تحقیق و ترجمه و معرفی آثار ایران‌شناسان روسیه از آغاز تا کنون به جامعه علمی ایران؛

ج) شناسایی و تعامل نظام‌مند و تعاطی علمی و حمایت از ایران‌شناسان و کمک به پرورش نسل جدید ایران‌شناسان.

*ایرانیستیکا* مجله علمی بنیاد است که به انعکاس تحقیقات دانشمندان روسیه و ایران در ۱۰ موضوع فوق می‌پردازد و هر ساله دو بار روسی و فارسی همراه با خلاصه انگلیسی مقالات منتشر می‌گردد. بسیاری از دانشمندان شناخته شده دو کشور روسیه و ایران از اعضای هیأت مشاوره و تحریریه این مجله می‌باشند.

باید افزود که بنیاد بین المللی ایران‌شناسی در مسکو وابسته به رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه، در راستای اهداف خطیر خود، از مدتها پیش، در نظر داشت برای بهره‌مندی بیش‌تر پژوهشگران ایرانی، فهرست‌های نسخ خطی فارسی و تاجیکی را به زبان فارسی برگرداند و با همکاری کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در شهر قم چاپ و منتشر سازد. پیرو آن، در طی یک مدت زمان بندی شده، زیر نظر استاد دکتر حیدرنیا، رئیس بنیاد ایران‌شناسی و به اهتمام جمعی از دانشجویان فعال ایرانی مقیم روسیه همچون خانم‌ها اسماعیلی و دهقان و همچنین آقای نصیری، این ۹ جلد فهرست، با اندکی تلخیص، به فارسی ترجمه گردید. بر پایه مذاکراتی که پیش‌تر با جناب دکتر ابراهیمی ترکمان، رایزن فرهنگی صورت گرفته بود، قرار بر این شد، استاد صدرایی و اینجانب، ترجمه فارسی این فهرست‌ها را، بر اساس استانداردهای فهرست‌نگاری، مورد بازبینی مجدد قرار دهیم و تا آنجایی که شرایط و فرصت حضور ما در روسیه، اجازه دهد، داده‌های این فهرست‌ها را با اصل نسخه‌های خطی فارسی موجود در انستیتو دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم روسیه

تطبیق داده و اشکالات را به حداقل برسانیم. و در حقیقت، این سفر، برای بررسی این نسخ، صورت گرفت و در کنار آن وظیفه، توفیق حاصل گردید با برخی پژوهش‌های روس‌ها، ظرفیت‌های علمی و منابع پژوهشی این کشور پهناور، از نزدیک آشنا شویم.

### بنیاد مطالعات اسلامی در روسیه

بنیاد مطالعات اسلامی در سال ۲۰۰۷م با همکاری جمعی از فرهیختگان جامعه علمی و متخصصان فرهنگ اسلامی، علم و فلسفه، در سال ۲۰۰۷م در روسیه رسماً تأسیس یافته است. بنیانگذاران این نهاد عبارتند از: استاد برجسته زبان و ادبیات عرب و معاونت علمی انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه، شعبه سنت پترزبورگ، آقای دکتر استانیسلاو ام. پروزروف، آقای دکتر حمید هادوی مقدم، مدرس پیشین دانشگاه تهران و آقای مهدی ایمانیپور، رایزن پیشین جمهوری اسلامی ایران در روسیه می‌باشند که با همکاری مراکز تحقیقاتی داخلی و خارجی در مسکو فعالیت دارند. رسالت اصلی بنیاد پژوهش و مطالعه در فرهنگ و اندیشه اسلامی است؛ باید توجه داشت که فرهنگ اسلامی، به عنوان بخشی مهم از فرهنگ جهانی، نیز جزئی از تمدن روسیه نیز می‌باشد. این بنیاد، بر آن است که با مطالعه بی‌طرفانه فرهنگ اسلامی، نقشی مهم در عرصه علمی، سیاسی و استراتژیک و نیز حفظ تعادل بین گرایش‌های مذهبی و تمدنی و ایجاد درک متقابل میان مردم، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها ایفا نماید. ریاست این بنیاد بر عهده دکتر حمید هادوی می‌باشد.

این بنیاد در راستای اهداف خویش، تاکنون ده‌ها جلد کتاب، سالنامه و نشریه به زبان روسی منتشر نموده است که نشریات *اشراق* و *مسلمانانکا* نمونه‌هایی از این نوع فعالیت‌ها می‌باشد. نشریه *اشراق* عنوان سالنامه‌ای است که با هدف معرفی و توسعه پژوهش‌های آکادمیک فلسفه و عرفان اسلامی به ویژه در روسیه، از سوی بنیاد مطالعات اسلامی و با همکاری انستیتوی فلسفه آکادمی علوم روسیه و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، به زبان‌های روسی، انگلیسی و فرانسوی، در مسکو منتشر می‌شود و تاکنون (۲۰۱۲) سه شماره از آن به چاپ رسیده است که سه شماره نخست آن، عمدتاً با محوریت ابن عربی و شیخ اشراق بوده و بنا به گفته استاد پروزروف، شماره چهارم این نشریه نیز اختصاص به مباحث اسماعیلیه خواهد داشت.

مجله مسلمانکا (زن مسلمان) نیز عنوان نشریه زنان مسلمان روسیه است که به صورت فصلنامه از سوی بنیاد مطالعات اسلامی با همکاری شورای مفتیان روسیه منتشر و به جامعه زنان مسلمان روسیه برای مخاطبان روس به صورت تمام رنگی عرضه می‌شود. این نشریه به تبیین فرهنگ اسلامی در رابطه با زنان و جایگاه آنان در جامعه و بررسی مباحث مربوط به زنان، خانواده، تربیت فرزندان، اخلاق و معنویت و هویت زن مسلمان و مسائل معاصر آنان می‌پردازد. از این نشریه تاکنون (اوت ۲۰۱۲) چهارده شماره در مسکو منتشر و توزیع شده است.

### رایزنی فرهنگی ایران در روسیه

امروز (دوشنبه ۱۹ تیر) در روز نخست ورودمان به روسیه، پس از استراحت، همراه استاد صدرایی، دیداری صمیمانه با رایزن محترم فرهنگی ایران داشتیم. در این دیدار، این کمیته، چند جلد کتاب از آثار خود، شامل دو جلد فهرست کتب چاپ سنگی کتابخانه مرحوم محدث ارموی در قم که با همکاری آقای ذوقی نگاشته‌ایم، دیگری فهرست نامه ایران که کتابشناسی فهرس نسخ خطی کتابخانه ایران است به همراه نسخه‌ای از کتاب تازه انتشار خود با عنوان جستاری درباره اسلام و تشیع در اروپا (با تأکید بر تشیع در آلمان) به انضمام سوغاتی از قم را تقدیم داشتیم، که متقابلاً تشکر نمودند. در ادامه، گفتگوهایی پراکنده ولی ارزشمند درباره ایران و روسیه صورت گرفت که شخصاً بسیار استفاده کردم و انصافاً رایزن کشورمان را بسیار دانشمند، فرهیخته، پر اطلاع و پر مطالعه یافتم، دیدگاه‌های بسیار جالبی، نسبت به روسیه داشت که شایسته توجه است، مثل این مورد که شالوده و خمیرمایه نگاه‌ها و تحلیل‌های امروز جامعه ایران نسبت به روسیه از جنس همان نگاه دیروز به شوروی است، با اینکه حقیقتاً روسیه، دیگر شوروی نیست! در این هنگام که فرزند آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (رئیس دانشگاه شیخ مفید در قم) و آقای فاضل میبدی که عصر عازم ایران بودند، نیز به جمع ما پیوسته بودند، ایشان از خاطرات عبدالحسین مسعود انصاری سخنانی گفتند و توصیه داشتند که مطالعه این اثر (زندگانی من) برای همه افراد، بخصوص آنهایی که در با روسیه در ارتباطند، یک ضرورت است.

ایشان در ادامه همچنین از وجود ده‌ها هزار سند مربوط به تاریخ ایران معاصر، مانند اسناد مربوط به نهضت جنگل، جریان پیشه‌وری و حزب توده ایران در مراکز آرشیوی روسیه صحبت کردند که بایستی با فرایندی، این منابع ارزنده، در چرخه پژوهشی ایرانیان قرار بگیرد. وی در ادامه همچنین از ابوالقاسم لاهوتی، شاعر کمونیست ایرانی مقیم مسکو، سخن گفتند و اینکه فرزندش چگونه تا مقام وزارت فرهنگ روسیه رسید. ایشان همچنین درباره گزارش لاهوتی از نسخ خطی فارسی تاجیکستان و روسیه، که جایی ارائه شده است، مطالبی ارزنده بیان داشتند. ایشان همچنین در بخشی، از اینکه راقم، فردی ساکت و کم صحبت هستم، تعجب کرده و گفتند مشهور است که تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد! عرض کردم: «چنین نیست بنده حقیقتاً از مطالب شما استفاده می‌کنم، اما شما کی اجازه سخن به بنده دادید؟!»

خوشبختانه، دکتر ابراهیمی، مطالعات زیاد و متنوعی در موضوعات ادبی، سیاسی و تاریخی داشته و دارند و هم اینکه حقیقتاً حافظه قوی و ذوق خاصی در نوع بیان مطالب دارند و حتی گاهی برای جا انداختن مطالب از عین عبارات به زبان ترکی ملیح خود بهره می‌گرفتند که شنونده، حقیقتاً لذت می‌برد، یا به گونه‌ای خاص در میانه سخن خود، به جا، از ابیات نغزی بهره می‌جستند که حاکی از مطالعات گسترده ایشان در موضوعات متنوع ادبی بوده است، از جمله ابیاتی که بیان نمودند، این بیت زیبا بود که تاکنون نشنیده بودم و سخت به دلم نشست!

آسمان رشک برد بهر زمینی که در او / دو نفر، یک دو نفس بهر خدا بنشینند.  
از دکتر ابراهیمی ترکمان، تاکنون، چندین کتاب از جمله: لطیفه‌های قرآنی ناشر (تهران ۱۳۸۳)، حکایت ۳ شهر در خصوص شهرها و مشاهیر اسلامی خراسان بزرگ (ترکمنستان)، داستان دانشوران، به زبان روسی (تهران ۲۰۰۳)، حکیمان شرق، به زبان روسی (داغستان ۲۰۰۹)، ایران، اسلام روسیه، زمان درک یکدیگر، به زبان روسی (مسکو ۲۰۰۹)، اسرار ایران باستان، به زبان روسی (مسکو ۲۰۱۰) و ... و همچنین بیش از یکصد مقاله به زبان‌های فارسی، انگلیسی، روسی، ترکمنی و ترکی استانبولی در موضوعات سیاسی، دینی، تاریخی و ادبی با عناوینی همچون:

”شهر اورگنج، آثار تاریخی و مشاهیر آن“ (رک. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۱۳-۱۲۶ و نسیم بخارا، ش ۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۵-۳۲)، ”مسجد گوک تپه، ترکمنستان“، ”فرهنگ کتابخوانی در میان روس‌ها“ (رک. اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، ش ۸، خرداد ۱۳۸۷، صص ۸-۹)، ”چرایی و چگونگی تعاملات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با روسیه“، ”نقش فرهنگ در روابط ایران و آسیای مرکزی“، ”وهابیت در روسیه“، ”سیاست‌های جدید فرهنگی روسیه“، ”کلیسای ارتدوکس روسیه؛ ساختار و فعالیت‌های آن“، ”فعالیت‌های فرهنگی امریکا در ترکمنستان“، ”بلعیده شدن آسیای میانه و غفلت ما“، ”رقابت‌های فرهنگی در آسیای مرکزی و قفقاز“، ”آسیای مرکزی، بهشت فرهنگسازی ایران“، ”نقش فرهنگ در توسعه روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی“، ”ایران و ترکمنستان بعد از نیازاف“، ”ضرورت تحکیم روابط سیاسی و فرهنگی ج.ا.ایران با ترکمنستان“، ”تروریسم در اسناد بین‌المللی (نگاهی به راه‌های پیشگیری از وقوع آن)“، ”روسیه، شوروی نیست!“، ”ایورد سهره یا سهر“ (رک. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۱، صص ۱۵۵-۱۶۴)، ”مقیم رتبه دیدار“ (رک. کیهان فرهنگی، ش ۱۸۳، دی ۱۳۸۰) و آثار در حال نگارش، همچون: اسلام، مسلمانان و تشیع در روسیه، بخشی از کارنامه علمی این رایزن فرهیخته کشورمان در روسیه می‌باشد. گفتنی است محل اسکان ما طبقه فوقانی ساختمان رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو نزدیک خیابان اصلی پروسپکت میرا می‌باشد که اتاق‌های آن طبقه جملگی به اهتمام این رایزن تیزبین و پرکار، ساخته شده است، چیزی که عموماً در مأموریت‌های رایزن‌ها، کمتر مشاهده شده است!

باید افزود که رایزن‌کاردان و لایق ایران، مدتی پیش در خصوص مسائل مختلف فرهنگی، از جمله برنامه‌های انجام گرفته از سوی رایزنی در حوزه نشر آثار اسلامی و ادبی، با خبرگزاری مهر مصاحبه‌ای جالب انجام داده بودند که نقل بخش‌هایی از آن، در این نوشتار، خالی از لطف نخواهد بود، ایشان می‌گویند: «وقتی در سال ۱۹۹۱م فروپاشی رخ داد، فدراسیون روسیه ۱۵۴ میلیون نفر جمعیت داشت و ۸ میلیون هم مهاجر به آنها افزوده شد؛ از جمعیت کل آن سرزمین در آن زمان

۱۳ میلیون نفر مسلمان بودند. امروز جمعیت کل به ۱۴۰ میلیون نفر رسیده، که ۳۰ میلیون آنها مسلمان هستند که این نشان از اقبال مردم به اسلام دارد». وی با اشاره به اینکه در روسیه همزیستی مسالمت‌آمیزی بین مسلمانان و مسیحیان و همچنین پیروان مذاهب اسلامی وجود دارد، بیان کرد: «مسلمانان و ارتودوکس‌ها به یک درک متقابل از هم رسیده‌اند و اختلافی بین آنها و همچنین پیروان مذاهب مختلف اسلامی هم وجود ندارد. مردم روسیه شیعیان را افرادی خردگرا می‌دانند که در هیچ ناآرامی هم دست نداشته‌اند».

رایزن فرهنگی ایران در روسیه، در بخش دیگری، به فعالیت‌های ادبی رایزنی در روسیه نیز پرداخته، می‌افزاید: «از سال ۱۸۰۵م که نخستین اثر فارسی به روسی ترجمه شده، ۱۰۰ سال گذشت، تا اینکه نخستین اثر روسی به فارسی ترجمه شد. پیش از انقلاب اسلامی، اتحاد جماهیر شوروی، در ایران رایزنی داشت، ولی ما نداشتیم ولی پس از انقلاب ایران، این اتفاق برعکس شد و البته این روزها تدارکات آغاز به کار رایزنی روسیه در ایران چیده شده است. از زمانی که ما در روسیه رایزنی داشته‌ایم، تاکنون ۱۶۰ عنوان اثر را به روسی ترجمه و در آن کشور منتشر کرده‌ایم که ترجمه دفاتر شش‌گانه مثنوی معنوی، یکی از شاخص‌ترین آنهاست که پیش‌تر هم در فدراسیون روسیه، به عنوان کتاب سال انتخاب شد؛ همچنین این کتاب در سال ۱۳۸۷ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را به عنوان بهترین ترجمه، به خود اختصاص داد؛ این اثر از جمله آثاری بود که در روسیه مورد اقبال قرار گرفته است. توافقاتی با انتشارات سمت انجام شده و کتاب‌های زیادی را ترجمه کرده یا در دست ترجمه داریم. همچنین کتاب‌هایی از انتشارات امیرکبیر، از جمله مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، اثر زنده‌یاد مهدی آذریزدی را نیز در دست آماده‌سازی داریم که این مجموعه به صورت کتاب صوتی هم منتشر می‌شود». به گفته وی کتاب‌های شهید مطهری از دیگر عنوان‌هایی است که به زبان روسی ترجمه و در آن کشور منتشر شده است.

رایزن فرهنگی ایران در روسیه دیگر تلاش انجام شده برای معرفی آثار ادبی ایرانی به مردم روسیه را ایجاد بانک اطلاعات و کتابخانه دیجیتال عنوان نمود و گفت:

«ما سعی کردیم کتاب‌های ایرانی که از سال ۱۸۰۵م به روسی ترجمه شده را گردآوری کرده و با دیجیتال‌سازی آنان، قصد داریم با همکاری مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی کتابخانه دیجیتال از آثار ایرانی ترجمه شده به روسی را برای استفاده مردم روسیه معرفی کنیم. اکنون هر ماه به عنوان کتاب‌های این کتابخانه دیجیتال اضافه می‌شود و از آنجا که مردم روسیه از کتابخوان‌ترین‌ها هستند در کنار توجه به کتاب در معنای سنتی آن، اقبال خوبی به این کتابخانه دیجیتال و آثارش هم دارند».

وی ترجمه و انتشار کتاب زندگی و آثار خیام به قلم علی ولایتی را از دیگر برنامه‌های در دست اجرای رایزنی فرهنگی دانسته و تبیین کرد: «ترجمه این کتاب به پایان رسیده و مراحل فنی چاپ در دست انجام است. در ضمن یکی از کتاب‌های انتشارات سمت در ۵ جلد، به عنوان منبع دانشجویان روس فارسی‌آموز در حال چاپ است که جلد نخست آن به زودی منتشر می‌شود. باید بیفزایم که همه این کتاب‌ها با سرمایه و هزینه ناشران روسی منتشر می‌شود و ما تنها تعدادی از این نسخه‌ها را می‌خریم و در مراکز علمی و کتابخانه‌ای و یا مراسم‌های ویژه توزیع می‌کنیم».

ابراهیمی چگونگی انتخاب کتاب‌ها را متناسب با نیاز مخاطبان روسی دانسته و گفت: «وقتی یک ناشر احساس کند کتابی مخاطب دارد روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند و آنها احساس کرده‌اند کتاب‌هایی که نیاز ۳۰ میلیون مسلمان کشورشان را فراهم کند در ادبیات ایران موجود است. همچنین به ادبیات کلاسیک ما هم علاقمند هستند و اذعان دارند که در بین کشورهای منطقه ادبیات ایران دارای مزیت است. واقعیت این است که ۷۰ سال روس‌ها در ایران فعالیت فرهنگی داشتند که در آن بازده زمانی، ما در کشور روسیه حضور فرهنگی نداشتیم و حال ما هر فعالیتی داشته باشیم، باید به اندازه‌ای باشد که آن ۷۰ سال را هم پوشش دهد و جبران کند. ما باید نقاط قوت خود را بشناسیم و بدانیم چه مزیت‌هایی از ما برای روس‌ها مهم‌تر است و روی آنها بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم؛ البته الحمدلله با تفاهم نامه‌های امضا شده مسئولان عالی‌رتبه دو کشور راه برای رسیدن به این هدف هموارتر شده است»<sup>۱</sup>

باید بیفزایم که در هفته نخست اقامت بنده و استاد صدرایی در ساختمان رایزنی فرهنگی ایران، افزون بر توفیق مصاحبت با دانشمند معزز دکتر ابراهیمی ترکمان، با جنابان دکتر اردبیلی، رئیس دانشگاه مفید قم و دکتر فاضل میبیدی از اساتید دانشگاه، که تازه از سفر سنت پترزبورگ به مسکو برگشته بودند و شب عازم ایران بودند، دقایقی پیرامون مسائل مختلف روز ایران و روسیه تبادل نظرهایی کردیم که برای بنده بسیار مفید و ارزنده بود. همچنین در میانه هفته، دوستان عزیز از ایران تشریف آوردند که مصاحبت با آنها به شب‌های نقره‌ای مسکو، حال و هوای خاصی بخشید؛ آقایان نوراللهی به همراه فرزندش آقا مصطفی و آقای قبادلو به همراه فرزندشان آقا مرتضی برای یک سفر تفریحی به روسیه آمده بودند که البته به جهت محدودیت زمانی و اشتغال قهری ما در موضوع نسخ خطی فارسی در بنیاد ایران‌شناسی، توفیق مصاحبت با دوستان اندک بود؛ البته این کمترین و استاد صدرایی، تمایل داشتیم، به جهت اشتغال جناب قبادلو در مرکز بین‌المللی مخطوطات اسلامی و همگرایی با برنامه ما، بیش‌تر در خدمت ایشان باشیم و اگر بشود در دیدارها از اماکن فرهنگی و مراکز علمی در مسکو و سنت پترزبورگ، در زمینه اشتراک گذاری آگاهی‌ها، بخصوص در حوزه نسخ خطی، بیش‌تر بهره ببریم؛ ولی شوربختانه بجز موارد نادر که در معیت جناب ذوقی، کنار هم قرار داشتیم، عملاً محدودیت‌ها مانع از تحقق این امر گردید، به هر تقدیر به همین اندک مصاحبت با این عزیزان نیز، شخصاً بهره‌ها بردم.

### مرکز ادبیات شرق کتابخانه دولتی روسیه

امروز روز سه‌شنبه بیستم تیرماه، به اتفاق آقایان صدرایی و لایق، با مترو به بنیاد رفتیم و الحمدلله به یمن لطف استاد، جناب آقای سید محمد اصفیایی، که آشنائی مختصرم با الفبای روسی مدیون اوست، توانستم با هجی آدرس‌ها به روسی، مسیر رفت و برگشتمان به ساختمان رایزنی را فرا گیرم. دفتر بنیاد ایران‌شناسی مسکو در خیابان نیکولایامسکایا (شماره ۱، طبقه چهارم) در دویست متری ایستگاه متروی تاگانسکایا (خط متروی قهوه‌ای حلقوی) کنار یکی از ساختمانهای مشهور به هفت خواهران، ضمن مجموعه‌ای فرهنگی متعلق به ژاپن، انگلستان و فرانسه



و برخی کشورهای دیگر و نیز کتابخانه ادبیات خارجی قرار دارد. ورودی بنیاد ایران شناسی، بدون اشاره به میراث و تمدن کهن اسلامی و شیعی ایران، تنها به تابلوها و عکس‌هایی از دوره هخامنشی زینت یافته است. کتابخانه بنیاد، حاوی بیش از ده هزار جلد کتاب به زبان‌های فارسی، روسی، عربی و غیره مربوط به فرهنگ ایران زمین است که در حال تکامل است. دو دانشجوی ایرانی، آقای شهبازی که در رشته نفت و گاز اشتغال به تحصیل دارد و سید حسین موسویان که دانشجوی ادبیات زبان‌های باستانی ایران، با این بنیاد همکاری می‌کنند که دانشجوی اخیر پیش‌تر عضو تیم ملی تکواندو در ایران و از چهره‌های مطرح ورزش کشور در سطح بین‌المللی نیز بوده است. استاد دکتر حیدرینیا، با خوشرویی تام، به گرمی از ما استقبال می‌نمایند و ضمن خوش‌آمدگویی و پذیرایی، گزارشی از روند تشکیل و فعالیت‌های بنیاد ایران‌شناسی ارائه می‌دهند که عمدتاً فوقاً اشاره گردید. در ادامه این کمترین نیز تعدادی از تألیفات ناچیز خود را، جهت استفاده محققان روسی و ایرانی مقیم روسیه، به کتابخانه عامه بنیاد ایران‌شناسی، تقدیم می‌نمایم؛ این آثار عبارت بودند از: معجم الآثار المخطوطة حول أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في مکتبات العالم، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس (جلد ۱/۴۰)، فهرست نسخه‌های خطی ترکی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، کتاب‌شناسی فهرس دستنویس‌های اسلامی کتابخانه‌های جهان، فهرست‌نامه ایران، گلگشت و کتاب تازه انتشار جستاری درباره اسلام و تشیع در اروپا، با تأکید بر تشیع در آلمان و البته استاد صدرایی نیز چند جلد از آثار تألیفی خود را به کتابخانه بنیاد، اهدا نمودند. در ادامه با حضور دکتر حیدرینیا، استاد صدرایی و راقم سطور، جلسه‌ای با خانم اسماعیلی (مترجم جلد چهارم فهرست نسخ خطی فارسی)، برگزار گردید و به فراخور زمان، بخش‌هایی از متن ترجمه فارسی با متن روسی فهرست، تطبیق و مورد بررسی قرار گرفت و رهنمودهای لازم برای تکمیل کار، به ایشان، ارائه گردید. از آنجا که طبق هماهنگی قبلی، امروز می‌بایست از چند مرکز فرهنگی در مسکو دیداری داشته باشیم، ادامه بررسی فهرست‌های ترجمه شده، به جلسه بعدی موکول گردید.

ساعت یازده صبح برای بازدید از مرکز ادبیات شرق کتابخانه دولتی روسیه (لنین سابق)، به همراه استاد صدرایی، دکتر محسن حیدرنیا، آقای فتح الله ذوقی، آقای سید حسین موسویان، خانم آیدا سوبولوا و راقم، پس از طی مسافتی با مترو، ابتدا از ایستگاه لنین وارد میدان بزرگی شدیم که مجسمه فتودور داستایوفسکی در آن قرار داشت و طبق معمول کیبوتری بر سر وی نشسته بود! سپس از گوشه‌ای، وارد این مجموعه ارزشمند شدیم و با استقبال گرم کارمندان علمی این بخش، بخصوص خانم ماریا و خانم دکتر گولتکین شامیلی، از محققان به نام این مرکز، روبه‌رو شدیم. خانم شامیلی ضمن خوش‌آمدگویی و ابراز خرسندی از حضور ما در این مرکز، آخرین تحقیقات علمی شخصی خود را در مورد موسیقی سنتی ایران ارائه دادند. تز دکتری ایشان یک رساله موسیقی به فارسی با مؤلفی ناشناخته بوده است که در باکو به شماره M-251 نگهداری می‌گردد. خانم شامیلی اصالتاً اهل آذربایجان و شهر باکو است و هر از گاهی با وی به ترکی هم صحبت می‌کردیم. ایشان در ادامه بازدید، تصویری از نسخه خطی فارسی رساله در علم موسیقی را که خودشان بخش‌هایی از آن را تصحیح کرده‌اند، به آقای دکتر حیدرنیا تقدیم نمودند. او همچنین از ما درخواست نمودند تا در صورت امکان، تصویر نسخه کاملی از این نسخه خطی که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است، نگهداری می‌شود برایش ارسال کنند و بنده هم قول دادم که آن را یافته و برای ایشان بفرستم؛ خوشبختانه دوست دانشمند آقای ذوقی، که در بنیاد مطالعات اسلامی مسکو فعالیت دارد و همراه ما در این دیدار حضور داشتند، قبول زحمت نموده تا یکی دو روز آینده از طریق سایت کتابخانه مجلس مشخصات نسخه را جستجو نموده، اخذ و به ایشان تحویل بدهند.

مرکز ادبیات شرق، بخشی از کتابخانه دولتی لنین، در حدود هشتصد هزار کتاب دارد که از این تعداد، حدود بیست و دو هزار مجلد آن به فارسی است که از این تعداد حدود ده هزار عنوان کتاب و یازده هزار عنوان نیز نشریه به زبان فارسی است. در این مرکز، از ۲۲۰ زبان آسیایی و آفریقایی کتاب وجود دارد که در نوع خود کم‌نظیر است. این مرکز دارای بخش تخصصی ایران، شبه قاره، آفریقا، آسیای مرکزی و بخش آسیایی است. این مرکز دارای ۲۵ نفر کارمند است که متوسط سطح تحصیلات آنان بین دیپلم تا فوق لیسانس است و تنها فرد دارای مدرک دکتری که با این مرکز همکاری دارد، خانم دکتر شامیلی است.

سپس همگی با راهنمایی خانم شامیلی به سمت اتاق نسخه‌های چاپ سنگی و چوبی رفتیم. در این اتاق آثار نفیس و ارزشمندی از ادبیات و متون علمی ایران به چشم می‌خورد، از جمله مثنوی معنوی مولوی چاپ سنگی به سال ۱۸۵۲م در لندن؛ از نکات جالب توجه این اثر دو زبانه بودن آن بود؛ در ستون سمت راست ابیات فارسی و در ستون سمت چپ نیز ابیات ترکی از سلیمان افندی آمده است. یکی دیگر از آثار چاپ سنگی، زیج اَلغ بیک بن شاهرخ بن تیمور بود که در سال ۱۶۶۵م در آکسفورد به چاپ رسیده بود. فرهنگ چهار زبانه فارسی، فرانسه باستان (گلی)، لاتینی و ایتالیایی از آثار برجسته این مجموعه بود. این کتاب توسط کشیش کرمیلت آنجلو ژوزف (سفیر اسپانیا در اصفهان)، هنگامی که در زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، مقیم اصفهان بوده، تألیف گردیده و در سال ۱۶۸۴م در آمستردام هلند به چاپ رسیده است. در این اتاق همچنین، شاهنامه‌ای از محمد بن محمد اشرفی، سفیر وقت ایران در روسیه تزاری به چشم می‌خورد به نام شاهنامه همایونی و در زمان کاترین دوم و در مدح او سروده شده است. در این کتاب که در سال ۱۷۹۳م به چاپ رسیده است، از یهودیان کریمه و گروه قرائیم سخن رفته است. دیوان حافظ شیرازی چاپ سال ۱۷۹۱ کلکته؛ گلستان سعدی چاپ سال ۱۸۰۹ لندن؛ کتاب مارک آورلی آنتونین امپراطور روم به فارسی، چاپ سال ۱۸۳۱م روسیه و ترجمه فارسی تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی که در سال ۱۸۲۴م در کلکته به چاپ رسیده، از دیگر کتب چاپ سنگی به نمایش گذاشته در این بخش بوده است.

در قفسه‌های کتب این بخش، کتاب‌های ارزشمندی وجود داشت که برخی تاکنون به نظر نرسیده بود. گفتنی است در بنیاد ایران شناسی مسکو کتابی با عنوان *کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی تحقیقات ایرانی در روسیه مربوط به سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۶۷*م دیده بودم که در آن عناوین حدود ده هزار مقاله و کتاب گزارش شده بود، اینجا هم در مرکز ادبیات شرق، گفتند بخش بعدی این پژوهش سترگ، مشتمل بر مقالات و کتب منتشر شده درباره تحقیقات ایرانی در روسیه بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۱م وجود دارد، که به این ترتیب تمامی عناوین و مشخصات مقالات و کتب منتشر شده در دوره اتحاد جماهیر شوروی را پوشش خواهد داد. خوشبختانه

در سفر سنت پترزبورگ هم متوجه شدیم، در چند سال اخیر کتابی در همین زمینه منتشر شده و در آن عناوین مقالات و تحقیقات ایران شناسان روسی از آغازین سال‌های خاورشناسی در روسیه تا سال ۱۹۰۵م گزارش شده است و البته الحمدلله نسخه‌ای از آن توسط یکی از ایران شناسان شاغل در انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم، به استاد صدرایی نیا اهدا گردید. به این ترتیب این سه جلد کتابشناسی و مقاله‌شناسی آینه‌ای جامع از پژوهش‌های ایرانی منتشر شده در روسیه خواهد بود که به نظر می‌رسد در مجموع آن سه جلد، عناوین بیش از ۲۵۰۰۰ مقاله و کتاب گزارش شده باشد.

باید افزود بعد از بازدید از بخش نسخه‌های چاپ سنگی و چوبی، به سمت مخزن کتاب و نشریات فارسی رفتیم. در این بخش ابتدا بازدید کوتاهی از برگه‌دان‌های کتابخانه صورت گرفت؛ کشورهای آبی رنگ فهرست موضوعی کتاب‌ها و کشورهای سفید رنگ نیز بر اساس مؤلف و عنوان کتاب تنظیم شده بودند؛ متأسفانه به دلیل کمبود اعتبارات مالی، این فیش‌کارت‌ها، هنوز رایانه‌ای نشده‌اند. عدد هفده در این گنجینه، اختصاص به آثار فارسی دارد. گفتنی است مرکز ادبیات شرق کتابخانه دولتی روسیه، به طور متوسط روزانه پذیرای ۱۰-۱۵ پژوهشگر مطالعات ایران‌شناسی و شرق‌شناسی است و این بخش به جز یکشنبه‌ها، همه روزه، از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ عصر بر روی پژوهشگران باز است. به جهت نفاست آثار، کتب این بخش فقط برای مطالعه در این بخش است و امکان امانت دهی نیست.

### کتابخانه دولتی روسیه (ننین سابق)

روز چهارشنبه بیست و یکم تیرماه، همراه همان دوستان دیروز، طبق هماهنگی قبلی، وارد کتابخانه‌ی دولتی روسیه شدیم؛ کتابخانه‌ای که چند روز پیش از سفر، یعنی یکم ژولای سال ۲۰۱۲، یادمان یکصد و پنجاهمین سالروز تأسیس کتابخانه دولتی روسیه برگزار شده بود. در برخی منابع روی خطی<sup>۱</sup>، گاهی از این کتابخانه، تعبیر به

«کتابخانه ملی روسیه» شده که اگر اطلاقی حقیقی باشد، طبعاً «کتابخانه ملی روسیه در سنت پترزبورگ» به عنوان دومین کتابخانه ملی روسیه خواهد بود؛ بر این پایه، فدراسیون روسیه تنها کشوری در جهان خواهد بود که دارای دو کتابخانه ملی می‌باشد! بنیاد کتابخانه دولتی به سال ۱۸۲۸م و مجموعه کتاب‌های گراف<sup>۱</sup> نیکلایا پتروویچ روماننسوف (۱۷۵۴-۱۸۲۶م)، کنسول روسیه و فرزند فرمانده ناوگان روسیه، سرچشمه می‌گیرد که شامل بیش از ۲۸ هزار کتاب، ۷۱۰ نسخه خطی و ۱۰۰۰ نقشه در موضوع تاریخ روسیه می‌گردید و آنها در سنت پترزبورگ در موزه‌ای به نام وی جمع آوری شده بود. از آنجا که در آن مقطع تاریخی، مسکو فاقد کتابخانه‌ای خوب بود، در سال ۱۸۶۱م با ابتکار مردم روسیه، موزه روماننسوف و مجموعه کتاب‌های آن به خانه پاشکوف در مسکو منتقل گردید و یک سال بعد هم در یکم ژولای سال ۱۸۶۲م همراه جشن باشکوهی، با نام موزه عمومی مسکو، رسماً افتتاح گردید. چند سال بعد خانواده امپراتور از تأسیس این موزه جانبداری کرده و خواهان تکمیل آن مجموعه شدند؛ بر این پایه کتابخانه شخصی خود را به آن موزه پیشکش نمودند. در آن زمان با حکم امپراتور الکساندر دوم ترکیب کارمندان و بودجه کتابخانه تأیید و حق کتابخانه بر دریافت یک نسخه الزامی از هر نشریه چاپی منتشره در روسیه قانونی شد. علاوه بر ورودهای مداوم، صندوق کتابخانه توسط اعانات تکمیل می‌شد. مثلاً مجموعه کتاب‌های اهدا شده به کتابخانه توسط آبراهام نوروف، وزیر آموزش و پرورش ملی شامل ۱۶ هزار کتاب بود. آثار نویسندگان یونانی و رومی، آثار ماکیاولی، تنها مجموعه آثار نوشته شده توسط جوردانو برونو با دستخطی بر روی یکی از کتابها، مونوگرافی‌های دانشمندان روس در نیمه اول قرن نوزدهم - این مجموعه تا بحال یکی از با ارزش‌ترین کلکسیون در صندوق کتابخانه موجود است - این مجموعه را تشکیل دادند. صدها مجموعه، کتاب‌های خاص و نسخ خطی از طریق اهدا کنندگان به کتابخانه تحویل شدند از جمله این افراد کوزما سلداتینکوف، تاجر و ناشر، دانشمند فیودور چیژیکوف، ولادیمیر اودوئیفسکی،

۱. «گراف» عنوان در روسیه بوده است که به سربازان دلیر و اشراف زادگان داده می‌شده است.

کتاب دوست و و موسیقی شناس، پسر الکساندر پوشکین، سوفیا، دختر تولستوی و بسیار افراد دیگر در میان این اهدا کنندگان بودند. در این ایام نام این مجموعه به موزه روماننسف و امپراطوری مسکو تغییر یافته بود؛ رسم هدیه ادامه یافت و به تدریج شخصیت‌های ادبی و علمی روسیه نیز همچون لئو تالستوی، فئودور داستایوفسکی، آنتوان چخوف، ولادیمیر کارلونکو، مندلیوف، تیمیریازوف، تسولکافسکی، ورسایوف، کلوجفسکی و دیگران نیز در سال‌های بعد با اهدای برخی آثار، از یاری دهندگان، مراجعه کنندگان و مطالعه کنندگان آثار این کتابخانه در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی بودند. در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۵ مخزن کتب جدید با ۵۰۰ هزار جلد و یک اتاق مطالعه برای ۳۰۰ خواننده افتتاح شد. مرحله جدید تغییرات اساسی در زندگی کتابخانه به دوره اتحاد جماهیر شوروی مربوط می‌شود. این موزه، همزمان با آغاز تغییرات سیاسی-اجتماعی در روسیه، در سال ۱۹۱۷ به موزه دولتی روماننسف تغییر نام یافت؛ پس از انقلاب ۱۹۱۷م کتابخانه در مدت کوتاه بخشی از موزه روماننسف بود که البته بعدها مستقل شد. در سال ۱۹۲۴ این کتابخانه، نام کتابخانه عمومی روسیه، به نام ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (لنین) نام گرفت، اما از سال ۱۹۲۵ به کتابخانه عمومی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به نام لنین تغییر نام یافت و این نام تا ۲۹ ژانویه سال ۱۹۹۲ که با صدور فرمان رئیس جمهور روسیه (یلتسین) نام کتابخانه، به کتابخانه دولتی روسیه تبدیل شد، پابرجا بود.

در کتابخانه دولتی روسیه مجموعه منحصر به فرد از اسناد داخلی و خارجی به ۳۶۷ زبان وجود دارد. حجم مخزن بیش از ۴۳۰۰۰۰۰۰ کتاب، نشریات ادواری ۴۵۰۰۰۰، تعداد پایان نامه‌ها ۷۱۳۸۰۰، تعداد میکروفیلم‌ها ۳۶۰۰۰۰۰ و تعداد نقشه‌ها نیز ۱۴۷۸۰۰ عدد می‌باشد. در اینجا مجموعه‌هایی تخصصی از منابع غیرکتبی، همچون لوح‌های فشرده، نوت‌های موسیقی، نوارها و فایل‌های صوتی، و جز آنها وجود دارد. کتابخانه دولتی روسیه بعد از کتابخانه کنگره ایالات متحده آمریکا، بزرگترین کتابخانه‌ی جهان محسوب می‌شود؛ اما مسئولان این کتابخانه بر این باورند که این کتابخانه مقام نخست را در جهان دارد، چرا که در کتابخانه کنگره آمریکا، تعداد نشریات و مجلدات اثر نیز محاسبه شده است و این در حالی است که در این کتابخانه

هر عنوانی یک اثر تلقی شده است، برای مثال اگر یک عنوان نشریه‌ای ۲۰۰ شماره دارد، بر خلاف کتابخانه کنکره امریکا، تنها یک عنوان محاسبه شده است! در ضمن در این کتابخانه حدود ۲۱۵ نسخه خطی عربی، ۲۰۰ نسخه ترکی و ۱۱۶ نسخه خطی فارسی نگهداری می‌شود که دو جلد فهرست به زبان روسی نیز برای این آثار فارسی نوشته شده است و ترجمه فارسی یکی از این فهرست‌ها که در معرفی شصت نسخه خطی اسلامی است، به اهتمام علی بهرامیان در سال ۱۳۷۹ش از سوی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در قم منتشر شده است. باید افزود که این کتابخانه که روزانه پذیرای ۲۰۰۰ پژوهشگر است، به جز یک‌شنبه‌ها، همه روزه، از ساعت ده صبح تا شش عصر پاسخ‌گوی نیازهای مراجعه‌کنندگان و پژوهشگران است. ما پس از ورود به کتابخانه دولتی روسیه، ابتدا در دفتر رئیس افتخاری کتابخانه، جناب آقای فئودروف ویکتور واسیلیوچ حضور یافتیم و در اتاق بسیار گرم خود، با استقبال گرم ایشان و همراهانشان همچون خانم ناتالیا چرنیکوا، روبه‌رو شدیم. اتاق رئیس، همه چیز بسیار ساده تنظیم شده بود و رئیس کتابخانه، ضمن خوش‌آمدگویی اظهار داشت که: «بسیار خوشحالم که امروز این امکان میسر شد تا با شما عزیزان ملاقات کنم. روابط فرهنگی میان دو کشور بزرگ ایران و روسیه بسیار خوب و عمیق است. من دو سال قبل میهمان کتابخانه ملی ایران در تهران بودم و از این مسافرت خیلی لذت بردم. بنده حدود دوازده سال است که ریاست افتخاری این کتابخانه را بر عهده دارم».

ایشان در تبیین تاریخچه مختصر کتابخانه افزودند: «بنیاد کتابخانه دولتی روسیه در سال ۱۸۲۷م، یعنی در زمان حیات الکساندر پوشکین (شاعر شهیر روسیه با تبار حبشی)، تأسیس شد. در آن زمان پایتخت روسیه سن پترزبورگ بود و کتابخانه اصلی روسیه نیز در آن شهر قرار داشت. وزیر اعظم روسیه در آن وقت، گراف روماننسف، بود. او میل و عشق فراوانی به جمع‌آوری کتاب داشت. وی در کتابخانه شخصی‌اش نسخ خطی فراوانی را از زبان‌های فارسی و عربی و ترکی و عبری و... نگهداری می‌کرد. روماننسف پیش از مرگش در سال ۱۸۲۸م وصیت کرد که تمام کتاب‌هایش به دولت روسیه برسد. به همین جهت در سال ۱۸۶۱م کتابخانه او از

سن پترزبورگ به مسکو منتقل شد. وقتی در سال ۱۹۱۸م پایتخت شوروی از سن پترزبورگ به مسکو انتقال پیدا کرد، لنین فرمان داد که کتابخانه روماتسف، کتابخانه ملی شوروی شود. کتابخانه دولتی روسیه، بالغ بر چهل و سه میلیون کتاب و چند هزار نسخه خطی و نشریه دارد. در این مرکز بزرگ، دو هزار کارمند مشغول به کار هستند و به طور میانگین در هر هفته چهار هزار نفر به آنجا مراجعه می‌کنند. در مجموع دو هزار صندلی برای مطالعه در سالن‌های این کتابخانه وجود دارد. در بزرگترین تالار مطالعه، چهارصد و شصت و پنج صندلی قرار دارد. در این کتابخانه تالارهای ویژه‌ای نیز برای اجرای کنسرت‌های موسیقی، برگزاری مسابقات شطرنج و مراسم‌های خاص وجود دارد. علاوه بر این تالارها، مراکز مطالعات جغرافیایی، نسخ خطی، ادبیات شرقی و... در این مجموعه به چشم می‌خورد. در کل این کتابخانه بیش از صد تالار و مرکز علمی دارد. مساحت کلی کتابخانه دولتی روسیه تقریباً صد و چهل هزار متر مربع در ۱۹ طبقه است. در ضمن ساختمان دیگری به مساحت نود هزار متر مربع نیز قرار است به این مجموعه اضافه شود».

آقای فئودروف، که در سال‌های حاکمیت کمونیست‌ها، از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست بوده و تحصیلاتش و مطالعاتش در زمینه اقتصاد است، در ادامه، از سیستم خاص کتابداری کتابخانه در زمان شوروی دفاع کرده و می‌گوید: «ما همان تکنیک و سیستم کتابداری خود را تاکنون ادامه می‌دهیم، هرچند که ما با فن‌آوری‌های جدید نیز بیگانه نیستیم. در اینجا هر عضوی از کتابخانه، حتی اگر در دورترین نقاط این کشور بوده باشد، می‌تواند کتاب مورد نظرش را سفارش دهد و در مدت کوتاهی آن را، در قالب سیستم امانتی، تحویل بگیرد. این کتابخانه کار آموزش کارمندان و دانشجویان کتابداری را نیز بر عهده دارد. همه ساله از کشورهای دیگر برای دوره‌های دانش‌افزایی به آنجا مراجعه می‌کنند، تا با آخرین دستاوردهای کتابداری و حفظ کتاب و نسخ خطی آشنا شوند. همه ساله نزدیک به یکصد و ده هزار کتاب به چاپ می‌رسد که این کتابخانه چند نسخه از هر کتاب را تهیه می‌کند. در کتابخانه دولتی روسیه، یکصد و پنجاه کارمند دارای مدرک دکتری و مابقی فوق لیسانس هستند».



رئیس کتابخانه در پایان سخنانش اظهار داشت که: «من می‌توانم بگویم که ایران با فرهنگ کهنش برای مردم روسیه مانند گوهر است، گوهر شرق؛ تصور می‌کنم روس‌ها ایران دوست هستند و بسیاری از شعرای ایران را می‌شناسند. یکی از دوستانم، که در انتشارات کار می‌کند، می‌گوید: «تنها کتابی که خیلی خوب به فروش می‌رود رباعیات عمر خیام است با اینکه قیمت آن چیزی در حدود صد دلار می‌باشد!» بعد از صحبت ایشان، آقای دکتر حیدر نیا، رئیس بنیاد ایران شناسی، از ریاست کتابخانه سپاسگزاری کرده و گفتند: «ما بسیار خوشحالیم که به ایران سفر کرده و از نزدیک با کتابخانه‌های ما نیز آشنا شده‌اید».

وی افزود: «این دو استاد عزیزی که میهمان ما در بنیاد بین‌المللی ایران شناسی و رایزنی فرهنگی ایران هستند، نمایندگان کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در قم می‌باشند که بزرگترین مرکز نسخ خطی در ایران است و این عزیزان به دعوت ما، برای همکاری در پروژه مربوط به نسخ خطی فارسی به روسیه، آمده‌اند. ما در تلاشیم تا نسخه‌های خطی فارسی در روسیه را به ایرانیان پژوهشگر و نسخه‌های خطی ایران را به دانشمندان روس معرفی کنیم. چنان‌که از سال گذشته تاکنون مشغول ترجمه فهرست نه جلدی مشتمل بر هزار نسخه خطی فارسی موجود در انستیتوی نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه در سن پترزبورگ هستیم و البته این کار، با همکاری خانم دکتر ایرنا پاپوا، رئیس انستیتو و کارشناسان نسخه‌های خطی که اکنون در حضور شما هستند، انجام می‌گیرد».

بعد از دیدار با ریاست کتابخانه و اهدای یک جلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۱/۴۰) تألیف خود، به ایشان و اخذ چند تصویر دسته جمعی، از ایشان خداحافظی نموده و با راهنمایی خانم ناتالیا و دیگران از بخش نسخه‌های خطی این کتابخانه نیز دیدن کردیم؛ بر سر در محزن، نوشته‌هایی به رنگ طلایی از دوره رومانسلف مشاهده می‌شد. همانگونه که اشاره گردید، بنیاد این بخش در زمان حیات رومانسلف به وجود آمده بود؛ در آن زمان تنها چهار نسخه خطی فارسی وجود داشت، اما بعد از آن به تپیه و جمع‌آوری نسخ خطی فارسی دیگری نیز اقدام گردید، چنانکه اکنون ۱۱۶ عنوان نسخه خطی فارسی

و تاجیکی در این بخش موجود هست. در این مرکز شصت هزار نسخه خطی به چهل زبان کهن و جدید نگهداری می‌شود که عمده آنها به زبان روسی نگارش یافته‌اند و همگی فهرست شده‌اند. علاوه بر این نسخه‌ها، دستنویس‌هایی از آثار نویسندگان بزرگ روس مثل آنتوان چخوف و فئودور داستایفسکی و والتین راسپوتین و دیگران، به خط خودشان در این مکان، حفظ می‌شود. باید افزود که خمسه نظامی گنجوی با کتابت ۸۸۱ هـ، مرکز/دوار فیضی دکنی با کتابت ۹۵۹ هـ، نزهة القلوب مستوفی با کتابت ۸۶۹ هـ بخط محمد بن علی سلطانیوی (اهل سلطانیه)، تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی از سده ۱۱ هـ و نیز عالم آرای اسکندی منشی از قرن ۱۱ هـ از جمله نسخه‌های خطی فارسی این دومین کتابخانه بزرگ جهان است که در این بخش به نمایش گذاشته‌اند. ناگفته نماند، همانگونه که خاتم مسؤل بخش توضیح دادند مشخصات کامل‌تر این نسخ به انضمام نسخ خطی فارسی دیگر با کد (185-Π) که به ایران مربوط می‌شود، از طریق وبسایت کتابخانه<sup>۱</sup> قابل مطالعه و بررسی است. همچنانکه پیش‌تر نیز در این نوشتار اشاره گردید، این کتابخانه، حاوی ۲۱۴ نسخه خطی عربی فهرست نشده و همچنین دارای ۱۰۰ نسخه خطی ترکی است که البته از سوی الینا لیبسی سینا فهرست شده است. در این بازدید همچنین عنوان شد که فردی به نام بردیف، فهرستی جامع برای قرآن‌های خطی موجود در این کتابخانه و سایر کتابخانه‌های روسیه در ۵۶۰ص تهیه نموده است، ولی این فهرستگان، هنوز منتشر نشده است. کتابخانه دولتی روسیه همچنین دارای ۴۵۰ هزار سند تاریخی و سیاسی به زبانهای مختلف است که از این تعداد تنها ۲۰۰۰ سند، به زبان فارسی می‌باشد و بیشتر آنها متعلق به دوره‌های صفویه و قاجار است.

پس از رؤیت این نسخه‌ها، از مخزن نسخ خطی کتابخانه دیداری داشتیم. درجه هوای این بخش در دمای مخصوصی نگه داشته می‌شود. سیستم امنیتی و اطفای حریق بسیار پیشرفته در این تالار جلب توجه می‌کرد. در این اثنا مقرر شد که از طریق بنیاد ایران‌شناسی تصویری از فهرست موجود نسخ خطی ۱۱۶ عنوانی که در

ذیل مجموعه ایران به شماره ۱۸۵ نگهدای می‌شود، تهیه و به کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله در قم ارسال شود. البته باید یادآور شوم که این فهرستواره بایستی همان فهرستی باشد که ترجمه‌ای از آن به فارسی به اهتمام علی بهرامیان در سال ۱۳۷۹ توسط کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی رحمته الله در قم منتشر شده است، اما در آن تنها، گزارشی مختصر از ۶۰ نسخه خطی اسلامی موجود در این کتابخانه، ارائه گردیده است، همچنانکه در همین فهرستواره روسی نیز دقیقاً ۶۰ نسخه خطی اسلامی گزارش گردیده است!

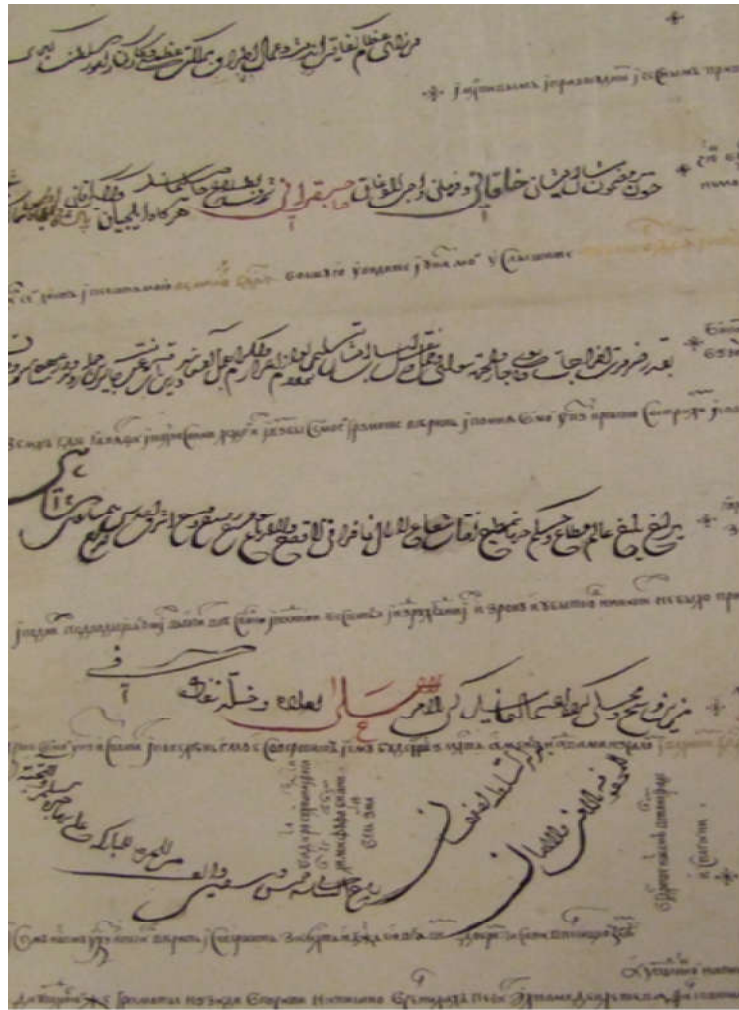
### مرکز بایگانی اسناد کهن روسیه

پس از دیدار از کتابخانه دولتی روسیه، طبق هماهنگی قبلی از مرکز بایگانی اسناد کهن روسیه، دیدار نمودیم و پس از کنترل وارد چند محوطه باز شدیم، نقشی شبیه ستاره داوود ⬠ منقش به دو مثلث به رنگ‌های قرمز و آبی، روی پله‌های ساختمان این سازمان، می‌توانست در بدو پیام روشنی در اداره این نهاد تاریخی به ما بدهد. وارد اتاقی بزرگ می‌شویم، که قفسه‌های پلمپ شده کتابهای چاپ کهن، تا سقف اتاق را اشغال کرده است. اتاق رئیس بسیار گرم است، این کمینه از شدت گرمی هوای تیرماه مسکو، ناگزیر هنگام ورود، عرق ریزان، کت خود را درمی‌آورم. آقای میخائیل ریژینکف رافائیلویچ، که فردی بسیار باهوش و جدی به نظر می‌رسید، به گرمی از ما استقبال می‌نماید. وی مدت یازده سال است که مدیریت این مرکز را عهده‌دار است و دارای دکترای تاریخ شرق، می‌باشد. طبق گفته وی، ساختمان مرکز بایگانی اسناد کهن روسیه در سال ۱۸۸۶م، در دوره‌ای که پایتخت روسیه، سن پترزبورگ بود، ساخته شده است. در ساختمان‌های این مرکز فقط اسناد تاریخی روسیه نگهداری می‌شود و اسناد معاصر در سن پترزبورگ بایگانی شده است. بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م آرشیو اسناد وزارت خارجه روسیه نیز به این مجموعه اضافه شد. البته بایگانی اسناد وزارت خارجه روسیه تنها تا سال ۱۹۴۶م در اینجا حفظ می‌شود. باید دانست که تا زمان پطر کبیر در دربار روسیه بخش خارجی امپراتوری، به نوعی نقش وزارت خارجه را بازی می‌کرد؛ تا این‌که پطر کبیر با الگو برداری از کشورهای اروپایی، وزارت خارجه را در سال ۱۷۲۰م

تأسیس نمود. تمامی اسناد مربوط به روابط ایران و روسیه تا قرن هجدهم میلادی شامل قراردادها، اسناد سفارت‌خانه‌های روسیه در ایران و سفارت‌خانه‌های ایران در روسیه در این مرکز نگهداری می‌گردد که از این حیث برای مطالعه روابط خارجی ایران و روسیه در دوران صفویه و زندیه، حائز اهمیت است.

آقای ریژینکف، در مدت ملاقات و صحبت خود، سه سند تاریخی بسیار بزرگ و مهم، به ما نشان می‌دهد، یکی به زبان فارسی و دو مورد هم به زبان ترکی که با لهجه چغتایی - لهجه معیار برای کتابت متون ترکی از قرن نهم هجری تا دوره قاجار - نگارش یافته بود؛ یکی از آن اسناد، مربوط به عصر شاه عباس اول و درباره گرجستان بوده است، دیگری کتابت شده در سال ۱۰۷۵هـ در دارالسلطنه اصفهان متعلق به اواخر سلطنت شاه عباس ثانی یا اوایل سلطنت شاه سلیمان صفوی و اخیری هم گویا مربوط به دوره قاجار بود که اسامی مذهبی همچون نام «خدا»، «عیسی» و «المسیحیه» به صورت مذهب نگارش یافته بودند. این اسناد بزرگ تاریخی که ابعاد برخی از آنها به ۵۰×۱۲۰ سانتیمتر می‌رسید بدون اینکه تا شود، به همان صورت در همان قطع خود در قاب‌های مخصوص نگهداری می‌شود و جالب توجه است که حتی کیسه‌ای که این اسناد درون آنها بوده است نیز در آرشیو این مرکز نگهداری می‌شود. در وبسایت رسمی این مرکز اطلاعات بیش‌تری ارائه گردیده است.<sup>۱</sup>

در این مرکز علاوه بر میلیون‌ها سند تاریخی به زبان‌های شرقی فارسی و ترکی (بیشتر با لهجه چغتایی)، نسخه‌های خطی متعددی نیز به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و جز آن‌ها نگهداری می‌شود. گفتنی است از سوی دیمیتری موروزوف، در سال ۱۹۹۶م، کاتالوگی برای نسخ خطی عربی این مرکز تنظیم گردیده است و آقای ریژینکف، نسخه‌ای از فهرست مذکور را به این کمیته تقدیم داشتند. باید افزود که برای نسخه‌های خطی فارسی موجود در این مرکز، هنوز فهرستی تهیه نشده است.



نمونه‌ای از اسناد تاریخی ایران در آرشیو دولتی روسیه



نمونه‌ای از اسناد تاریخی ایران در آرشیو دولتی روسیه

باید افزود که در این مرکز مجموعاً سه میلیون و دویست هزار پرونده سند و ۵۵۴ نسخه خطی که عمدتاً به زبان‌های شرقی همچون عربی، ترکی و فارسی است، وجود دارد. قدیمی‌ترین سند در این مرکز متعلق به سال ۱۲۶۴م و قدیمی‌ترین نسخه خطی نیز کتاب کشیش ساوا است که به قرن ۱۱ میلادی تعلق دارد. این کتاب روی پوست گوسفند و به دو زبان بلغاری و روسی قدیم نوشته شده است. باید افزود که قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود در روسیه، انجیل «اُسْتَرْمِیْرُوا» (شهردار نئوی گراد) است، که در سن پترزبورگ نگهداری می‌شود و به قرن ۱۱ میلادی (۱۰۵۵م) تعلق دارد. این اثر به زبان روسی باستان نوشته شده است.

### کتابخانه دولتی-تاریخی روسیه

عصر روز پنج‌شنبه بیست و دوم تیرماه ۱۳۹۱، ما در سومین روز سفرمان به کشور روسیه، به اتفاق خانم آیدا سوبولوا، خبرنگار بخش روسی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران در روسیه که در حوزه ترجمه، با رایزنی و بنیاد نیز همکاری دارد و آقای سید حسین موسویان، از همکاران بنیاد ایران شناسی، بنا بود از کتابخانه تاریخی روسیه، نزدیک بنیاد ایران شناسی، بازدید داشته باشیم. پس از نیم ساعت پیاده روی و عبور از خیابان‌ها و کوچه‌های مسکو به کتابخانه نزدیک می‌شویم. رئیس این کتابخانه، آقای میخائیل آفاناسیف دیمتریویچ، در کمال تواضع و احترام حدود صد متر بیرون از کتابخانه و در خیابان مجاور به استقبال ما آمده است و پس از ذکر سلام و خیر مقدم، ما را به کتابخانه و دفتر خود راهنمایی نمودند.

باید دانست که این کتابخانه از دو ساختمان تشکیل شده که با راهرویی در طبقه چهارم به هم متصل می‌شوند. یکی از ساختمان‌ها بسیار قدیمی و یکی مدرن است. در ساختمان جدید چند سالن مطالعه و دفتر اداری و اتاق ریاست و در ساختمان کهنه، مرکز نسخ خطی و اتاق کارشناسان قرار دارد.

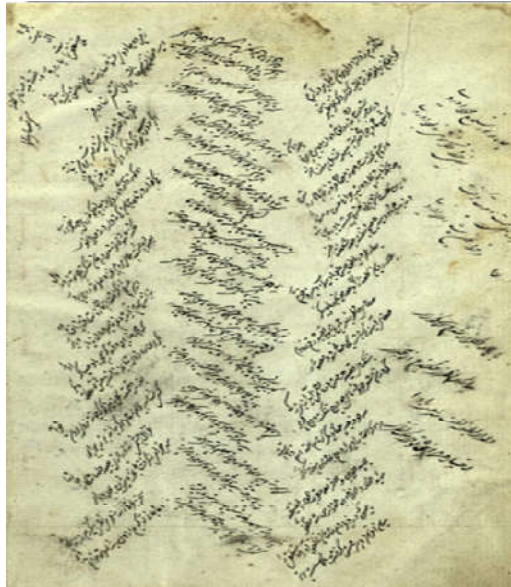
دکتر میخائیل آفاناسیف، که فردی بسیار متین، خوشرو و متواضع به نظر می‌رسد، پس از خوش آمدگویی، گفت که: «سال آینده (۲۰۱۳م) کتابخانه ما وارد یکصد و پنجاهمین سال تولد خود خواهد شد. یکصد و پنجاه سال پیش الکساندر چرتکف، که ریاست انجمن تاریخ مسکو را بر عهده داشت، این مجموعه را تأسیس کرد.

چرتکف با تلاش فراوان و خستگی ناپذیر بیشتر کشورها را گشته بود و تا جایی که توانست کتاب‌هایی را که مربوط به تاریخ روسیه و بخصوص تاریخ مسکو بود، جمع‌آوری کرد. از آنجا که او جزو طبقه اشراف مسکو به شمار می‌رفت، از نظر مالی نگرانی نداشت. زمانی که وی این کتابخانه را تأسیس کرد، نام خود را بر روی آن گذاشت. در واقع او کتابخانه شخصی‌اش را به مردم مسکو و روسیه تقدیم نمود. پس از آن که در سال ۱۸۸۰م موزه تاریخی مسکو افتتاح شد، این کتابخانه زیر نظر این موزه درآمد و این جریان تا سال ۱۹۳۸م ادامه داشت و پس از آن دولت تصمیم گرفت تا این کتابخانه از موزه مذکور، به صورت مستقل اداره شود. آن وقت بود که این ساختمان قدیمی، که خودش به نوعی جزو تاریخ مسکو است، خریداری گردید. در زمان استقلال کتابخانه و نقل مکان به ساختمان قدیم، چیزی در حدود یک و نیم میلیون جلد کتاب در فهرست کتابخانه ثبت شده بود، اما در حال حاضر دو میلیون جلد کتاب و یک و نیم میلیون جلد نیز مجله و ژورنال، موجودی کتابخانه تاریخی مسکو است. گفتنی است در این مجموعه، بیش از پنجاه زبان، کتاب و نشریه وجود دارد».

دکتر آفاناسیف در ادامه سخنانش اظهار داشت که: «کتابخانه ادبیات خارجی مسکو، تنها یک میلیون کتاب را در خود جای داده است و این در حالی است که ما بیش از سه و نیم میلیون کتاب و نشریه در این زمینه داریم. بخش ادبیات شرقی در این کتابخانه بسیار جدید است، چون تا قبل از استقلال، موزه تاریخی مسکو علاقه چندانی به موضوعات شرقی نداشت. اما از سال ۱۹۳۸م به بعد تصمیم گرفته شد تا به شرق و غرب به یک اندازه اهمیت داده شود. بر این پایه در سال ۱۹۴۰م پروفیسور کراچکوفسکی، رئیس وقت کتابخانه، خاورشناس شهر و مترجم برجسته قرآن کریم، از آکادمی علوم شوروی خواست تا در این کتابخانه بخش دپارتمان شرق‌شناسی تشکیل شود و پس از موافقت دولت، بخش مطالعات شرقی در این مجموعه تأسیس شد و از آن به بعد به جمع‌آوری نسخه‌های خطی شرقی نیز پرداختند. در این کتابخانه کتاب‌های مربوط به ایران از زبان‌های مختلف جمع‌آوری شده است، اما بیشتر آنها به زبان‌های آلمانی و انگلیسی است».



پس از اخذ چند عکس دسته جمعی یادگاری در دفتر رئیس، با راهنمایی آقای آفاناسیف و همکارانشان، پس از عبور از چند بنا و سالن، ابتدا از بخش نسخ خطی دیدن کردیم. در بخش نسخ خطی کتابخانه پنج نسخه خطی فارسی: کیمیای سعادت امام محمد غزالی، کتابت به سال ۱۱۰۰هـ، دوره دو جلدی نگارستان قاضی احمد غفّاری، مفتاح الجنان از محمد مجیر، کتابت به سال ۱۰۸۲هـ، منشآت میرزا مهدی استرآبادی (شامل پنجاه و دو نامه)، کتابت به سال ۱۲۳۸هـ، نسخه‌ای نفیس مشتمل بر جنگ ادبی که اشعار بسیاری از شعرای نامی ایران را در خود جای داده است. در این کتابخانه همچنین تعدادی نسخه خطی به زبان‌های عربی همچون صحیفه سجّادیه با سرلوح مذهب با تاریخ کتابت ۱۰۶۷هـ، سفینه الفتاوی در فقه حنفی، جامع الرموز در شرح مختصر الوقایه اثر شمس‌الدین محمد کوهستانی خراسانی و نیز چند نسخه خطی ترکی از جمله تواریخ آل عثمان وجود دارد.



نمونه‌ای از نسخ خطی فارسی در کتابخانه تاریخی مسکو



نمونه‌ای از نسخ خطی فارسی در کتابخانه تاریخی مسکو

بنا به گفته آقای آفاناسیف، بعد از کراچکوفسکی، ریاست این کتابخانه، برعهده یکی دیگر از اشراف روسیه، فردی به نام خمیئروف بوده است. یکی از کارهای بزرگ وی جمع‌آوری بریده روزنامه‌هایی بود که اخبار شرق را پوشش می‌داده است. این مجموعه اکنون در شش جلد در کتابخانه نگهداری می‌شود که سه جلد آن مربوط به ترکیه (عثمانی) است و اخیراً از روسی ترجمه و به اهتمام دانشمندان تُرک در ترکیه به چاپ رسیده است و سه جلد دیگر، اختصاص به اخبار ایران در قرون ۱۸، ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی دارد. قدیمی‌ترین بریده روزنامه در این مجموعه، مربوط به سال ۱۷۹۰م می‌باشد.

در ادامه برنامه بازدید از کتابخانه، آقای آفاناسیف ضمن ابراز خشنودی از این حضور و ملاقات، خواستند تا با کمک هم مسیر ارتباطات فرهنگی بین ایران و روسیه را در زمینه آشنایی، حفظ و فهرست‌برداری از نسخ خطی هموار نماییم تا دانشمندان و پژوهشگران دو کشور، متقابلاً بهتر از گذشته، امکان استفاده از این گنجینه‌ها را بیابند. با ایشان خداحافظی کرده و با راهنمایی همکار ایشان، ما وارد مخزن نسخ خطی و آثار کهن این کتابخانه شدیم و از روزنامه‌های قدیمی و کتب خطی به زبان روسی قدیم دیدن کردیم. یکی از نکات جالب توجه قطع کوچک صفحات برخی روزنامه‌های کهن روسیه بود که در آرشیو این کتابخانه نگهداری می‌گردد. علت کوچکی قطع نشریات آن دوره، اختصاص آنها به طبقه اشراف در راحتی حمل و نقل در جیب لباس آنان عنوان گردیده است! قدیمی‌ترین کتاب چاپی در این بخش، مربوط به سال ۱۵۲۴م بود که به دوره ایوان مخوف، نخستین فرمانروای مسکو، اختصاص داشت.

باید افزود پیرو این دیدار، نسبت به ترجمه یا چاپ متن روسی سه جلد بریده جراید مربوط به ایران، پس از بازگشت به رایزنی، با آقای دکتر ابراهیمی ترکمان، مذاکراتی صورت گرفت. چندی بعد از طریق وبسایت مؤسسه مطالعات ایران اوراسیا (ایراس) در روسیه مطلع شدم، خوشبختانه در روز پنجشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۱ ایشان جداگانه دیداری از این کتابخانه داشته‌اند.

در بخشی از یادداشت رایزن کاردان کشورمان در مسکو آمده بود: «روز پنجشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۱ با قرار قبلی و به دنبال نظر دوستانم آقایان صدرایی نیا، متقی و دکتر حیدرنیا که پیش‌تر، از این کتابخانه بازدید کرده بودند و درباره مجموعه سه جلدی بریده روزنامه‌های روسی مربوط به ایران (موجود در این کتابخانه) توضیحاتی داده بودند، به دیدن رییس کتابخانه دولتی تاریخی روسیه رفتم. این کتابخانه از کتابخانه‌های قدیمی روسیه به شمار می‌آید که در سال ۱۸۶۳م تأسیس شده است. رییس این کتابخانه پروفیسور میخائیل آفاناسیف، مردی خوش رو و متبسم و علاقه‌مند به امر کتاب، کتابداری و کتابخوانی است و در تدوین قوانین مربوط به کتاب و کتابداری در روسیه نقش فعالی داشته است. وی متولد سال ۱۹۴۷م است و دانش آموخته رشته علوم تربیتی و کتابداری است و به دلیل تلاش‌هایش در زمینه کتابداری، از اعضای اصلی آکادمی بین‌المللی اطلاع‌رسانی و نیز عضو کمیته توسعه کتابخانه‌های روسیه و معاون انجمن کتابداران فدراسیون روسیه است. از همان بدو ورود می‌توان علاقه‌مندی و عشق او را به کتاب دریافت. ایشان از ما به گرمی استقبال نمود و ما به گفتگو نشستیم.

ایشان افزودند: «در شهر مسکو ۴۳۴ کتابخانه عمومی وجود دارد و مجموع کتاب‌های کتابخانه‌های مسکو ۲۶،۶۶۶،۵۰۰ نسخه کتاب است که سه میلیون و هشتصد هزار کتاب از این تعداد در کتابخانه دولتی تاریخی نگهداری می‌شود. کتابخانه دولتی تاریخی ۲۵۰ نفر کارمند دارد که اغلب یا کتابدار هستند و یا تحصیل کرده رشته تاریخ می‌باشند. بیش از ۴۰،۰۰۰ نفر عضو این کتابخانه هستند». به گفته رییس بخش کتابهای شرقی بیش از ۱۵۰۰ عنوان کتاب در باره ایران وجود دارد. بعد از کمی گفتگو، به دعوت رییس کتابخانه، از بخش‌های فارسی و کتب مربوط به ایران و همچنین نسخه‌های خطی فارسی بازدید کردیم. یکی از رؤسای پیشین کتابخانه، آقای خیمیروف (متوفای ۱۸۷۲م) به جمع‌آوری بریده روزنامه‌ها و مقالات منتشره در باره موضوعات مختلف بسیار علاقه‌مند بود. او مجموعه ۶ جلدی از بریده روزنامه‌ها را گردآوری کرده که سه جلد آن مربوط به ایران است. سه جلد مذکور متضمن بریده جراید درباره ایران به نام مجموعه خیمیروف به قطع وزیری در این

کتابخانه نگهداری می‌شود. در این مجموعه سه جلدی ارزنده، آقای خیمیرف مقالات مربوط به ایران را که در روزنامه‌ها و مجلات عصر وی به زبان روسی منتشر گردیده، اصل مقاله را از روزنامه یا مجله بریده و با درج مشخصات آن در مجموعه ملحق نموده است. او مقالات را به ترتیب موضوعی چیده و برای هر مقاله یک شماره اختصاص داده است. در کل تعداد مقالات مجموعه در این سه جلد ۵۳ مقاله بوده و مقالات به زبان‌های روسی، انگلیسی و فرانسوی است. شاید به این دلیل که ما در ایران، در آن زمان دارای روزنامه نبودیم، اطلاعات این مجموعه به مورخین ایرانی کمک زیادی در آگاهی از وقایع آن دوره‌های تاریخی بنماید. بنده با رییس کتابخانه در باره این مجموعه گفتگو کردم و از آمادگی رایزنی فرهنگی برای ترجمه این مجموعه و انتشار آن سخن به میان آوردم که البته این موضوع مورد موافقت قرار گرفت و مقرر شد تا در روزهای آینده، همکاری‌های فیما بین را در قالب امضای تفاهم نامه همکاری پیگیری بنماییم».

### سنت پترزبورگ، پایتخت فرهنگی روسیه

طبق هماهنگی‌های قبلی، برای بررسی دستنویس‌های فارسی موجود در انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه، از روز شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۱، برابر با چهاردهم ژولای ۲۰۱۲، این کمپنه، به همراه استاد صدرایی، به مدت یک هفته، بایستی سفری به شهر سنت پترزبورگ داشته باشیم. البته از آنجا که آقای ذوقی هم خود شخصاً تمایل داشتند به آن شهر زیبا سفری داشته باشد و هم اینکه به جهت آشنایی با نسخ خطی و نیز زبان روسی، می‌توانستند مددکار ما باشند، با موافقت رایزن محترم، جناب آقای دکتر ابراهیمی، ایشان اینک همسفر ما بودند، لیکن چون در وقت اضافه، بلیت تهیه نموده بودند، طبیعتاً کوپه ایشان دورتر از کوپه ما است، به هر تقدیر فرقی نداشت، همین قدر که در یک قطار و با هم هستیم، خوشحالیم. بر این پایه، رأس ساعت ۱۱ شب، با قطار سریع‌السیر، مسکو را به مقصد سنت پترزبورگ ترک می‌کنیم، قطار نسبتاً مدرن، خوب و راحتی است که در جهت شمال و شمال غرب، ان شاء الله حدود ۸۰۰ کیلومتر طی مسیر خواهد نمود. تنها همسفر ما در کوپه چهار نفری، آقای جوانی است، بسیار خوش برخورد و متین از اهالی

سنت پترزبورگ و البته یکی دیگر از مسافران نیز نیامده است. بر خلاف اکثر مردم روسیه، خوشبختانه وی اندکی زبان انگلیسی می‌داند، با وی جملاتی چند صحبت می‌نمایم، از کارکنان شرکت گازپروم شعبه سنت پترزبورگ است؛ ایران را تا حدودی می‌شناسد و به قول خودش نامش را شنیده است و میداند که در جنوب روسیه قرار دارد! او هم به مانند میلیون‌ها جوان روسی است که در دنیای ذهنیات خود غرقند و تنها به دلمشغولی‌های خود می‌اندیشند، لذا از مذهب، تاریخ، سیاست و دنیای پیرامون خود آگاهی چندانی ندارد؛ از آنجا که خسته به نظر می‌رسد، دیگر مزاحم اوقاتش نمی‌شوم و وی را با دنیای خود تنها می‌گذارم تا زود هنگام استراحت نماید؛ او هم بلافاصله به طبقه فوقانی رفته و لحافش را بر سر کشیده و به زودی غرق در خواب شیرین می‌شود. زمان اذان مغرب دیر هنگامی است گذشته است؛ با قطب‌نمای دقیق نظامی که با خود آورده‌ام، تعیین قبله کرده، همنوا با صدای دلنواز قطار، در میانه جنگل‌های اطراف مسکو به طرف شهر پتر مقدس، به ناز نیاز، نمازی می‌خوانیم و دل تفتیده و افسرده از بار گناه را صفا و جلایی تازه می‌دهیم. در این هنگام، خانمی کاغذ به دست که متصدی واگن است، در کوپه را گشوده و از صبحانه و نوشیدنی مورد علاقه‌مان در شب، به روسی استفسار می‌نماید: «کنیاک می‌خواهید یا وُتکا؟! که به انگلیسی جواب می‌دهم هیچکدام! با ناباوری و تعجب، در کوپه را بسته و می‌رود. اینک وقت استراحت است، ما هم به سختی خسته‌ایم، اما از آنجا که اذان صبح در مسکو و پیرامون آن، ساعت حدود ۲ بامداد است، برای اینکه از باقیمانده وضوی نمازمان استفاده بهینه نمایم، با جناب صدرایی، به آهستگی که جوانک بیدار نشود، از هر دری سخنی گفته و اختلاط می‌کنیم، تا زمان نیاز نماز دیگر فرا رسد. عقربه ساعت ۶ و ۳۹ دقیقه صبحگاهان را نشان می‌دهد، اینجا شهر زیبای سنت پترزبورگ، از شمالی‌ترین شهرهای روسیه است. قطار به آرامی پیش می‌رود تا در ایستگاه مرکزی شهر، توقف نماید. آقای سرگئی که مدتی در ایران نیز حضور داشته و فارسی را به خوبی می‌داند، به همراه دوستش، برای انتقال ما به محل اسکان به ایستگاه آمده‌اند، پس از احوال‌پرسی و تشکر به همراهشان عازم محل منزل استیجاری در خیابان پان فیلوا می‌شویم که پیش‌تر برای اسکان ما در نظر

گرفته شده است. میزان اجاره بهای یک واحد مسکونی در قالب سوئیت یا پانسیون با لوازم معمولی آن در سنت پترزبورگ یا مسکو، برای هر روز بین ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ روبل (حدود ۱۰۰ دلار) است. همچنین طبق قانون روسیه اتباع خارجی هم می‌توانند به صورت محدود و با شرایطی، اقدام به خرید واحد مسکونی یا تجاری در روسیه نمایند؛ میانگین قیمت هر متر واحد مسکونی در شهرهای مسکو و سنت پترزبورگ حدود پنج هزار دلار می‌باشد.

شهر سنت پترزبورگ دومین شهر بزرگ روسیه، پس از مسکو می‌باشد که در منتهی‌الیه شمال غربی این کشور پهناور روسیه قرار دارد و شکل آن شبیه یک نعل اسب است! این شهر یکی از زیباترین شهرهای دنیا است که از گنجینه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود. شهر در مدار طولی ۵۹/۵۷ درجه شمالی و در مدار عرضی ۳۰/۱۹ درجه شرقی واقع شده و مساحت آن ۱۴۰۰ کیلومتر مربع است و در کناره‌های رود نیوا، در شرق خلیج فنلاند در دریای بالتیک واقع شده است. رودخانه نیوا که عرض آن به اندازه اروند رود دیده می‌شود، ۷۴ کیلومتر طول دارد و در نهایت به خلیج فنلاند سرازیر می‌شود و خلیج فنلاند نیز به نوبه خود به دریای بالتیک منتهی می‌گردد؛ ۳۲ کیلومتر از طول این رودخانه از داخل شهر سنت پترزبورگ عبور می‌کند و همین آبراه است که این شهر را به آب‌های آزاد اروپا متصل می‌نماید. در این شهر بیش از ۴۰ رودخانه و قریب ۲۰ کانال جریان دارد که مجموع طول آنها به بیش از ۱۶۰ کیلومتر می‌رسد. باید افزود که این شهر تاریخی بر روی ۴۴ جزیره کوچک و بزرگ بنا شده است و به همین دلیل به شهر جزیره‌ها معروف است. البته باید توجه داشت که شهر ابتدا مجموعاً بیش از ۱۰۰ جزیره داشت که با کارهای مهندسی تعداد آنها به ۴۲ یا ۴۴ جزیره کاهش یافت و اینک حدود ۵۶۰ پل، ارتباط بین این جزیره‌ها را برقرار می‌سازد. ۲۰ پل از آنها متحرکند و ۷ پل از این تعداد بر روی رود نوا قرار دارند. طول کلی پل‌ها ۳۲ کیلومتر است. هر پل اسم خاص خود را دارد که به مناسبتی انتخاب شده مثلاً پل بوسه که در کنار آن سربازان اعزامی به جنگ را بدرقه می‌کردند و یا پل شکلات که اولین کارخانه شکلات‌سازی شهر در کنار قرار داشت. جمعیت شهر در سال ۱۷۵۰م به ۹۵ هزار نفر و در سال ۱۸۰۰ به ۲۲۰ هزار نفر رسید. جمعیت فعلی این شهر بیش از ۴ میلیون نفر است.

شهر تاریخی سنت پترزبورگ یکی از شهرهای مهم و از مراکز صنعتی و علمی و فرهنگی شوروی (سابق) و روسیه کنونی محسوب می‌شود. این شهر مرکز تقاطع راه‌های زمینی و بندری و از بندرگاه‌های مهم این جمهوری است. پترکبیر علاقمند بود روسیه هرچه بیشتر به اروپا نزدیک شود به همین دلیل بسیاری از رسوم اروپایی را در روسیه معمول کرد و چون می‌خواست پایتخت روسیه، پنجره‌ای به اروپا باشد دستور ساخت پایتخت جدیدی را صادر کرد که امروزه پترزبورگ نامیده می‌شود. بنای شهر سنت پترزبورگ با همکاری معماران روسی، ایتالیایی و فرانسوی بر روی جزیره زایاچی در دلتای رود نوا در سال ۱۷۰۳م آغاز و به سرعت گسترش یافت. پتر در راه ساخت این پایتخت نوین و اروپایی تلاش فراوان کرد. از جمله راه‌هایی که برای توسعه ساخت پایتخت جدید بکار رفت مالیاتی بود که بر مسافران بسته شد. هر مسافر باید برای ورود به شهر یک تکه سنگ با خود می‌آورد، اگر با اسب بود یک قطعه برای اسب نیز باید جداگانه می‌داد و چنانچه بار داشت یک قطعه دیگر! اولین بنا، قلعه‌ای با ۶ دژ بود که تا به امروز نیز حفظ شده و پتروپاولوفسک نام گرفت؛ گرچه پتر کبیر بنیانگذار این شهر بود، اما به خلاف تصور نام شهر نه از اسم او بلکه به احترام پترس مقدس، از حواریون عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام انتخاب شده است. پتروگراد (شهر پتر) نامی بود که نیکلای دوم واپسین تزار روسیه در هنگامه جنگ جهانی یکم که در برابر آلمان می‌جنگید بر این شهر گذارده بود تا با داشتن پسوند بورگ، همانند نام‌های آلمانی نباشد؛ بر این پایه این نام بین سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۴م در السنه رایج بود؛ اما از آن سال (۱۹۲۴م) تا هنگام فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱م، به مدت ۶۷ سال، تغییر نام داده و به لنینگراد (شهر لنین) خوانده می‌شد ولی همزمان با فروپاشی، به نام پیشین خود، یعنی سنت پترزبورگ بازخوانده شد. گفتنی است گراد در زبان روسی کهن برابر گوراد در زبان کنونی می‌باشد و همانطور که گفته شد به معنی شهر است. گفتنی است در زبان فارسی در زمان قاجار بطور عامیانه سن پترزبورگ را پتِل پورت می‌نامیدند و آن را در مثل به عنوان دورترین نقاط بکار می‌بردند در اصطلاحاتی مانند "از اینجا تا پتل پورت!"



گفتنی است که این شهر به مدت تقریبی دو بیست سال تا ۱۹۱۸م پایتخت روسیه تزاری بوده است؛ لیکن پس از پیروزی انقلاب بلشویکی روسیه در سال ۱۹۱۷م، رهبران انقلاب به دلیل نزدیکی این شهر به اروپا و احتمال خطر حمله مهاجمین اروپایی، مسکو را به پایتختی روسیه کمونیستی، سپس اتحاد جماهیر شوروی انتخاب نمودند که البته پس از فروپاشی نیز مسکو همچنان پایتخت روسیه باقی ماند. این شهر مرکز حرکت‌های انقلابی مهم روسیه از جنبش دکابریست‌ها در سال ۱۸۲۵م تا شورش ۱۹۰۵م و سپس انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م بود. باید دانست که این شهر در جنگ دوم جهانی پایگاه دفاع سرسختانه در برابر آلمان نازی بود و از این حیث دارای جایگاهی مهم و نقشی حیاتی در تاریخ روس‌ها است. در این جنگ خانمان‌سوز، این شهر ۹۰۰ شبانه روز در محاصره ارتش آلمان قرار داشت و اوضاع آن چنان وخیم شد که جیره غذایی هر نفر تنها ۱۱۵ گرم نان جو در روز می‌رسید، با این حال لنین‌گرا در تسلیم نشد و پس از شکست محاصره، مردم به این شهر لقب قهرمان دادند. در این محاصره ۴۷۰۰۰۰ نفر جان باختند و گورستان بیسکارفسکویه، که محل مدافعان شهر در طی این محاصره است، امروزه، یادمان جان فشانی‌ها و مقاومت مردم لنین‌گرا است. این شهر نه تنها پایتخت تاریخی روسیه محسوب می‌شود، بلکه مرکز فرهنگی و علمی روسیه نیز هست؛ چرا که نخستین دانشگاه روسیه، نخستین موزه هنری و نخستین آکادمی علوم در این شهر قرار دارد. شاعران و نویسندگان بزرگ روسی مثل پوشکین، داستایفسکی، چخوف و دانشمندانی چون مندلیف و لامانوسوف در این شهر زیستند و فعالیت نموده‌اند.

در شهر سنت پترزبورگ بیش از ۲۰۰ موزه وجود دارد. موزه هرمیتاژ، کاخ زمستانی، هرمیتاژ کوچک، هرمیتاژ جدید و قدیم، کلیسای سنت پیتر، کلیسای سنت یل، میدان اسحاق، نمای کلیسای اسحاق، مجسمه پترکیبر، خیابان نوسکی، میدان کاخ، نمای کلیسای خون ریخته، شهر بیلاقی پترهوف (پیترگوف)، پارک سلطنتی، باغ فواره‌ها، کاخ تابستانی پترکیبر و ساحل خلیج فنلاند، کلیسای جامع سنت ایزاک، مجسمه سوار بر اسب پترکیبر، ستون یادبود آلكساندر، صومعه آلكساندر نفسکی، کلیسای جامع تصویر باکره مقدس قازان، کلیسای رستاخیز مسیح، گورستان یادبود

پیسکارفسکویه، موزه خانه پتر (خانه‌ای چوبی و ساده در کنار رود نوا که در طی بنای شهر سنت پترزبورگ، پتر کبیر در آن اقامت داشت)، موزه نژادشناسی پتر کبیر وابسته به آکادمی علوم، موزه هنرهای تئاتر و موسیقی، موزه پوشکین، خانه پوشکین، انجمن فیلامونیک شوستاکویچ، تئاتر عروسکی بالشوی و نیز کشتی آورورا که اکنون به موزه تبدیل شده است و مورد توجه توریست‌ها است، از جمله جاذبه‌های فرهنگی تفریحی و توریستی شهر سنت پترزبورگ می‌باشد. به علت قرار گرفتن سنت پترزبورگ در ساحل خلیج فنلاند و نزدیکی به دریای بالتیک آب و هوای این شهر در تابستان‌ها معتدل و در زمستان سرد است. آفتاب بخاطر تراکم ابرها اصلاً نمی‌تابد. مقدار باران به طور نسبی کم و بالغ بر ۶۰۰-۵۵۰ میلیمتر است. آبهای داخلی ۱۰ درصد مساحت شهر را دربر گرفته است. در این شهر چشمه‌های آب معدنی زیادی وجود دارند. در حال حاضر از عمق ۴۰ متری بوسیله دو تلمبه بسیار قوی آب معدنی به سطح زمین رسانده می‌شود که دست کمی از آب معدنی استراحت‌گاه‌های قفقاز ندارد. یکی از عادی‌ترین پدیده‌ها برای شهر سنت پترزبورگ طغیان رود نوا است. در تمام طول تاریخ موجودیت این شهر یعنی از سال ۱۷۰۵م تا به اکنون رود نوا ۲۸۸ بار طغیان کرده است؛ حداکثر ارتفاع بالا آمدن آب به ۲/۴-۴ متر در روز ۷ نوامبر ۱۸۲۴ رسید. در آن زمان بیش از نیمی از اراضی شهر زیر آب رفت. ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۲۴ نیز دومین طغیان آب که از نظر شدت قوی بود، آب را تا ۲۵۰ سانتیمتر روی شهر بلند کرد. علت طغیان رود نوا رگبند آتلانتیکی و باد شدید است که باعث می‌شود تا آب با شدت تمام وارد خلیج فنلاند شود.

گفتنی است فضای سبز این شهر حدود ۳۸ هزار هکتار است که از این مقدار ۱۳ هزار هکتار برای استفاده عموم در نظر گرفته شده است، ۷۳ پارک و نزدیک به ۱۰۰۰ باغ و ۹۰۰ خیابان سبز. سهم فضای سبز هر یک از ساکنان شهر ۵۶ متر مربع است. دنیای حیوانات در محدوده شهر و پارک‌های طبیعی غنی است و بنا به آمار جانورشناسان دارای ۵۰ نوع مختلف حیوانات است. با توجه به اینکه این شهر در عرض جغرافیایی ۶۰ درجه قرار دارد، لذا این موقعیت مکانی، باعث ایجاد پدیده شب‌های سفید است. شبهای ۲۶-۲۵ ماه مه برابر با ۶-۵ خرداد هر سال، زمانی است که خورشید کمتر از ۹ دقیقه غروب می‌کند و تاریک و روشن عصر با

تاریک و روشن سحر درهم می‌آمیزد. ۲۲-۲۱ ژوئن برابر با ۲-۱ تیرماه نیز بلندترین روزهای سال هستند (۱۸ ساعت و ۵۳ دقیقه). شب‌های سفید که از آنها شب‌های نقره‌ای نیز گفته می‌شود، روزهای ۱۷-۱۶ ژوئیه برابر با ۲۷-۲۶ تیر ماه به پایان می‌رسند. در دی ماه عکس این مسأله صادق است و در تمامی روز، به جهت تاریکی شهر، چراغ خیابان‌ها روشن است! مجموعه پل‌های پی‌شماری که بر فراز رودخانه و نهرها و کانال‌های این شهر توسط معماران و مهندسان ساخته شده‌اند بر زیبایی شهر می‌افزایند. در سال‌های دهه هشتاد سده ۱۷ بر روی رودخانه فانتانکا هفت پل آجری و سنگی ساخته شده بود که در حال حاضر فقط دو پل از آنها باقی مانده است. این شهر دارای طاق‌نماها و طاق‌نصرت‌های بسیار زیادی است که یکی از آنها دروازه طاقی به نام مسکو است. این شهر دارای پارک‌ها و خیابان‌های عربض و زیبایی زیادی است که معروفترین آنها خیابان نفسکی است. بناها و ساختمان‌های زیادی از قرون هجدهم و نوزدهم میلادی با سبک معماری باروک و کلاسیک باقی مانده که قدیمی‌ترین آنها قلعه پطر و پاول است. این قلعه در دوره تزاری از زندان‌های سیاسی مخوف روسیه به شمار می‌آمد، ولی اکنون به موزه تبدیل شده است. قصر با عظمت و بسیار زیبای زمستانی که دارای ۱۰۵۷ اتاق و ۱۱۷ راه پله است، بخشی از موزه ارمیتاژ را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر شهر دارای ۱۰۶ سالن تئاتر بوده و هم اکنون بیش از ۲۰ تئاتر و یکی از قدیمی‌ترین سیرک‌های کشور که تأسیس آن به سال ۱۸۷۷م مربوط می‌شود، فعال هستند. هم‌چنین ۶۵ سینما، ۵۲ کاخ فرهنگ و خانه فرهنگی، ۴۱۷ سازمان فرهنگی از جمله مراکز فعال در سنت پترزبورگ هستند. گفتنی است که فاصله دو شهر مسکو و سنت پترزبورگ ۶۵۰ کیلومتر می‌باشد که این فاصله با هواپیما در مدت یک ساعت و ده دقیقه و با قطارهای سریع‌السیر در مدت ۸ ساعت طی می‌گردد. این شهر نخستین مقصد گردشگران بین‌المللی به روسیه است. وسایل نقلیه سنت پترزبورگ مرکز عمده حمل و نقل روسیه است و دارای ساختار گوناگونی است. از جمله می‌توان از حمل و نقل آبی (دریایی و رودخانه‌ای)، باربری با اتومبیل، راه‌آهن، هوایی و مسافربری (تاکسی، وسایل نقلیه عمومی همچون مترو، اتوبوس، تریلی‌بوس و تراموا، نام برد که هزینه بلیت آنها در این ایام، به طور متوسط بین ۲۳ تا ۲۸ روبل است، اما کرایه تاکسی‌ها، بسته به مسافت یا مسافر آن، بین ۱۰۰ تا ۳۰۰۰ روبل (۱۰۰ دلار) در نوسان است!

سنت پترزبورگ ارتباط مستقیم هوایی با ۲۷ کشور اروپایی و آسیایی دارد. در شهر ۱۰ شرکت هوایی فعالیت می‌کنند. تعداد اتوبوس‌ها در شهر در سال ۱۹۹۷م، ۲۴۲۴ اتوبوس شهری و اکسپرس ۲۸۵ و مینی‌بوس ۳۵۰ و تاکسی ۱۲۵۱ و حجم حمل و نقل (میلیون مسافر) ۶،۱۶۳۳ می‌باشد. بندر دریایی سنت پترزبورگ بزرگترین بندر در شمال-غرب روسیه است. این بندر بوسیله کانال دریایی بطول ۲۷ میل به دریا متصل می‌شود. مساحت بندر ۲۷۰ هکتار است. این بندر دارای ۵۳ اسکله برای تعمیر کشتی‌ها بطول کلی ۴/۸ کیلومتر است. حداکثر درازای کشتی‌هایی که می‌توانند در اسکله‌های این بندر پهلو بگیرند ۲۶۰ متر و عرض آن ۴۰ متر است. قابلیت کار این بندر ۱۶ میلیون تن در سال است. متروی سنت پترزبورگ نیز از عمیق‌ترین متروهای جهان است که تاریخ ساخت آن به سال ۱۹۵۵م برمی‌گردد. عمق متوسط متروی سنت پترزبورگ ۶۰ متر است و تعدادی از ایستگاه‌ها در زیر رودخانه کشیده شده‌اند. متروی سنت پترزبورگ رقبی از لحاظ شدت استفاده ندارد. از طریق خطوطی بطول ۱۰۲ کیلومتر و ۵۸ ایستگاه بیش از ۴ میلیون نفر را در طی شبانه‌روز حمل و نقل می‌کند. در متروی سنت پترزبورگ بلافاصله چند ایستگاه پله‌برقی‌هایی به طول ۱۵۰ متر دارند که امروزه بلندترین پله‌برقی‌ها در جهان محسوب می‌شوند. البته نباید از نظر دور داشت که طول کل پله‌برقی‌های مسکو ۲/۵۵ کیلومتر است، ولی در مسکو به علت ناهمگون بودن عمق ایستگاه‌ها، محاسبه عمق متوسط مترو امکان‌پذیر نیست. بد نیست در زمینه متروی این شهر چند آمار را مرور کنیم: طول خط ۱۰۳ کیلومتر، تعداد ایستگاه‌ها ۵۸ توقف‌گاه، تعداد واگن‌ها ۱۵۰۰، عمیقترین مترو ۱۱۰ متر، حداکثر سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت، حداقل فاصله زمانی بین حرکت قطارها ۶۰ ثانیه، حد متوسط حمل و نقل مسافر در شبانه‌روز ۴۱۵۰ هزار نفر، تعداد مسافران در شلوغ‌ترین ساعات ۴۷ هزار نفر در ساعت، حداکثر قطارهای در حال حرکت ۴۲ جفت قطار در هر ساعت.<sup>۱</sup>

## سنت پترزبورگ، شهر علم و دانایی

شهر سنت پترزبورگ یکی از بزرگ‌ترین مراکز علوم شوروی (سابق) و روسیه کنونی است. با بنیانگذاری شهر چندین مدرسه و آموزشگاه عالی برای تربیت متخصصان موردنیاز تأسیس گردید. اولین چاپخانه در سال ۱۷۱۱م در این شهر به کار افتاد و اولین روزنامه روسیه به نام ودوموستی در این چاپخانه به چاپ رسید. تا سال ۱۸۳۸م، حدود ۸۸ چاپخانه در سنت پترزبورگ فعالیت می‌کردند و کتابفروشی‌های بی‌شمار منبع زندگی و شریان فرهنگی پایتخت بودند. آکادمی علوم دریایی در سال ۱۷۱۵م، مدرسه عالی مهندسی در سال ۱۷۱۹م مدرسه عالی توپخانه در سال ۱۷۲۱م و فرهنگستان علوم این شهر در سال ۱۷۲۵م تأسیس شد. دانشمندان برجسته‌ای چون لامانوسف و دیگران در این فرهنگستان فعالیت داشته‌اند. در سال ۱۸۲۸م انستیتو تکنولوژی برای تربیت کادرهای ماهر در رشته مهندسی به وجود آمد. مندلییف (۱۸۳۴-۱۹۰۷م) دانشمند مشهور روس و مبتکر جدول عناصر شیمیایی در دانشگاه سنت پترزبورگ تدریس می‌کرد. نام نویسندگان بزرگ روسیه؛ تولستوی، داستایوفسکی، گانچاروف، تورگنیف، نکراسف و بسیاری از شخصیت‌های مشهور علمی و فرهنگی با این شهر در ارتباط است. هم‌اکنون تعداد مراکز علمی در این شهر به صدها واحد می‌رسد.

دانشگاه سنت پترزبورگ یکی از دانشگاه‌های بزرگ روسیه که در سال ۱۷۱۰م ساخته شد و در سال ۱۷۲۴م رسماً توسط پترکبیر افتتاح گردیده و دانشمندانی و اساتیدی از آلمان و فرانسه برای تدریس دعوت گردید. این دانشگاه دارای ۱۷ دانشکده در تمامی موضوعات و زمینه‌های علمی و فرهنگی است: دانشکده‌های پزشکی، بیولوژی، زمین‌شناسی، شیمی، فیزیک و شرق‌شناسی از جمله این دانشکده‌هاست، گروه ایران‌شناسی و گروه زبان‌های ایرانی بخشی از این دانشکده است که ایران‌شناسان و شرق‌شناسان برجسته‌ای همچون دورن، روزن، ژوکوفسکی و دیگران در آنجا فعالیت داشته‌اند. باید دانست که تدریس زبان فارسی در دانشکده خاورشناسی از سال ۱۸۱۸م آغاز گردید و از آن زمان تاکنون پیوسته ادامه دارد. از سال ۱۸۶۳م تدریس زبان اوستایی و زبان فارسی کهن (خط میخی هخامنشی)

و زبان پهلوی در این دانشکده آغاز شد و در حال حاضر نه تنها به آموزش زبان و ادبیات کهن ایرانی بلکه به آثار و تاریخ ایران معاصر نیز می‌پردازند. دانشمندان و شخصیت‌های برجسته جهانی همچون: الکساندر آلمن، لئونارد اویلر، الکساندر بوتلروف، لوون ترپتروسیان، برنهارد دورن، آین رند، آناتولی ایوانوویچ روسانوف، الکساندر سرافیموویچ، نیکولای سیمینوف، لولاندائو، دمیتری مندلیف، میخائیل روستوفتسف، ولادیمیر لنین، ایوان پاولوف، گریگوری پرلمان، الکساندر میخایلوویچ پروخورف، آناتولی کاریف، ویکتور کورچنوی، جرج گاموف، جورج گورویچ، لف گومیلیف، نیکلای گوگول و جز اینها، جملگی از اساتید برجسته این دانشگاه بوده‌اند. همانگونه که اشاره گردید، کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ دارای ۱۴۷۰ نسخه اسلامی شامل ۹۰۰ نسخه فارسی، ۳۰۰ نسخه عربی و ۲۷۰ نسخه ترکی است که کسانی، همچون خاورشناس شهیر روسیه، ویکتور رومانوویچ روزن، در سال‌های ۱۸۷۷ و ۱۸۸۶م فهرستی برای نسخ خطی فارسی و عربی آن تهیه کرده‌اند:

V. R. Rosen: **Les manuscrits arabes de l'Institut des Langues Orientales**

(St. Petersburg: Imprimerie de l'Académie Impériale des Sciences), 1877, 268p.

V. R. Rosen: **Les manuscrits persans de l'Institut des Langues Orientales**

(St. Petersburg: Imprimerie de l'Académie Impériale des Sciences), 1886, 369p.

ناگفته نماند برای نسخ خطی کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ، فهرس متعددی نگارش یافته است که گزارشی از آنها، در پژوهش زنده یاد اولگ آکیموشکین در سال ۱۹۹۲م منتشر گردیده است.<sup>۱</sup>

### پیوست

در روز شنبه، ۳۱ تیرماه، توفیقی نصیب شد تا با هماهنگی آقای الکساندر - که خود دانشجوی دانشکده شرق‌شناسی این دانشگاه عامره است - دیداری از این دانشگاه داشته باشیم، البته به جهت ایام تعطیلات دانشگاه، تنها دیدار از بعضی بخش‌های دانشگاه، میسر گردید. دانشگاه کهن سنت پترزبورگ، دارای سالی

۱. المخطوطات الإسلامية في العالم (لندن ۲۰۰۰م): ج ۲، صص ۵۴۸-۵۵۲.

بزرگ است که برای آشنایی دانشجویان و نیز به جهت قدرشناسی، در آن سالن، مجسمه‌های شخصیت‌ها و اساتید برجسته و تاریخی این دانشگاه، همراه تابلویی کوچک مشتمل بر شرح احوال آنان نهاده شده بود؛ چیزی که در دانشگاه‌های ما و نیز سایر نهادهای آموزشی کشورمان، کمتر مشاهده شده است! نکته بسیار جالب توجه در این سالن ۵۰۰ متری، قفسه‌های بلند و طولانی آرشیو دوره‌های کامل نشریات حوزه شرق شناسی بود که در سال‌های قرون ۱۷-۱۹ میلادی در اروپا و روسیه، بخصوص سنت پترزبورگ، منتشر شده است.

کتابخانه‌ها در زندگی فرهنگی و ادبی سنت پترزبورگ سهم بسیار شایانی ادا کرده‌اند. اولین کتابخانه کشور در اوایل قرن ۱۸ میلادی در سنت پترزبورگ بنیان نهاده شد. کتابخانه آکادمی علوم یکی از قدیمی‌ترین کتابخانه‌هاست که به ابتکار پتر کبیر در سال ۱۷۱۴م ایجاد شد. در این کتابخانه ۱۶ میلیون جلد کتاب نگهداری می‌شود که یک سوم آنها به زبان‌های خارجی است. باید دانست که در حال حاضر ۱۲۷۰ کتابخانه در شهر سنت پترزبورگ فعالیت می‌کنند که شامل کتابخانه‌های دولتی، عمومی، دانشگاهی، حرفه‌ای و آموزشگاهی می‌شوند. در کتابخانه‌های قدیمی این شهر و به خصوص در کتابخانه دانشکده خاورشناسی و بخش ایران‌شناسی، آثار و نسخه‌های خطی فارسی متعددی نگهداری می‌شوند. در حال حاضر کلکسیون‌های کتب خطی فارسی که در این شهر حفظ می‌شود، شامل هفت هزار جلد کتاب قدیمی است. بزرگ‌ترین کلکسیون‌های کتب خطی این شهر متعلق به انستیتو نسخ خطی شرقی (ملل آسیایی سابق) وابسته به فرهنگستان علوم است که در سال ۱۸۱۳م تأسیس شده است؛ دومین مجموعه مربوط به آثار نقاشی و خطاطی کتابخانه عمومی سالیتمکوف شدرین است. گفتنی است که در ادامه همین نوشتار، گزارشی مستقل از این دو مجموعه دستنویس مهم، ارائه خواهیم داد. کلکسیون سوم نیز به کتابخانه دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ تعلق دارد؛ این کتابخانه در سال ۱۸۱۹ تأسیس گردیده است و در حال حاضر، افزون بر هزاران کتاب چاپی، همچنین دارای ۹۴۰ جلد نسخه خطی فارسی است که پیش‌تر، گزارشی مختصر از وضعیت آنها، ارائه گردید.

### موزه ارمیتاژ

یکی از روزهای اقامت در سنت پترزبورگ، توفیقی دست داد تا با دوستان دیداری از بخش‌های مختلف موزه ارمیتاژ یا آرمیتاژ یا دقیق‌تر هریمیتاژ، داشته باشیم. این دیدار تقریباً شش ساعت طول کشید، ولی به جهت گستردگی و تنوع بخش‌های موزه، شاید در این مدت تنها یک سوم آن مورد بازدید ما قرار گرفت. موزه ارمیتاژ دارای ۳ میلیون اثر و قطعه هنری است. باید دانست که این قطعات هنری به طور همزمان نمایش داده نمی‌شوند. این موزه که برای نگهداری مجموعه هنری خانواده سلطنتی تزارها ساخته شده است، یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های جهان و از قدیمی‌ترین گالری‌های هنری و موزه‌های تاریخ و فرهنگ بشری در جهان به شمار می‌رود و پس از موزه بریتانیا در انگلستان و موزه لوور در فرانسه، مقام سوم موزه‌های بزرگ جهان را داراست. این موزه در حال حاضر، مجموعه بزرگی از آثار هنری اروپای غربی، روسیه و خاور میانه را در خود جای داده است.

گفتنی است که مجموعه عظیم آرمیتاژ در شش بنا به نمایش گذاشته شده است؛ بنای اصلی، کاخ زمستانی نام دارد و در گذشته محل سکونت رسمی تزارهای روسیه بوده است. این موزه شعبه‌هایی بین‌المللی در آمستردام، لندن و لاس‌وگاس نیز دارد. از جمله هنرمندانی که آثارشان نقاط قوت مجموعه هنر غرب در موزه ارمیتاژ هستند، می‌توان به میکل آنژ، لئوناردو داوینچی، روبنس، ون دایک، رامبراند، رودن، مونه، سزان، ون گوگ، گوگن و پیکاسو اشاره کرد. البته این موزه مجموعه آثار متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به نشان‌ها، لباس‌ها و جواهرات سلطنتی، مجموعه متنوعی از جواهرات ساخته فابریژ و بزرگترین کلکسیون موجود در جهان از طلای باستانی متعلق به اروپای شرقی و آسیای غربی اشاره کرد. در سال ۱۷۶۴م، کاترین کبیر با خرید بیش از دویست نقاشی در اروپا، جمع‌آوری این مجموعه مشهور را آغاز کرد. سفرای روس در پایتخت‌های بیگانه مأمور یافتن بهترین مجموعه‌های هنری ارابه شده برای فروش مانند مجموعه‌های برول سیاست‌مدار ایالت زاکسن آلمان، کروزا، کلکسیونر فرانسوی و نگارخانه والپول در انگلستان، بودند. کاترین کبیر، نگارخانه خود را هریمیتاژ یا خلوتگاه خود می‌نامید، زیرا تنها افرادی انگشت‌شمار اجازه ورود و تماشای آثار موجود در آن را به دست می‌آوردند. او در



یکی از نامه‌های خود با تأسف چنین گفته است: «تنها موش‌ها و من می‌توانیم تمام این زیبایی‌ها را تحسین کنیم. کاترین تئاتر خصوصی خود را که در نزدیکی گالری و در طی سالهای ۱۷۸۳ و ۱۷۸۷م ساخته شده بود نیز، آرمیتاژ می‌نامید. به تدریج، کلکسیون‌های سلطنتی با آثار باستانی و فرهنگی یونان و سیت که در طی حفاری‌های انجام شده در پرشچینا، پازیریک و دیگر مقابر باستانی که در جنوب روسیه یافته شده بود، غنی‌تر شد. به این ترتیب ایجاد یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های طلای باستانی آغاز شد. این مجموعه اکنون شامل بخش قابل توجهی از گنج‌های تروا است که توسط هاینریش اشلاپین کشف و از زیر خاک خارج شد. تزار نیکولاس اول برای جای دادن مجموعه در حال توسعه عتیقه‌جات یونان، روم و مصر از معمار سبک نئوکلاسیک آلمانی به نام لیو فون کلنز خواست تا بنای موزه عمومی را طراحی کند. این بنا که در سال ۱۸۵۲م برای بازدید عموم گشوده شد، به احتمال بسیار اولین گالری در اروپای شرقی است که از ابتدا به همین قصد طراحی و ساخته شده است. همچنان که تزارهای روس به توسعه مجموعه هنری خود مشغول بودند، آثار متعددی از داوینچی، یان ون‌ایک و رافائل در ایتالیا خریداری شده و به آرمیتاژ انتقال پیدا کردند؛ به گونه‌ای که اکنون بزرگترین مجموعه آثار رامبراند در جهان نیز متعلق به آرمیتاژ است.

در طی انقلاب کمونیستی روسیه در سال ۱۹۱۷م، اموال موزه سلطنتی آرمیتاژ ملی اعلام شد و پس از ملی شدن مجموعه‌های هنری عمومی، دامنه آثار موجود در موزه وسعت بیشتری یافت. به خصوص ورود هنر مدرن از کلکسیون‌هایی چون مجموعه هنری سرگئی شکوکین و ایوان موروزوف بسیار جالب توجه بود. از جمله آثار اضافه شده به موزه می‌توان از اکثر آثار سال‌های اخیر گوگن، ۴۰ اثر سبک کوبیسم پیکاسو و آثاری مشهور از بزرگان هنر مدرن مانند تابلو "رقص" اثر ماتیس و "کافه شبانه" اثر ون گوگ اشاره کرد.

حاکمان وقت اتحاد جماهیر شوروی، توجه چندانی به نگهداری از "هنر منحنی" طبقه بورژوا" نداشتند و بر این پایه به دستور استالین تعدادی از با ارزش‌ترین آثار موجود موزه آرمیتاژ در خارج از کشور به فروش رفت! از جمله این آثار می‌توان

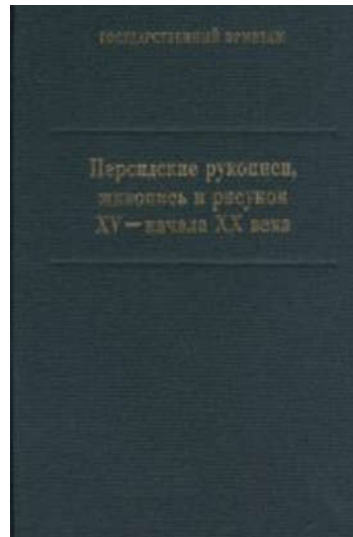
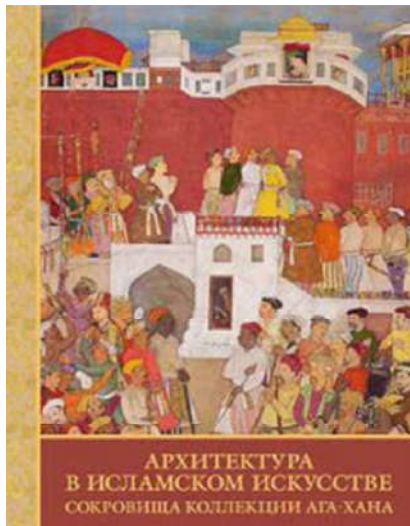
شاهکارهای بی‌رقیبی چون "آلبا مدونا" اثر رافائل، "ونوس در مقابل آینه" اثر تیشین و "بشارت" اثر ون ایک را نام برد. بسیاری از این آثار که توسط اندرو ملون تهیه شده بود، اکنون هسته مرکزی گالری هنر ملی در واشنگتن را تشکیل داده‌اند. از دیگر موارد از دست رفته موزه که البته موارد مشابه آنها یافت می‌شود، می‌توان به هزاران اثر هنری که از موزه آرمیتاژ خارج شده و به موزه پوشکین در مسکو و موزه‌های دیگری در سراسر اتحاد شوروی فرستاده شد، اشاره کرد. تعدادی از کلکسیون‌های موزه نیز در طی محاصره لنینگراد در جنگ جهانی دوم، هنگامی که ساختمان موزه به عنوان پناهگاه در مقابل حمله هوایی استفاده شد، قربانی بمباران هوایی آلمان‌ها شد. اما این دوره غم‌انگیز در تاریخ موزه آرمیتاژ در سال ۱۹۴۵م به پایان رسید. در این زمان دولت کوشش می‌کرد با انتقال دادن تعدادی از آثار هنری به موزه که در طی جنگ جهانی دوم توسط ارتش سرخ از آلمان تصرف شده بود، خسارات وارده را جبران کند. به تبع آن اشیای متعلق به موزه برلین - آلمان در سال ۱۹۴۵م توسط ارتش سرخ ضبط گردیده و به آرمیتاژ انتقال یافت. گرانقیمت‌ترین بخش این غنیمت جنگی نقاشی‌های هنرمندان امپرسیونیست بود که از مجموعه‌های خصوصی طبقه ممتاز آلمان به دست آمده بود. این نقاشی‌ها تا سال ۱۹۹۵م که موزه آنها را در معرض دید عموم قرار داد، همواره گمشده یا نابوده شده تلقی می‌شدند! به گفته دولت روسیه این آثار تنها می‌توانند بخش کوچکی از خسارات جبران‌ناپذیری که تهاجم آلمان به میراث فرهنگی روسیه وارد کرده‌اند، از جمله تخریب کامل کاخ‌ها و باغ‌های پترهوف و تزارسکو سلورا جبران کند. از طرفی دولت روسیه قانونی را در مجلس به تصویب رساند که به موجب آن بازگرداندن هر نوع آثار به صاحبان قبلی آن، ممنوع اعلام شده است زیرا این افراد به خاطر تأمین هزینه رژیم نازی گناهکار شناخته شده‌اند. در سال‌های اخیر، موزه آرمیتاژ بیش از پیش توسعه یافته و عمارت ستاد فرماندهی را نیز در بر گرفته است و به انجام پروژه‌های بزرگی در خارج از کشور نیز پرداخته است که موزه آرمیتاژ گوگنهایم در لاس وگاس، اتاق‌های آرمیتاژ در عمارت سامرست در لندن و آرمیتاژ آمستردام در هلند، از آن جمله‌اند. باید افزود که مقامات موزه در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۶ اعلام کردند که ۲۲۱ فقره آثار

کوچک مانند جواهرات، شمایل‌های ارتودوکس، ظروف نقره و اشیایی با میناکاری فراوان از موزه به سرقت رفته است. ارزش این اشیاء که تاکنون یافت نشده‌اند، ۵۴۳ هزار دلار برآورد شده است.

موزه ارمیتاژ دارای ۸۶ نسخه خطی اسلامی بسیار نفیس شامل ۵۲ نسخه عربی، ۳۲ نسخه فارسی و نیز ۲ نسخه ترکی است که در مجموع دارای ۴۷۱ مینیاتور می‌باشند. در معرفی برخی نسخه‌های خطی عربی و فارسی این موزه عامره، دو فهرست ارزشمند به تازگی منتشر شده که مشخصات آن دو چنین است:

Адамова, А.Т.: *Персидские рукописи, живопись и рисунок XV – начала XX века. каталог коллекции.* Санкт-Петербург, Издательство Государственного Эрмитажа, 2010, 512 p.

*Архитектура в исламском искусстве. Сокровища коллекции Ага-хана*, Санкт-Петербург, Издательство Государственного Эрмитаж, 2011, 248 p.



فهرست‌های نسخ خطی اسلامی موزه ارمیتاژ

## کتابخانه ملی روسیه (سالتیکف-شدرین سابق)

روز پنجشنبه (۲۹ تیر) طبق قرار قبلی، همراه دوستان، دیداری از کتابخانه ملی روسیه، که پیش از فروپاشی، با نام کتابخانه سالتیکف - شدرین نامیده می‌شد، داشتیم. پس از کنترل پاسپورت‌ها و صدور مجوز ورود، شوربختانه، رئیس کتابخانه ملی روسیه، آقای آتون لیخومانوف، حضور نداشتند. اما با این حال خانم جوانی، ما را به بخش نسخ خطی کتابخانه راهنمایی نمودند. پس از طی مسافتی نسبتاً طولانی و گذر از دالان‌های محتوی صدها قفسه فیش کارت، به بخش نسخ خطی کتابخانه رسیدیم؛ دور تا دور سالن را صندلی‌های مخصوص، کمد‌ها و قفسه‌هایی مجلل احاطه نموده که پس از استفسار معلوم شد، صندلی‌ها از مجلس روسیه و کمد‌ها نیز از موزه ارمیتاژ به این مکان منتقل شده‌اند. در این بخش، با خانم اولگا و. واسیلیوا، رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی روسیه، دیدار داشتیم، خانمی میان سال و تیزبین که به گفته خود، ۳۶ سال است در این کتابخانه و این بخش فعالیت دارد.

این کتابخانه با نیت تبدیل دولت روسیه به نمادی علمی در اروپا و نیز نشانه‌ای از شخصیت خلاق و وفادار ملکه به آرمان‌های عصر روشنگری، به عنوان یکی از بهترین کتابخانه‌های عمومی اروپا، سنگ بنای آن به دستور و نظارت کاترین دوم، در سال ۱۷۹۵م، با طراحی معمار یوگور سوکولوف نهاده شد. پس از مرگ کاترین دوم در سال ۱۷۹۶م، تحقق ایده تأسیس کتابخانه عمومی-سلطنتی کاترین، توسط پسرش پل اول و همچنین پس از قتل وی، توسط پسرش الکساندر اول، با جدیت دنبال و ادامه یافت. به منظور تکمیل و تسریع در ساخت کتابخانه، در سال ۱۸۰۰م، استروگانف، به عنوان مدیر کتابخانه سلطنتی منصوب گردید و در دوره مدیریت وی، مجموعه‌های ارزنده‌ای از نسخ خطی شرقی، کتب چاپی و نشریات به زبان‌های شرقی، اروپایی و روسی متعلق به کسانی همچون اراسموس، لایبنتس، دیدرو، روسو، ولتر و دیگران از فرانسه خریداری گردیده و به گنجینه کتابخانه در شرف تأسیس در سنت پترزبورگ، سپرده شد؛ از جمله آثار دستنویس نفیس این دوره، می‌توان به یادگار بدون قیمت فرهنگ روسی اسلاوی، یعنی انجیل اوسترومیر گوسپیل با کتابت سال ۱۰۵۶-۱۰۵۷م اشاره نمود که پس از مرگ کاترین دوم،

از کمد لباس وی بدست آمده است. با اهدای کتب خطی و چاپی از سوی شخصیت‌ها، دانشگاهیان و دانشمندان همچون: یاکوف، زاخاروف، کوپفر، دورن، کین، کروسنسترن، رانگل، گلزونوفز، شامیلوف، لیتو، پیروگف، استروف، استروگراسکی، دال، کستومارف، ماکلای مخزن کتابخانه، به تدریج غنی‌تر شد. با انتخاب مورخ و نقاش شهیر، آلكسی اولنن در سال ۱۸۰۸م به عنوان دستیار استروگراف، توسعه و تکمیل کتابخانه وارد مرحله جدیدی گردید. در این ایام، شخصیت‌های متعددی در روند تکمیل این کتابخانه، به اشکال مختلف، به نقش‌آفرینی نمودند، که از جمله آنان می‌توان به ایوان کريلوف، افسانه پرداز مشهور روس؛ کنستانتین باتیوشکف و آنتون دلویگ، از شاعران برجسته روسیه؛ نیکلای گندیچ، شاعر و مترجم؛ واسیلی سوپیکوف، پدر کتابشناسی روسیه؛ واسیلی سوبولشیکف، متخصص علوم کتابداری و معماری؛ ولادیمیر اودویفسکی، نویسنده و موسیقی‌شناس؛ نیکلای درژاوین، متخصص زبان و فرهنگ اسلاوی، ولادیمیر استاسوف، منتقد معروف هنر و موسیقی؛ آفاناسی و ایوان بیشکف، از مورخان و باستان‌شناسان شهیر روسیه و نیکلای مار، زبان‌شناس و دیگر شخصیت‌های ادبی و هنری روسیه، اشاره نمود. در سال ۱۸۱۰م، امپراتور الکساندر یکم، بودجه‌ای مخصوص از خزانه دولت را برای تأمین هزینه‌های جاری کتابخانه، اختصاص داد. در این تاریخ، بر اساس قانون واسپاری، هر یک از ناشران بایستی دو نسخه از کتب چاپ شده خود را بایستی به صورت رایگان، به این کتابخانه ارسال نمایند؛ قانونی که اطمینان لازم را برای خوانندگان به وجود می‌آورد تا به طور منظم از کتب و نشریات تازه انتشار آگاهی یابند.

تکمیل ساختمان این کتابخانه، پس از سال‌ها انتظار، در سال ۱۸۱۴م به پایان رسید و رسماً در دوم ژانویه همان سال در مراسمی با حضور شخصیت‌های برجسته همچون نیکلای درژاوین، ولادیمیر استاسوف، گاوریلا، کیرنسکی، ووستوکف و دیگران، درهای کتابخانه، با عنوان کتابخانه عمومی-سطنتی روسیه، به روی خوانندگان گشوده شد. ساختمان کتابخانه یکی از شاهکارهای معماری است و نمای آن نماینده بلوک‌هایی است که به طور موزون توسط ایگور سوخولوف، لوییچی روسکا،

آندری ورونیخین، کارلو روسی، آپولون شدترین و ویوگراف وروتیلف طراحی شده است. هنگام افتتاح رسمی کتابخانه، اولنن، در چگونگی و تسهیل استفاده پژوهشگران از منابع کتابخانه، قانونی تعریف نمود: «استفاده از مخزن کتابخانه، هدف اصلی ماست؛ مهم نیست خواننده چه کسی است، هر کسی برای استفاده از منابع کتابخانه، قادر خواهد بود هر نوع کتاب خطی و چاپی را بدون پرداخت هزینه‌ای، درخواست بدهد؛ تنها محدودیت این است که کتاب‌ها بایستی در همین کتابخانه مورد مطالعه قرار گیرند».

اولنن که پس از استروگانف، به مدیریت "کتابخانه عمومی-سلطنتی" رسیده بود، برای کارمندان کتابخانه احترام زیادی قائل بود، در دوره مدیریت وی، کتابخانه رشد وصف ناپذیری یافت. پس از مرگ وی در سال ۱۸۴۳م، دیمیتری بوتورلین به عنوان مدیر جدید انتخاب و مشغول به کار شد. وی پیش‌تر یک نظامی در ارتش روسیه و دانش آموخته تاریخ نظامی به شمار می‌رفت و در جنگ‌های زیادی شرکت کرده بود، در دوره مدیریت وی نظم و انضباط خاصی بر کتابخانه داده شد؛ اما کتابخانه، دیگر فاقد فضای دوستی و صمیمیت دوره اولنن گردید و این فضای سرد و خشک مدیریتی تا سال ۱۸۴۹م که بوتورلین درگذشت بر روح کتابخانه، حاکم بود! پس از وی، کورف، در اکتبر همان سال، سگان مدیریتی کتابخانه را عهده دار شد؛ وی کار خود را در کتابخانه با تأکید بر دو شعار: "کتابخانه، منبع حیات در آموزش عمومی" و "کتابخانه، شکوه تاریخی یک ملت" آغاز کرد و دوره وی مشحون از تغییرات اساسی بود. برای نمونه، در دوره مدیریت وی، بر خلاف معمول کتابخانه‌های اروپایی، ساعات کار سالن مطالعه کتابخانه از ۱۰ صبح تا ۹ شب افزایش یافت؛ پس از گذشت چهل سال از تأسیس، کتابخانه با نور الکتریکی، روشن گردید؛ تعداد خوانندگان به ۷ برابر و تعداد بازدیدکنندگان از کتابخانه به ۹ برابر افزایش یافت؛ در این راستا، این روند رشد تساعدی استقبال از کتابخانه، به حدی بود که به ترتیب در سال ۱۸۶۰م، ۳۰۰۰ کارت، سال ۱۸۹۹م، ۱۶۵۰۰ کارت، در سال ۱۹۱۳م، ۲۷۵۰۰ کارت عضویت، صادر گردید و تعداد بازدیدکنندگان از کتابخانه نیز از ۱۸۵۰۰ نفر در سال ۱۸۶۰م به ۱۹۴۰۰۰ نفر در سال ۱۹۱۳م افزایش داشته است.

باید افزود که این کتابخانه عمومی، از همان روزهای نخست احداث، در توسعه علوم ملی و فرهنگی و توسعه روشنگری و آموزشی نقش مهمی را ایفا نمود. شواهد و مدارک تاریخی فراوانی از تاریخ روسیه و سنت پترزبورگ را در ابعاد مختلف آن، در این کتابخانه می‌توان یافت. شخصیت‌های ادبی، تاریخی، سیاسی متعددی از این کتابخانه عامره بهره‌جسته‌اند که از آن جمله‌اند: نیکلای کارامزین، الکساندر پوشکین، نیکلای نکراسف، لئو تولستوی، ولادیمیر کورولنکو، ماکسیم گورکی، مودست مسورگسکی، ایلیا ریپین، نیکلای پیروگف، دمیتری مندلیف، ایوان پاولف، کلیمتی تیمیریازف، ولادیمیر ورنادسکی، ویلهلم کوشلبکر، الکساندر تورگنیف، نیکلای چرتیشوسکی، نیکلای دوپرولیوبوف، دمیتری پیزارف، پیوتر لاوروف، هرمان لوباتین، الکساندر اولیانف و گئورکی. این کتابخانه غالباً مرکز فعالیت‌های انقلابی نیز بوده است؛ برای نمونه در طول سال‌های ۱۸۹۳-۱۸۹۵م، ولادیمیر لنین، در یکی از سالن‌های این کتابخانه مطالعه می‌نمود و به‌طور محرمانه با اعضای گروه‌های انقلابی اتحادیه مبارزه سن پترزبورگ ملاقات می‌نمود. ماکسیم گورکی در ژانویه ۱۹۰۵ در همین کتابخانه، خطابه‌ای انقلابی ایراد کرد و مردم را به مبارزه علیه دولت تزاری روسیه فراخواند. در ژوئن ۱۹۱۷ روزنامه‌ها، عکس‌هایی از تیراندازی به یک تظاهرات آرام را که در نزدیکی این کتابخانه برگزار شده بود، منتشر ساختند. در نوامبر همان سال در مجبوحه رنج و قحطی ناشی از جنگ دوم جهانی و جمهوری نوپای در شرف تأسیس، لنین یادداشت‌هایی با عنوان وظایف کتابخانه عمومی در پتروگراد نوشت و در آن تأکید نمود تا همه موجودی کتابخانه بایستی در اختیار کارگران قرار گیرد.<sup>۱</sup> با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م، بلافاصله کلمه "سلطنتی" از نام کتابخانه، حذف گردید. با روی کار آمدن نظام کمونیستی، از سال ۱۹۱۷م به تدریج با بنای سوسیالیستی، ساختار مجدد و بنیادی کتابخانه حاصل گردید؛ پیشرفت‌های بیش‌تری در زمینه فهرست‌ها، خدمات مربوط به امانت دادن کتاب، تبادل کتاب‌های بین‌المللی و پژوهش‌های روش‌شناسی انجام گرفت. پس از مرگ ولادیمیر لنین

۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۴، ش ۱۴، بهار ۱۳۸۲، صص ۲۰۳-۲۲۰.

در سال ۱۹۲۴م، ژوزف استالین، رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی، نام کتابخانه را به سالتیکف شدرین، نویسنده محبوب خود، تغییر داد. بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰م کتابخانه دستخوش تغییرات ساختاری متعددی گردید؛ با توجه به سرکوب ایدئولوژیک در کشور، مطالعه بسیاری از آثار، ممنوع گردید؛ تبادل کتب، بین دول، بخصوص دولت‌های همگرا، گسترش می‌یابد. این کتابخانه در ۱۴ ژانویه ۱۹۳۹، همزمان با جشن یکصد و بیستمین سالگرد بازگشایی کتابخانه، به عنوان اولین مرکز فرهنگی شوروی، نشان سرخ کارگر را دریافت نمود. در طول جنگ جهانی دوم، کتابخانه، با جان و دل، در غم و اندوه لنینگراد سهیم بود؛ به طوری که تنها ۵۰ نفر از کارمندان خدوم و وطن پرست این کتابخانه در این ایام، برای وطن خویش، جان خود را نثار کرده و ۱۳۸ نفر نیز در زمستان وحشتناک ۱۹۴۱-۱۹۴۲م. در اولین هفته‌های جنگ بخشی از موجودی کتاب‌ها به زیرزمین و کتاب‌های نفیس و دستنویس به بخش‌های داخل کشور انتقال یافتند؛ اما با این حال کتابخانه یک روز هم فعالیت خود را تعطیل نکرد. در طول ۹۰۰ روز محاصره لنینگراد در سال ۱۹۴۱م، دیوارهای کتابخانه در اثر اصابت گلوله آسیب دید و چند بمب آتشین نیز روزی سقف کتابخانه افتاد، ولی از خودگذشتگی مردانی بزرگ، کتابخانه را از آسیب جدی محفوظ داشت. پس از جنگ خانمان سوز، کتابخانه مجموعه‌هایش را دوباره ذخیره و برای سال‌های جنگ آماده کرد و مبادله کتاب را دوباره از سر گرفت. حدود ۳۰۰ هزار کتاب به کتابخانه‌هایی که در طول اشغال آلمان‌ها، صدمه دیده بودند، داده شد. با اهدای کتاب به موجودی کتابخانه‌های استونی، لاتویا، لیتوانی، اوکراین، مولداوی و بلاروس، به موجودی کتاب کشور کمک چشمگیری شد. در سال‌های پس از جنگ، نیز روند بازسازی، توسعه و تغییرات در ساختار کتابخانه به تدریج ادامه یافت. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در ۲۷ مارس ۱۹۹۲ رئیس جمهور بوریس یلتسین، طی فرمانی، این کتابخانه را به عنوان "کتابخانه ملی روسیه" نامید.<sup>۱</sup>





خمسه نظامی با کتابت سال ۸۸۷ هجری

از ارزشمندترین داشته‌های کتابخانه، بخش نسخ خطی که موجودی آن به ۴۰۰ هزار نسخه روسی و شرقی می‌رسد که جمع‌آوری آنها، از سال ۱۸۰۵م شروع شده است. این مجموعه‌های ارزشمند در اتاقی (سالن مطالعه فائوست)<sup>۱</sup> نگهداری می‌گردد که در سال ۱۸۵۷م توسط ایوان گورنوستایف طراحی شده است. در این کتابخانه در کنار دستنویس‌های روسی شخصیت‌های علمی و ادبی برجسته روسیه و دستنوشته‌هایی به زبان‌های کلاسیک اسلاوی، اروپایی و یونانی، در حدود ۲۸۰۰۰ هزار نسخه خطی اسلامی به زبان‌های شرقی، از جمله عربی، فارسی و ترکی در موضوعاتی نظیر زبان‌شناسی، جغرافیا، پزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات و جز اینها، نگهداری می‌شود.

مجموعه کتب نادر نیز شامل کتب منتشر شده در قرن ۱۶ میلادی در اروپای غربی است که همراه مشهورترین مجموعه سده هجدهم، یعنی کتابخانه هفت هزار جلدی ولتر و کتابخانه خصوصی دنیس دیدرو در این کتابخانه نگهداری می‌گردد. دستنوشته‌های روی پاپیروس، برگ‌های نخل، پوست آهو، عاج فیل، تنه درختان گان، بشقاب‌های فلزی، لوحه‌های چوبی، موم اندود و همچنین تکه‌های کاغذ با منشأ و تاریخ‌های گوناگون، شجره‌نامه، نشان‌ها و خطوط هیروگلیف (تصویری)، زینت بخش ویتترین‌های بخش خطی و سنگ نبشته‌های به خط سومری، یونانی، رومی، عربی، فارسی، ترکی و ارمنی نیز زینت بخش پلکان مرکزی کتابخانه می‌باشد.



از مهمترین مجموعه‌های نفیس این کتابخانه عامره، نسخه‌های خطی بقعه شیخ صفی اردبیلی است که در سال ۱۸۲۸م/۱۲۴۳هـ همزمان با دوره دوم جنگ‌های دوم ایران و روسیه، از سوی پاسکویچ از بقعه شیخ صفی در اردبیل به روسیه، منتقل گردید.

پیش‌تر باید دانست که ایوان فتودورویچ پاسکویچ در ۱۸۲۵م از سوی نیکلای یکم تزار روسیه، فرماندهی بخشی سپاهیان این کشور را در تازش به قفقاز دوره دوم

جنگ‌های ایران و روس عهده‌دار گردیده بود. وی در ۱۸۲۶م در نزدیکی گنجه شکست سختی به نیروهای زیر فرماندهی عباس میرزا داد. در همان سال پاسکویچ عباس میرزا را تا چورس عقب راند و خود تا آذربایجان پیشروی کرد و از ارس هم گذشت. در ۱۸۲۷م امپراتور یرمولف را برکنار نمود و اختیارات وی را در فرماندهی نیروها به پاسکویچ سپرد. در پاییز ۱۸۲۷م پاسکویچ سرانجام توانست ایروان را بگشاید. در پی این پیروزی امپراتور روسیه به او نشان سن گئورگ و لقب "کنت ایروان" را اعطا نمود. پاسکویچ سپس مرند را گشود و در اکتبر همان سال بی پایداری چندانی، تبریز را هم فتح کرد. پس از آن در دهخوارقان با عباس میرزا به مذاکره نشست که بی نتیجه ماند. در ۱۸۲۸م/۱۲۴۳هـ او اردبیل را نیز گشود، در جریان این فتح کتاب‌های نفیس آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی را به سن پترزبورگ فرستاد. سرانجام با میانجی‌گری وزیرمختار انگلیس (مک دونالد) دو طرف در قریه ترکمانچای قراردادی را منعقد ساختند و جنگ به پایان رسید. البته طبق گفته خانم اولگا واسیلیوا، رئیس بخش نسخ خطی این کتابخانه عامره، بنا بر اسنادی تاریخی که در جلد ششم یا هفتم مجموعه ارزشمند اسناد مربوط به قفقاز (چاپ تفلیس ۱۸۶۶-۱۹۰۴م):

Акты, собранные Кавказской археографической комиссией, 1866-1904

منتشر شده است، حکایت از آن دارد، با اینکه این کتب، غنائم جنگی محسوب می‌شده‌اند، با این حال دولت روسیه تزاری برای ابراز حسن نیت، در مقابل آن دستنویس‌ها، به دولت ایران، طلا پرداخته و آن را داخل پاکتی روی مقبره شیخ صفی در اردبیل نهاده است!

به هر تقدیر ۱۶۶ نسخه نفیس ارسالی از اردبیل به روسیه، سرانجام در کتابخانه عمومی-سلطنتی (سالتیکف) آرام گرفتند و آقای دورن، اندکی بعد آنها را در سال ۱۸۵۲م به زبان فرانسوی فهرست نموده و منتشر ساخت؛ نشانه "Ard" در این فهرست، اشاره به نسخه‌های نفیس "اردبیل" است؛ عنوان اصلی این فهرست چنین می‌باشد:

B. Dorn: Catalogue des manuscrits et xylographes orientaux de la *Bibliothèque impériale publique de St. Pétersbourg*, 1852.

گفتنی است پس از آن، برای نسخه‌های خطی شرقی و اسناد این کتابخانه فهرست‌های متعددی نیز نوشته شد که زنده یاد اولگ آکیموشکین، گزارشی از آن‌ها، تا سال ۱۹۹۲ م منتشر ساخته است.<sup>۱</sup>



یکی از نسخه‌های نفیس این کتابخانه عامره (دو مجلد) که مورد بازدید قرار گرفت، کتاب *احسن الکبار*، تألیف ابن عرب‌شاه، محمد بن ابی‌زید علوی و رامینی (درگذشته پس از ۸۳۷ هـ) است. این اثر درباره زندگی امامان شیعه علیهم السلام است که به سال ۸۳۷ هـ با نثری ساده و روان به زبان فارسی تألیف گردیده است. باید دانست که این اثر در قرن دهم هجری در روزگار شاه طهماسب اول صفوی و به دستور او، به دست فخرالدین علی بن حسن زواره‌ای تلخیص شده و با افزودن مطالبی بر آن، به نام *لوامع الانوار الی معرفة الی المعرفة الأئمة الأطهار* نامیده شده است. *احسن الکبار* خالی از هرگونه پیچیدگی زبانی است، به طوری که همه می‌توانند از خواندن آن بهره بگیرند. اما دلیل این که این نسخه خطی در این دوره و در زمان شاه طهماسب برای مصورسازی انتخاب شده است به تعصبات شدید مذهبی و گرایش عمیقی که شخص شاه به شیعه داشته است، برمی‌گردد؛ در زمان او نگارگری نسخ خطی بیش‌تر درباره اهل بیت علیهم‌السلام، رونق و رواج یافته بود. این تصاویر وقایعی را روایت می‌کنند که در اسلام و نزد شیعه از اهمیت بالایی برخوردارند؛ برخی از وقایع نیز صفات و فضائل ائمه را به نمایش می‌گذارند.

دو نسخه *احسن الکبار* نفیس، مذهب و مینیاتوری موجود در این کتابخانه (سالتیکف)، به شماره‌های 312 و 313 ПНС نگهداری می‌گردند. این نسخه‌ها در قطع رحلی به اندازه ۲۶×۳۷/۵ سانتی‌متر ۲۴ سطری، به خط تعلیق کتابت شده است و مجموع دو جلد، دارای ۸۰۰ برگ با ۳۹ مجلس نگاره (مینیاتور) مشتمل بر رویدادهای مهم زندگی و معجزات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام آراسته شده است. برخی از نگاره‌ها عبارتند از: امام حسن علیه‌السلام و معاویه، حضرت علی علیه‌السلام

۱. المخطوطات الإسلامية في العالم (لندن ۲۰۰۰ م): ج ۲، صص ۵۶۷-۵۷۲.

در حال کشتن اجنه، وداع پیامبر ﷺ با مردم، ماجرای تل ریگ، معلق شدن کوه، داستان هشام بن عبدالملک و امام زین العابدین علیه السلام، ماجرای لیلۃ المییت، قضیه گذشتن حضرت علی علیه السلام با دلدل از چاه، ولادت پیامبر ﷺ، پیامبر ﷺ و قوم بنی اسرائیل، خواندن خطبه حضرت فاطمه علیها السلام، غدیر خم و جنگ جمل. از جمله نگاره‌ها، یکی داستان تولد حضرت محمد ﷺ را روایت می‌کند. نگاره بعدی پیامبر ﷺ را در حال گفت‌وگو با تنی چند از قوم بنی اسرائیل نشان می‌دهد. در نگاره دیگر پیامبر ﷺ بر منبر نشسته و علی علیه السلام و جمعی از صحابه مقابل او و عده‌ای دیگر نیز در ضلع دیگر مسجد ایستاده‌اند و امام حسن نیز در آستانه محراب جای گرفته‌اند. از دیگر نگاره‌ها، تصویر واقعه مربوط به روزهای واپسین حیات پیامبر ﷺ است، زمانی که بیماری ایشان شدت یافته بود. تصویر دیگر مربوط به واقعه غدیر خم است. در مرکز این تصویر حضرت محمد ﷺ و حضرت علی علیه السلام بر بالای جهاز شتران در حالی که محمد ﷺ، علی علیه السلام را در آغوش گرفته و بلند کرده نشان داده شده است. نگاره دیگر جریان خواستگاری کردن حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام را نشان می‌دهد.

نگاره دیگر، تصویری است که ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر را بازگو می‌کند، زمانی که حضرت علی علیه السلام از جان خود گذشت و به جای پیامبر ﷺ در بستر وی خوابید. مینیاتور دیگر، حضرت علی علیه السلام را سوار بر دلدل (اسب حضرت) نشان می‌دهد، در این تصویر حضرت علی در مرکز تصویر نشان داده در حالی که دلدل سر در گوش او دارد و گروهی از کافران را که برای قتل حضرت علی علیه السلام با حفر چاه سر راه او نقشه کشیده‌اند در پشت تپه‌ها ترسیم کرده است که در حال سرک کشیدن و منتظر به وقوع پیوستن نقشه‌شان هستند. در نگاره دیگری نقاشی یکی از اتفاقات صدر اسلام را نشان داده است. در این تصویر عایشه همسر حضرت رسول ﷺ و طلحه و زبیر در جنگ جمل در برابر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشاهده می‌شوند. در این تصویر چهره حضرت امیر و عایشه پوشیده شده است در حالی که هاله نورانی فقط در اطراف چهره حضرت امیر علیه السلام دیده می‌شود. یکی از نگاره‌ها نیز مربوط به مجلسی است که امام حسن علیه السلام

و معاویه را در کاخ معاویه بر سر خوان طعام نشان می‌دهد. تصویر را می‌توان به سه قسمت در راستای عمودی تقسیم کرد که قسمت پایین آن به وسیله خط افقی لبه بلندی از بخش مرکزی متمایز شده است و بخش بالایی تصویر در پشت قسمت میانی قرار گرفته است به طوری که برتر بودن جایگاه میانی به خوبی در تصویر نمایان است حضور چهار پیکر در قسمت پایین و پیکره سمت چپ قسمت بالا به درک این مسأله کمک می‌کند. درخت بید مجنون و درختان بی‌شکوفه که از ویژگی‌های نگارگری صفویه است و درخت دیگری که می‌تواند سپیدار باشد عناصر فضای طبیعی تصویر را تشکیل می‌دهند. چهره‌های پیکره‌ها گرد و چشم‌های آن‌ها کشیده و ابروهایشان پیوندی است و برخی از آن‌ها کلاه ترک‌دار قزلباش به سر دارند. رنگ‌های متنوع و درخشان در این تصویر به کار رفته است و خطوط نرم و قوی است.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از نسخ خطی که مورد بازدید قرار گرفت، نسخه نفیس و مذهب یوسف و زلیخای عبدالرحمن جامی است که از سوی خسرو میرزا در سال ۱۲۴۸هـ/ ۱۸۳۲م در دارسعاده زنجان، به گراف سیمونیچ، سفیر مختار دولت روسیه تزاری در تهران، تقدیم شده است. روی و پشت دو جلد بسیار نفیس رنگ روغنی مرغش این نسخه، نقاشی مینیاتوری بسیار هنرمندانه‌ای از داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام با زلیخا ترسیم گردیده است که بی‌تشابه با داستان زندگی خسرو میرزا نبوده است.

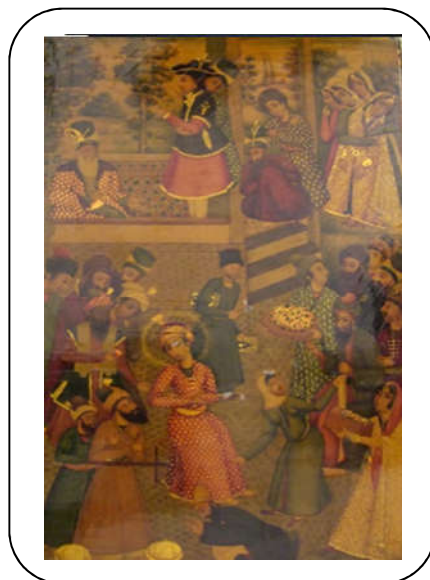
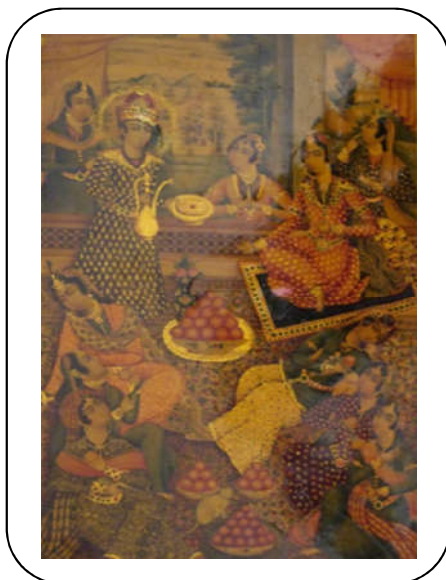
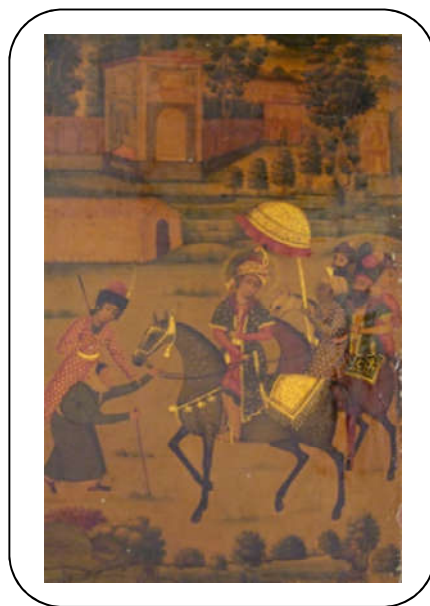
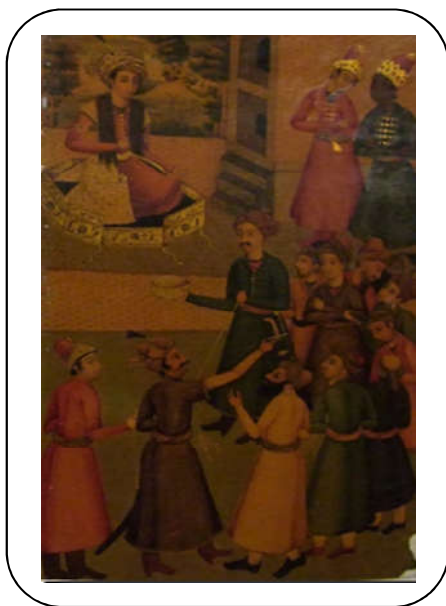
باید افزود تاکنون درباره تمام یا بعضی از نسخ خطی نفیس به یغما رفته از بقعه شیخ صفی در اردبیل، از سوی کسانی همچون بنهارت دورن، اولگ آکیموشکین، اولگا واسیلیوا و دیگران مقالات و کتب متعددی به زبان‌های فارسی، روسی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و دیگر زبان‌ها نوشته شده است که اشاره به فرد فرد آن آثار، موجب تطویل خواهد بود. در این راستا، یکی از کارهای پژوهشی ناچیزِ راقم سطور نیز در پانزده سال گذشته نگارش یک فهرست جامع در توصیف نسخه‌های خطی بقعه شیخ صفی اردبیلی بوده است؛ الحمدلله تاکنون بیش‌تر بخش‌های آن نگارش و تنظیم گردیده و امید است در آینده‌ای نزدیک، به زیور طبع آراسته گردد.



۱. کتاب ماه هنر، ش ۱۳۸، اسفند ۱۳۸۸، صص ۱۴-۲۷.



نگاره‌ای از نسخه نفیس أحسن الکبار (PHC. 312)



نگاره‌های جلد نسخه نفیس یوسف و زلیخا جامی (نسخه 395. IHC)



بر اساس آمار سال ۱۹۱۳م، تعداد مراجعه کنندگان کتابخانه ملی روسیه، حدود ۱۹۵ هزار خواننده بوده است این در حالی بود که شمار کتاب‌های کتابخانه، حدود ۴۶۰ هزار کتاب بود، اما امروزه تعداد مراجعین به حدود ۱/۵ میلیون نفر در سال (روزانه ۴۰۰۰ نفر) در ۲۶ سالن مطالعه (هر یک با ۱۴۰۰ نفر)، رسیده است و طبق آمار سال ۱۹۹۰م نیز موجودی کتابخانه، بالغ بر ۲۸ میلیون جلد کتاب و مجموعه ادواری آن نیز افزون بر ۶ میلیون مجلد شده است. علاوه بر مجموعه کامل روزنامه‌ها و نشریات روسی، تقریباً تمامی نشریات داخلی و اروپای غربی که از سده ۱۷ میلادی به بعد منتشر شده‌اند، در این کتابخانه یافت می‌شود. این کتابخانه همچنین حاوی ذخائر عظیمی از کاتالوگ‌های نمایشگاه‌های بزرگ، نقشه‌های جغرافیایی، میکروفیلم‌ها، اسناد، زندگی‌نامه‌ها، نشریات خارجی، نت‌ها و موسیقی‌ها، کاست‌ها، نقاشی‌ها، تصاویر و عکس و پرتره، کارت پستال و منابع کتابی و غیرکتابی است. در این کتابخانه سالانه به طور میانگین در حدود ۱۵۰۰ نمایشگاه فرهنگی، مرتبط با کتاب و کتابخانه برگزار می‌گردد که شاید در نوع خود در سطح جهانی کم نظیر باشد. این کتابخانه، امروزه یکی از مراکز مهم پژوهش در زمینه‌های کتابداری، فهرست‌نویسی و کتابشناسی است که با کتابخانه‌های مهم دیگر روسیه، همچون کتابخانه دولتی روسیه در مسکو و کتابخانه آکادمی علوم در سنت پترزبورگ ارتباطات نزدیکی دارد. باید دانست که بنای جدید کتابخانه، در مقابل پارک پیروزی نزدیک ایستگاه مترو مسکوسکی پروسپکت، با توجه به معماری تاریخی آن در ۹ طبقه ساخته شده و گنجایش مخزن آن بیش از ۲۰ میلیون جلد کتاب و نیز گنجایش سالن مطالعه منفرد آن (یکجا) دو هزار نفر می‌باشد.

### انستیتو دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم روسیه

انستیتو نسخه‌های خطی شرقی (IOM)<sup>۱</sup> وابسته به فرهنگستان علوم فدراسیون روسیه (RAS) در سنت پترزبورگ (پتروگراد/لنینگراد) واقع است. هسته اصلی تشکیل این انستیتو به سال ۱۷۲۴م ایام سلطنت و دستور پتر کبیر برمی‌گردد که در

۱. The Institute of Oriental Manuscripts of the Russian Academy of Sciences (IOM)

آن سال با ادغام کتابخانه کونستکامرا و کتابخانه آکادمی علوم روسیه صورت گرفت. پس از گذشت ده‌ها سال، در سال ۱۸۱۸م موزه آثار شرقی در شهر پتروگراد تأسیس گردید؛ نهادی که در آن مقطع، در اروپا، از نخستین‌های شرق‌شناسی محسوب می‌گردید. در آن مقطع، به جهت مقابله با فرهنگ ملل شرقی، همزمان با دیگر کشورهای غربی، ضرورت دانستن زبان، آداب، فرهنگ و رسوم کشورهای همسایه شرقی، در روسیه نیز احساس گردید. پیرو تأسیس این نهاد خاورشناسی، اساتید مطرحی نیز از آلمان (پروس) دعوت گردید. در این ایام، منابع اولیه پژوهشگران این نهاد را تعدادی نسخ خطی شرقی و همچنین آثار، قطعات و اشیای تاریخی و فرهنگی تشکیل می‌دادند که از برخی جاها برای نخستین بار به روسیه آورده شده بودند و البته به سفارش دولت وقت روسیه، در این راستا، سفرا، دیپلماتها و تجار روسی، جملگی وظیفه جمع‌آوری و انتقال این نوع آثار را از کشورهای و مناطق شرقی، به روسیه، داشتند.

در سال ۱۸۱۸م بود که آکادمی علوم روسیه تصمیم به خرید مجموعه‌ای مشتمل بر ۷۰۰ نسخه خطی اسلامی از کنسول فرانسه در طرابلس و حلب در شامات گرفت. پس از خرید و انتقال این مجموعه ارزشمند، در سال ۱۸۱۹م، یک بخش جدید در فرهنگستان علوم روسیه با نام موزه آسیایی (AM) - که بعدها به موسسه مطالعات شرقی (IOS) تبدیل شد - تأسیس و افتتاح گردید و نخستین رئیس موزه آسیایی نیز فردی به نام آقای فرن انتخاب گردید؛ وی در مدت ۲۲ سال ریاست خود، توانست زمینه‌های مطالعات شرقی، بخصوص در زمینه خاورمیانه، زبان عربی، زبان فارسی را تأسیس یا گسترش دهد. جانشین وی در موزه آسیایی، دانشمند شهیر، آقای دورن بود که بیش از ۲۰ سال در تقویت موضوعات مربوط به خاورشناسی تلاش نمود. نباید از نظر دور داشت که این سال‌ها (۱۲۴۳هـ) یادآور پایان دومین دوره از جنگ‌های خانمان‌سوز ایران و روسیه بود که در پی آن نسخه‌های خطی نفیس بقعه شیخ صفی در اردبیل، به سنت پترزبورگ انتقال یافت و آقای دورن، همان کسی است که آنها را در سال ۱۸۵۲م به زبان فرانسوی به خوبی فهرست نموده و منتشر ساخت.

باید افزود در آن مقطع تاریخی، موزه آسیایی، به جز مجموعه‌های دستنویس مغولی، ترکی، تبتی و چینی، مجموعه‌ای نفیس نیز در موضوع فلسفه به دست آورد که مطالعات شرقی را وارد مرحله جدیدی ساخت. تا سال ۱۸۵۵ زمانی که دانشکده زبان‌های شرقی در دانشگاه ایالتی سنت پترزبورگ افتتاح شد؛ این موزه همواره به عنوان یک نهاد تخصصی برای نیازهای دانشمندان روسی و خارجی خدمت می‌کرد. در سال ۱۸۷۶م این موزه نقش فعالی در سومین کنگره بین‌المللی شرق شناسان در سنت پترزبورگ داشت. در سال ۱۹۱۷م، این موزه مهمترین و بزرگترین مجموعه تخصصی جهان در عرصه نسخ خطی و نخستین‌های کتب چاپ شده در شرق و در حقیقت گنجینه بزرگ فرهنگی ملل شرق در سواحل رودخانه نوا محسوب می‌گردید. پس از انقلاب کمونیستی روسیه، از ۱۹۲۰م، همچنان این نهاد تنها مرکز مطالعات شرقی در فرهنگستان علوم شناخته می‌شد. در سال ۱۹۳۰م، انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی بنا گذاشته شد. همزمان با جنگ جهانی دوم و محاصره لنینگراد توسط آلمان‌ها در سال ۱۹۴۳م مؤسسه بسیاری از محققان خود را از دست داد؛ در پی این جنگ خانمان‌سوز، روس‌ها بیش از ۲۷ میلیون کشته دادند و کسانی از محققان هم مجبور به ترک لنینگراد و مهاجرت به مسکو شدند. در سال ۱۹۵۰م انستیتو رسماً از لنینگراد به مسکو انتقال داده شد و در لنینگراد فقط شعبه‌ای از آن به نام شعبه دست‌نویس‌های شرقی، باقی ماند؛ اما بعد از گذشت دو سال، بر پایه شعبه دست‌نویس‌های شرقی، مجدداً انستیتوی خاورشناسی، با عنوان "انستیتوی خاورشناسی شعبه لنینگراد" تأسیس گردید که تابع انستیتوی خاورشناسی مسکو بود. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸م این انستیتو به عنوان "انستیتوی ملل آسیایی" نامیده می‌شد و برخی فهرست‌ها و مطالعات نیز تحت همین عنوان منتشر گردیده است. در ۲۹ اکتبر ۱۹۷۰، هیأت رئیسه آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (سابق) تصمیم گرفت، حوزه فعالیت‌ها در زمینه مطالعات شرق‌شناسی

---

۱. نخستین کنگره خاورشناسان در سال ۱۸۷۳م در پاریس و دومین کنگره نیز در سال ۱۸۷۴م در لندن برگزار گردید.

شعبه اصلی مسکو و شعبه فرعی لنینگراد را از هم مستقل و تعریف نماید؛ بر این پایه، مطالعات اساسی شرق‌شناسی، همچون بررسی تاریخ کهن شرق در قرون وسطی، ادبیات کلاسیک فرهنگ‌های شرقی، مذاهب، فلسفه و قانون، در مسکو (IOS) متمرکز گردید و عمدتاً قلمرو بررسی متون کهن و نسخ خطی شرقی نیز به شعبه سنت پترزبورگ واگذار شد و در حقیقت می‌توان گفت انستیتو از این تاریخ به بعد، رسماً مستقل از مؤسسه خاورشناسی مسکو، گردید. پس از آن، شاخه‌های پژوهشی متعددی از جمله مطالعات کردی و ترکی نیز در شعبه سنت پترزبورگ تأسیس گردید و کاتالوگ‌های چندی برای نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی از سوی دانشمندانی همچون آکیموشکین، خالدوف و دیبیتریوا به تدریج نگارش و منتشر گردید. در این مرکز، همچنین تحقیقات بنیادی چندی روی جنبه‌های مختلف شرق باستان، شامل چین‌شناسی، مطالعات ژاپنی و کره‌ای و نیز مطالعات سغدی، صورت گرفت. در این مدت آثار متعددی تألیف گردید؛ آثار کهن چندی، همچون تاریخ مغولان راز، بخشی از تاریخ رشیدالدین فضل‌الله، به زبان اصلی خود تصحیح گردیده و به چاپ رسید و چندین اثر شرقی نیز به روسی ترجمه و منتشر گردید. در طول دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰م دستاوردهای علمی بزرگی نصیب انستیتو گردید؛ در این مدت از جمله، سه جلد از تاریخ خلافت، به چاپ رسید که جایزه وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه را در سال ۲۰۰۱م در پی داشت. همچنین کتاب چهار جلدی «اسلام در قلمرو امپراتوری سابق روسیه» که از سوی اسلام شناس برجسته روس، پروفیسور پروزروف، تهیه شد و نیز فهرست نسخه‌های خطی عربی مسیحی آماده گردید. در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۷ هیأت رئیسه آکادمی علوم روسیه دستور سازمان دهی مجدد شعبه سنت پترزبورگ را صادر نمود و از این تاریخ، همزمان با استقلال کامل و رسمی از مسکو، نام این نهاد از «انستیتو مطالعات شرقی» به «انستیتو نسخ خطی شرقی» تغییر یافت.

باید افزود این مؤسسه افزون بر دارا بودن ۱۳۰ هزار نسخه خطی شرقی در ۶۵ زبان، نیز دارای کتابخانه‌ای تخصصی، شامل ۸۰۰ هزار جلد کتاب در شاخه‌های مختلف مطالعات شرقی و نیز دارای هزاران سند تاریخی است. این انستیتو به آموزش میراث ادبی و فرهنگی ایران توجه زیادی نشان می‌دهد. در حال حاضر در شعبه خاورمیانه آن،

۱۱ کارمند ایران شناس و افغان شناس به تحقیقات علمی مشغولند. ۴ کارمند علمی دیگر در کنار آن شعبه زبان، تاریخ و ادبیات کردی آموزش می‌دهند. چهار ایران شناس، یعنی آقایان دکتر لیفشیتس، دکتر پیریحانیان، دکتر دانداما یوف و دکتر چوناکووا در شعبه خاور باستان کار می‌کنند. گرچه موضوعات و رشته‌های پژوهشی دانشمندان آن انستیتو خیلی دامنه‌دار و گسترده هستند، ولی بررسی و تحقیق دستنویس‌های فارسی و تاجیکی همچنان مورد توجه ویژه ایران شناسان آن انستیتو قرار دارد. آرشیو دستنویس‌های پژوهشگاه نزدیک به پنج هزار دستنویس فارسی است. تهیه برخی فهرست دستنویس‌ها توسط گروه محققان، زنده‌یاد دکتر آکیموشکین، دکتر کوشیف، دکتر میکلوخا ماکلای، دکتر صلاح الدینوف، دکتر تومانوویچ، دکتر نیازوف انجام گرفته و خانم دکتر شیگلوا، تهیه فهرست کتاب‌های چاپ سنگی را عهده دار است. لینیا اسمیرنوا در زمینه متون تاریخی، آکیموشکین در زمینه متن‌شناسی مینیاتوری، اولگا اسمیرنوا و لیوشیتس در زمینه کشف رمزهای اسناد به زبان‌های سغدی، پارسی و باختری، راگوز و یرخانیان و چوناکووا در زمینه متن‌های فارسی میانه، داندامایف در عرصه مسائل تاریخ ایران باستان، کولسنیکوف و پوگالوف و نزریه در زمینه مسائل قرون وسطی، و اورانسکی در عرصه تاریخ زبان‌های ایرانی، تحقیقات مختلفی انجام داده‌اند. گفتنی است که اکنون ده سال است ریاست انستیتو بر عهده خانم دکتر ایرینا پاپوا<sup>۱</sup> است، تخصص اصلی ایشان چین شناسی می‌باشد. بر اساس آماري که زنده‌یاد اولگ آکیموشکین در سال ۱۹۹۲م منتشر ساخته است<sup>۲</sup> با چشم پوشی از آمارهای مربوط به نسخ خطی غیراسلامی، انستیتو دستنویس‌های شرقی، دارای ۹۸۷۴ نسخه اسلامی، مشتمل بر ۵۱۸۴ نسخه عربی، ۳۰۵۸ نسخه فارسی، ۱۵۰۰ نسخه ترکی، ۲۸ نسخه پشتو، ۱۴ نسخه مالیزی، ۱۴ نسخه کردی و ۳ نسخه اردو است؛ اما با توجه به روند خرید، اهدا یا انتقال برخی نسخه‌ها به این مرکز علمی، در سال‌های اخیر، این آمارها تا حدودی دست خوش تغییر شده‌اند، برای نمونه، به اذعان خود مسؤولان انستیتو، تعداد نسخ خطی فارسی موجود در این انستیتو، بیش از پنج هزار نسخه، گزارش گردیده است که به نظر می‌رسد، در این مؤسسه، نزدیک به پانزده هزار نسخه خطی اسلامی، متمرکز شده باشد.

۱. Dr. Irina F. Popova.

۲. المخطوطات الإسلامية في العالم (لندن، مؤسسة الفرقان، ۲۰۰۰م): ج ۲، صص ۵۴۰-۵۹۲.



شاه سلیمان صفوی و درباریان او (به قلم علیقلی جعبه‌دار - اصفهان ۱۶۷۰م)

باید افزود بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۰م، برای ثلث نسخه‌های خطی فارسی (حدود ۱۰۰۰ نسخه)، ۱۰ جلد فهرست به زبان روسی (بدون جلد ۹) از سوی دانشمندان و ایران شناسان روسی تهیه شده است. عنوان مشترک این اثر فهرست *نسخ خطی فارسی و تاجیکی موجود در انستیتوی شرق شناسی (نسخ خطی)* آکادمی علوم روسیه است که بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۳م به اهتمام فهرست‌نگاران برجسته انستیتو نسخ خطی شرقی با نام‌های: ان. دی میکلوخو ماکلای (جلدهای ۱-۳)، اس. ای. بایوفسکی (جلدهای ۴-۵)، ان. ان. تومانیویچ (جلد ۶)، ز. ان. واروژیکنیا (جلد ۷)، خ. ان. نیازوف (جلد ۸) و زنده‌یاد اولگ آکیموشکین (جلد ۱۰)، به ترتیب در موضوعات تاریخ، جغرافیا، تذکرها (جلدهای ۱-۳)، فرهنگ‌های فارسی (جلد ۴)، فرهنگ‌های دو زبانه (جلد ۵)، فولکلور، داستان‌ها و حکایات (جلد ۶)، دیوان‌های شعر (جلد ۷)، ادبیات منظوم و مثنوی فارسی (ج ۸) و جنگ‌ها و آلبوم (ج ۱۰) نگارش یافته است. گفتنی است جلد نهم فهرست نسخه‌های خطی فارسی، هنوز تألیف نشده است. عناوین اصلی فهرست‌های نسخ خطی فارسی و تاجیکی مؤسسه، نیز به زبان روسی چنین است:

1. Миклухо-Маклай Н. Д.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института востоковедения*. Выпуск 1. Ответственные редакторы В.И.Беляев, Д.И.Тихонов. М. Л.: Издательство Академии Наук СССР, 1955.

2. Миклухо-Маклай Н. Д.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института народов Азии*. Выпуск 2. Биографические сочинения. Ответственные редакторы И.А.Орбели, В.И.Беляев. М.: ИВЛ, 1961.

3. Миклухо-Маклай Н. Д.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института востоковедения*. Выпуск 3. Исторические сочинения. Ответственные редакторы О.Ф.Акимускин. М.: «Наука» ГРВЛ, 1975.

4. Баевский С. И.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института народов Азии*. Выпуск 4. Персидские толковые словари (фарханги). М.: ИВЛ, 1962

5. Баевский С. И.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института*

*народов Азии*. Выпуск 5. Двухязычные словари. [Ответственный редактор А.Н.Болдырев] М.: ГРВЛ, 1968.

6. Туманович Н. Н.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института востоковедения АН СССР*. Выпуск 6. Фольклор (Занимательные рассказы и повести). Ответственный редактор Ч.А.Байбурди. М.: «Наука» ГРВЛ, 1981.

7. Ворожейкина З. Н.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института востоковедения*. Выпуск 7. Персоязычная художественная литература (X — начало XIII в.). Ответственный редактор А.Н.Болдырев. М.: «Наука» ГРВЛ, 1980.

8. Х. Н. Ниязов *Описание персидских и таджикских рукописей института востоковедения*, Выпуск 8. М., Наука, 1979.

10. Акимушкин О. Ф.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института востоковедения РАН*. Выпуск 10. Поэтические сборники, альбомы. М., Наука, 1993.

این فهرست‌ها انصافاً بسیار دقیق نوشته شده‌اند و آنچه که بایستی در فهرست‌نگاری اشاره شود، آمده است؛ به گمان راقم، رده این فهرست‌ها تقریباً بین فهرست توصیفی و تحلیلی قابل تعریف است. گفتنی است در هر فهرست، به طور میانگین بین ۳۰ تا ۴۵ آیتم از هر نسخه گزارش شده‌اند.

### بصری

روز نخست اقامت‌مان در سنت پترزبورگ (یکشنبه ۲۵ تیر) به استراحت، موقعیت‌یابی، گشت و گذار در داخل شهر، عکاسی و خرید برخی مایحتاج عمومی از فروشگاه مواد غذایی کنار محل سکونت گذشت.

روز دوشنبه، ۲۶ تیرماه، پس از طی مسافت نسبتاً طولانی از محل مسکونی تا مرکز شهر، پرسیان پرسیان، محل انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه را در



نزدیکی موزه ارمیتاژ یافتیم. در این هنگام آقای الکساندر یاکوولف<sup>۱</sup> که دانشجوی زبان فارسی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ است و برای مهمانان رایزنی نقش مترجم را ایفا می‌نماید، طبق قرار قبلی به ما ملحق می‌شود. پس از طی تشریفات اداری و ثبت اسامی و کنترل پاسپورت‌ها، با راهنمایی خانم منشی، وارد اتاق رئیس انستیتو، خانم دکتر ایرنا پاپوا شدیم. ایشان در ابتدا استقبال گرمی از دوستان نمودند و پس از خوشامدگویی و پذیرایی، نامه رسمی آقای دکتر ابراهیمی خطاب به خودشان، درباره برنامه یک هفته‌ای ما در خصوص بررسی نسخ خطی فارسی این انستیتو و موضوع چاپ ترجمه فارسی فهرس این انستیتو با همکاری سه جانبه انستیتو، رایزنی و کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی رحمته‌الله را خواندند که در ادامه پیرامون آن تبادل نظرها و گفتگوهای شد. سپس بنده یک جلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۱/۴۰) را که با خود به روسیه آورده بودم، به ایشان اهدا نمودم که ایشان هم متقابلاً تشکر نمودند.

پس از آن، استاد صدرایی درباره وضعیت نسخ خطی در ایران و روند معرفی نسخ خطی در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله گزارشی ارائه نمودند که آقای الکساندر به روسی برای ایشان ترجمه نمود و البته به جهت وجود پاره‌ای اصطلاحات نسخه‌شناختی در صحبت‌هایی که در جریان بود، جناب ذوقی نیز، هر از گاهی، در ترجمه روسی و احیاناً برگردان فارسی مطالب رئیس، مدد می‌رساندند. خانم پاپوا نیز در ادامه گزارشی مستوفی از روند تاریخی شکل‌گیری این انستیتو و بخش‌ها و منابع آن و نیز شخصیت‌های علمی این مؤسسه بیان داشتند و آقای الکساندر نیز آن مطالب را به فارسی ترجمه نمودند؛ البته مطالب ایشان، عمدتاً همان بود که در سطور پیشین، به شمه‌ای از آن‌ها اشاره گردید.

پس از مدتی گفتگو، ایشان خود شخصاً ما را به موزه انستیتو راهنمایی نمودند تا ادامه مطالب خود را در قالب مستندات مکتوب، که بخشی از آن‌ها در موزه نهاده شده، ارائه دهند. در این موزه، تاریخچه‌ای عملی و علمی از روند تشکیل و نیز دوره‌های

۱. александр яковлев .

فعالیت کارگروه‌های تخصصی شرق شناسی و ایران شناسی در این انستیتو، همراه برخی اسناد کهن و تصاویر خاورشناسانی همچون ایوانف، کراچکوفسکی، ژوکوفسکی، برتلس، مینورسکی و ... درون چندین ویتترین یا روی تابلوهای مندرج در موزه، ارائه گردیده است.

پس از توضیحات ایشان، با خانم پاپوا، استاد پروزروف و دوستان دیگر، چند عکس به رسم یادگار، گرفته شد و پس از آن، با رئیس انستیتو خداحافظی کردیم.



باید دانست که در این انستیتو در بخش‌های مختلف، کسانی همچون ولادیمیر ایوانف جوان، استانیسلاف پروزوروف، خیسمتولین، ایانیسیان، کامنسکی، بوریس نوریکی، شگیلووا و دیگران اشتغال دارند که برخی در زمینه ایران شناسی نیز فعالیت‌هایی انجام داده‌اند و از آنجا که اکثر این افراد به جهت تعطیلات در مرخصی بودند، از ملاقاتشان محروم ماندیم. دکتر پروزروف - که خُلُقاً و خَلْقاً و عِلْماً و عَمَلاً، ما را به یاد استاد عبدالحسین حائری حفظه الله در کتابخانه مجلس می‌انداخت - در این دیدار، با محبت سرشار خویش، ما را به اتاق خود، راهنمایی نمودند و با اینکه یک دستش از ناحیه بازو تا نوک انگشتان، مصنوعی بود و بندهای انگشتان دست دیگرش نیز افتاده بود، از ما پذیرایی گرمی به عمل آوردند. ایشان در عین حال، ضمن دارا بودن مقام دوم انستیتو و تسلط به زبان عربی، صاحب تألیفات فراوانی نیز در حوزه‌های اسلامی و شیعی در قالب کتاب و مقاله است. شرح و ترجمه فرق الشیعه نوبختی به روسی (مسکو ۱۹۷۳م)، کتابشناسی تاریخ شیعه در عراق، ایران و آسیای میانه تا عصر آل بویه = علم التاريخ عند الشيعة (مسکو ۱۹۸۰م)، شرح و ترجمه جلد نخست الملل و النحل شهرستانی (مسکو ۱۹۸۴م)، دائرة المعارف الإسلامية، حاوی ۶۰۰ مقاله (مسکو ۱۹۹۱م)، النصوص العربية الإسلامية (مسکو ۱۹۹۴م)، الإسلام في الدولة الروسية، حاوی مقالات متعدد شامل ۵ جلد (مسکو ۱۹۹۸-۲۰۱۲م)، التقدّم في الدراسات الإسلامية (سنت پترزبورگ ۲۰۰۹م)، تصحیح تلخیص البیان فی ذکر فرق أهل الأديان (مسکو ۱۹۸۸م)، تصحیح معجم الشيوخ،

تألیف ابوالکرم عبدالسلام بن محمد الحجّی الأندلسی من القرن ۶هـ (در دست انتشار)، تصحیح لوامع أنوار القلوب فی جمع أسرار المحبّ و المحبوب، تألیف القاضی ابوالعالی عزیزی بن عبدالملک بن منصور، الشهیر بشیذلة من القرن ۵هـ (در دست انتشار)، از جمله آثار کتابی اوست. وی همچنین بخش‌هایی از تفسیر المیزان علامه طباطبایی رحمته الله را در دست ترجمه به روسی دارند. نباید از نظر دور داشت که استاد یکی از اعضای علمی بنیاد ایران‌شناسی و بنیاد مطالعات اسلامی در مسکو می‌باشند.

وی در این دیدار، توضیحات جامع و اطلاعات ذی‌قیمتی از وضعیت شرق‌شناسی و اسلام‌پژوهی در روسیه به زبان عربی فصیح خود، ارائه دادند و البته هر کجا نیز زبان عربی ایشان یار نمی‌شد، مجبوراً به روسی ادامه می‌داد و آقایان یاکولتوف و ذوقی به فارسی ترجمه می‌نمودند. ایشان در بخشی از سخنان مبسوط خود، افزودند: «ما در سال‌های اخیر، در روسیه و جمهوری‌های خود مختار، نسبت به مباحث روز دنیای جهان اسلام پیشرفت‌های خوبی داشتیم و برای مثال عربی روزنامه‌ای را خود مسلطنند، اما نسبت به مباحث تاریخی و کهن، بسیار افت کرده‌ایم؛ بسیاری از شرق‌شناسان در روسیه، بخصوص جاهایی مثل سنت پترزبورگ، ضمن اینکه نمی‌دانند ماهیت اسلام چیست، حتی توانایی قرائت نصوص و متون اسلامی و عربی کهن را هم ندارند»؛ وی می‌گفت: «إنّ روسیا تحتاج إلى كثير من الناس ليعرفوا الإسلام و الثقافة الإسلامية و مصطلحاتهم و تاریخهم و عقائدهم و رجالهم».

ایشان می‌افزاید: «من کارهایی که درباره اسلام در جمهوری‌های شوروی سابق نوشته می‌شود، مطالعه می‌کنم، اما حقیقت این است که آنها مفاهیم دینی را نفهمیده‌اند، مثلاً اگر کسی به نصوصی را که آنان در موضوعات تصوّف به روسی برگردانده‌اند، مطالعه نماید، به راحتی خواهد فهمید که آنان اصلاً این مفاهیم را نفهمیده به روسی برگردانده‌اند و متأسفانه برخی هم که این متون را خوب می‌فهمند، نمی‌توانند آن را به زبان آکادمیک به روسی برگردانند».

ایشان همچنین در بخش‌هایی از سخنان ارزنده خود، از وضعیت شیعه در روسیه، کارهای پژوهشی شیعی، نسخه‌های خطی شیعی در انستیتو، وضعیت کلی نسخ خطی در روسیه، طرح فهرستگان مشترک نسخ خطی اسلامی در روسیه که ایشان

سال‌ها پیش پیشنهاد داده بودند، مشکلات فهرست‌نگاری نسخ خطی اسلامی در روسیه، فقدان رجال زبان‌شناس، نسخه‌شناس، متن‌شناس، کتاب‌شناس و همچنین نبود امکانات مادی در مؤسسات و به طور کلی تقلیل بودجه‌های پژوهشی در روسیه و مانند آن، سخن گفتند که البته نقل همه مطالب، موجب تطویل بوده و قطعاً خارج از رسالت این نوشتار خواهد بود؛ لیکن به حول و قوه الهی، در کتابی که راقم با عنوان *اسلام و تشیع در روسیه*، در دست تألیف دارد، به برخی از این مباحث، به تفصیل، پرداخته است.

باید افزود که در مدت حدود یک هفته، طبق هماهنگی‌های قبلی، تمامی شصت نسخه خطی فارسی معرفی شده در جلد چهارم فهرست دستنویس‌های فارسی و تاجیکی انستیتو، از نزدیک مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های آن فهرست، به عنوان شاخص تمامی مجلدات ترجمه شده، با اصل نسخ تطبیق داده شد. در این میانه، تا جایی که فرصت اقتضاء می‌نمود، برخی نسخ خطی دیگر و منابع چاپی دیگر نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و با شخصیت‌های متعددی نیز ملاقات‌هایی صورت گرفت.



از جمله شخصیت‌هایی که در ایام اقامت در سنت پترزبورگ و انستیتو ملاقاتی دست داد، می‌توان به دیدار با خانم دکتر فیروزه عبدالله‌یوا، اشاره نمود. مقدمتاً باید بگویم، پیش‌تر، بنا به سفارش آقای دکتر حیدرنیا، برای ایشان، تصویری از *سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورغ*، تهیه نموده و صحافی کرده و با خود آورده بودم، لیکن، از آنجا که دقیقاً از ابتدای امر مشخص نبود که این تصویر به سفارش کیست، لذا متأسفانه در سفر به سنت پترزبورگ، این نسخه تجلید شده در دفتر بنیاد ایران‌شناسی ماند تا بعداً خود دوستان به آدرس ایشان در سنت پترزبورگ، ارسال دارند. *سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورغ* نام کتابی است نوشته میرزا مصطفی بهاء‌الملک افشار منشی میرزا مسعود مستوفی در شرح *سفرنامه هیأت اعزامی از سوی دربار قاجار برای پوزش کشته شدن گریبایدوف سفیرکیر روسیه در تهران به سن پترزبورگ پایتخت روسیه*. دستور گسیل این هیأت را عباس میرزا در سال ۱۲۴۴هـ به میرزا مسعود به عنوان مأمور سفر صادر نمود. سپس چند ماه پس از

اقامت هیأت در قفقاز و فراهم نمودن پیش‌زمینه‌های دیدار از پایتخت روسیه تزاری، سرانجام خسرو میرزا قاجار پسر عباس میرزا به عنوان نماینده دربار ایران به این گروه پیوست. نویسنده کتاب (بهاء الملک) آنچه را که نوشته است در سفر به چشم دیده و یا از شنیده‌های میرزا مسعود مستوفی بهره برده است. کتاب در اصل در شش فصل بوده است؛ ولی فصل ششم کتاب به نام در اطوار مراجعت، مفقود گردیده است! در این کتاب گزارشی نغز از برخورد ایرانیان با کارخانجات روسی، صنایع مدرن، بالون، لیتوگرافی (چاپ سنگی)، موزه، گلخانه، تاکسیدرمی و... آمده است. نویسنده به تقریب هر جا که پیشرفتی در کار روس‌ها دیده، افسوس خورده که چرا ایرانیان از این زمینه‌ها بی‌بهره‌اند و در متن کتاب هم پیشنهادهایی برای گسیل دانشجویان از ایران به روسیه و دیگر کشورهای فرنگ برای آموختن و ترقی طرح می‌کند. اعضای این هیأت که به سن پترزبورگ رسیدند، عبارت بودند از: خسرو میرزا قاجار، میرزا مسعود مستوفی، میرزا صالح شیرازی، امیرنظام زنگنه، میرزا مصطفی بهاء الملک (نویسنده کتاب)، میرزا بابا افشار (پزشک هیأت) و گروهی دیگر از جمله میرزا تقی خان فراهانی (امیرکبیر) و شماری خدمه.

خانم فیروزه عبدالله‌یوا (ملویل)، با تبار تاجیکی، متولد شهر سنت پترزبورگ و دانش‌آموخته رشته هنر و مطالعات اسلامی از گروه فقه‌اللغه ایرانی دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ در سال ۱۹۸۹م است؛ وی سال‌ها از اساتید همین دانشگاه در سنت پترزبورگ بوده است، لیکن پس از ازدواج با دکتر چارلز ملویل (رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه کمبریج) به انگلستان مهاجرت نمودند؛ ایشان مدتی مؤسسه مطالعات پیشرفته (دانشگاه پرینستون) و یک دوره نیز در دانشگاه میشیگان (آن آرپور) به عنوان استاد فولبرایت اشتغال داشتند. از سپتامبر ۲۰۰۵ تا سپتامبر ۲۰۱۰ او استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آکسفورد و نیز عضو و مسئول کتابخانه فردوسی کالج وادهام بوده و از اکتبر سال ۲۰۱۰ او دانشیار پژوهشی بنیاد میراث ایران و اکنون نیز دانشیار کالج پمبروک (از ۲۰۱۱م)، محقق وابسته به دانشکده آسیا و مطالعات خاورمیانه و رئیس و مدیریت پروژه بزرگ نسخه‌های خطی شاهنامه فردوسی در کمبریج هستند. ایشان با اینکه اصالتاً

تاجیکی، لیکن کلمات زبان فارسی (تاجیکی) را به سختی ادا می‌نمایند؛ اما علاقه‌شان به زبان فارسی، بخصوص شاهنامه فردوسی ستودنی است. از آنجا که علایق شخصی و پژوهشی ایشان با محوریت ادبیات کلاسیک و مدرن فارسی، هنر در قرون وسطی، نسخ خطی اسلامی و نسخه‌شناسی، ادبیات، سفرنامه‌های دوره قاجار و شرق‌شناسی روسی در آسیای مرکزی است؛ بر این پایه، آثار و مقالات تألیفی ایشان نیز عمدتاً در همین حوزه‌های تاریخ، هنر، زبان و ادبیات فارسی است. در کارنامه علمی وی آثاری همچون تفاسیر فارسی قرآن (سنت پترزبورگ ۲۰۰۰م)، فرخی، شاعری از خطه سیستان، تفسیر قرآن (مسکو ۲۰۰۱م)، شعر کلاسیک فارسی (۲۰۰۲م)، قصه‌های طوطی (سنت پترزبورگ، ۲۰۰۶م)، خوشنویسی اسلامی (شیکاگو ۲۰۰۷م) و ابراهیم سلطان میرزا (آکسفورد ۲۰۰۸م) دارد و با مقالاتی در همایش‌های مرتبط با سفینه تبریز (آمستردام، ۲۰۰۷م)، نسخه‌های خطی مصور شاهنامه در مجموعه کتابخانه ملی روسیه (سنت پترزبورگ ۲۰۰۷م)، مجموعه مقالاتی درباره تفاسیر فارسی شیعه (سنت پترزبورگ ۲۰۰۷م)، مجموعه دستنویس‌های فارسی دانشگاه سنت پترزبورگ (کمبریج ۲۰۱۱م)، شاهنامه در تاریخ ادبیات فارسی (لندن-نیویورک ۲۰۱۰)، نقاشی کتاب‌های فارسی (کمبریج ۲۰۱۰م)، مجموعه مقالات کنفرانس میراث خیام (لیدن)، عشق و صمیمیت (ملبورن ۲۰۱۱م)، مجموعه مقالات هزاره شاهنامه کنفرانس (بمبئی ۲۰۱۱م) و استعاره و تصاویر در شعر فارسی (لیدن-بوستون ۲۰۱۲م) شرکت داشته که مجموعه مقالات آنها، منتشر شده و برخی نیز مانند: فردوسی، مغولان و تاریخ ایران: هنر، ادبیات و فرهنگ از اوایل اسلام تا دوره قاجار ایران (لندن)؛ مجموعه مقالات کنفرانس "امپراتوری و انقلاب: برخورد ایران و روسیه از سال ۱۸۰۰" (لندن) و "عاشقانه اسکندر در ایران و شرق" در دست انتشار است. همچنین مقالاتی نظیر "شاهنامه ناشناخته در آن آرپور"، (رک. مانوسکریتا اورینتالیا: ش ۱، س ۱۱، مارس ۲۰۰۵، صص ۲۸-۶۱)؛ "الهی، انسانی و شیطانی: انعطاف‌پذیری در تصویر رستم و اشکابوس" (رک. مطالعات شاهنامه، مقالات ۵، کمبریج، ۲۰۰۶، صص ۲۰۳-۲۱۹)؛ "شعر فارسی زن" (رک. هنر کلاسیک، شاعران و اشعار ایران (دانشنامه زنان

و فرهنگ اسلامی)، جلد ۵، لیدن، ۲۰۰۷، صص ۴۶-۴۷؛ "والنتین ژوکوسکی آلکسیوویچ" (رک. دایره المعارف ایرانیکا، آنلاین)؛ "دستنویسی از بودلیان درباره اسدی طوسی (رک. ایران، ۲۰۰۹، صص ۶۹-۹۵)؛ "شاهنامه: هزاره یک شاهکار حماسی" (مطالعات ایرانی، آکسفورد، ج ۴۳، ش ۱، فوریه ۲۰۱۰، صص ۱-۱۱) و "شاهوار پرواز: نیمرو، کیکاووس، اسکندر..." (پرسیکا، لیدن، ش ۲۳، ۲۰۰۹-۲۰۱۰، صص ۱-۲۹)، از جمله پژوهش‌های وی در عرصه ادبیات فارسی است.

باید افزود پروژه شاهنامه، آنگونه که از مطالب وبسایت<sup>۱</sup> آن پیداست، بر آن است تا مشخصات و داده‌ها و احیاناً تصاویر منتخب تمامی نسخه‌های خطی شاهنامه موجود در کتابخانه‌های جهان را به ترتیب اهمیت آنها، سازمان دهی نموده و تصاویر و داده‌های آنها را به صورت دیجیتالی در وبسایت آن بنهد. در ملاقاتی که با ایشان در سنت پترزبورگ دست داد، ایشان گزارشی از روند پروژه نسخه‌های خطی شاهنامه فردوسی در کمبریج ارائه دادند و همچنین از موضوع پژوهشی مورد علاقه خود، سفرنامه خسرو میرزا، فاضل خان گروسی، میرزا صالح و ... و اسناد سفر آنها به سنت پترزبورگ در سال ۱۲۴۴هـ به تفصیل سخن گفتند و از اینکه موضوع خسرو میرزا در روسیه از شهرت به سزایی برخوردار است ابراز تعجب می‌نمود؛ البته ایشان افزودند: «بر اساس اسناد و قرائنی که در انستیتو پوشکین و جاهای دیگر در دست است، قتل گریبایدوف قطعاً کار انگلیسی‌ها بوده است، نه قاجار و نه میرزا مسیح استرآبادی! و در کنفرانسی که اخیراً درباره خسرومیرزا در انگلستان برگزار شده بود، تقریباً تمامی مقالات سخنرانان این موضوع را تأیید می‌نمود. امروزه بر خلاف روس‌ها، هم انگلیسی‌ها و هم بازماندگان قاجار، به همین دلایل، مطلقاً تمایلی به باز شدن پرونده خسرو میرزا ندارند!»!



خسرو میرزا شاهزاده قاجار، هفتمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلیشاه قاجار است و در سال ۱۲۲۷هـ به دنیا آمده است. پس از قتل گریبایدوف

(سفیر کبیر دولت فخمیه روس) در تهران که چندی پس از پایان دورنه دوم جنگ‌های ایران و روسیه و انعقاد قرارداد ترکمنچای اتفاق افتاد، هیأتی دیپلماتیک به سرپرستی خسرومیرزا (۱۷ ساله) به روسیه سفر کرد تا پیام عذرخواهی و دوستی شاه ایران را به امپراتور روسیه تسلیم کرده و از بروز خصومت و جنگی تازه جلوگیری نماید. این هیأت اعزامی به گرمی مورد استقبال تزارها قرار گرفت، تا جایی که برای دیدار ناپلئون از پترزبورغ، ۲۰ توپ شلیک شده بود، لیکن هنگام ورود خسرومیرزا و هیئت همراه وی، ۲۱ توپ شلیک گردید! باید دانست که مأموریت خسرومیرزا و هیئت همراه، چیزی قریب یک سال به طول انجامید؛ مشروح گزارش جزئیات دیدارها و وقایع سفر آنان در نشریات و روزنامه‌های آن زمان روسیه، به تفصیل منعکس شده است. در این مدت اعضای هیأت دیپلماتیک ایرانی که دو تن از اولین تحصیل‌کرده‌گان ایرانی در فرنگ، یعنی میرزا صالح شیرازی و میرزا بابا افشار (گویا همان حاجی بابا اصفهانی)، نیز در بین آنان بودند در شهرهای مختلف از مؤسّسات آموزشی و کارگاه‌های صنعتی روسیه بازدید کردند. خانم فیروزه می‌گفت: «در این سفر خود خسرو میرزا دفترچه‌ای با خود همراه داشته و جزئیات وقایع سفر را در آن یادداشت می‌نموده است؛ بعدها گفته شد که این دفترچه نزد ناصرالدین شاه بوده است؛ لیکن از آنجا که تمامی کتب و یادداشت‌ها و کتابخانه ناصرالدین شاه اکنون در کتابخانه سلطنتی (کاخ گلستان) در تهران قرار دارد، بنده مدتی پیش با امیدواری به ایران و کتابخانه مذکور در تهران رفتم، ولی رئیس و متصدیان کتابخانه، آب پاکی روی دستام ریخته و از وجود دفترچه خاطرات خسرومیرزا، اظهار بی‌اطلاعی نمودند!»

به هر تقدیر ما حاصل این سفر برای ایرانیان، چند سفرنامه، از جمله سفرنامه میرزا مسعود مستوفی انصاری و نیز سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورغ بود که به قلم منشی هیأت، یعنی مصطفی خان افشار (بهاء الملک) نوشته شده است. خانم فیروزه بر اساس تحقیقی که درباره نسخ خطی سفرنامه خسرومیرزا انجام داده‌اند، می‌گویند: «تصحیح آقای گلبن جامع نیست و گویا آن تنها بر پایه نسخه کتابخانه مجلس بوده است، در حالی که از این سفرنامه چند نسخه دیگر یکی در کتابخانه دانشگاه



سنت پترزبورگ، یکی در کتابخانه ملی ایران، یکی در کتابخانه وزارت امور خارجه و یکی هم در موزه بریتانیا در لندن موجود است».

به هر تقدیر در این سفرنامه علاوه بر جزئیات بازدیدها و ملاقات‌ها، پیشرفت‌های کشور روسیه و سیستم آموزشی و مدارس آن نیز شرح داده شده و لزوم ایجاد موسسات مشابه در ایران بحث شده است. طرفه آنکه میرزا تقی خان فراهانی ۲۲ ساله که بعدها به نام امیرکبیر شناخته شد نیز در این سفر در مقام منشی حضور داشت و چهل سال بعد زمانی که به مقام صدارت اعظم رسید، طرح مدرسه نظامی جدید، یعنی دارالفنون را مشابه آنچه در این سفرنامه پیشنهاد شده بود، عملی کرد. برخی سفر روسیه را از نقاط آغازین شکل‌گیری ایده اصلاحات امیرکبیر می‌دانند. الماس شاه، الماسی گران‌بها که از غنائم حمله نادرشاه به هندوستان بود، در این سفر به نیکلای یکم تزار روسیه، پیشکش شد. باید دانست که تاریخچه ورود اصطلاحات روسی مانند کالسکه، استکان، سماور و ... به ایران مربوط به این سفر می‌باشد. در این باره خانم فیروزه می‌گویند: «این مدت یکسال حضور در پترزبورگ و شرکت در مراسم‌های رقص، آواز، تئاتر و ... برای خسرو میرزای نوجوان، بسیار خوش گذشته بود، به گونه‌ای که او چندان تمایلی برای بازگشت به ایران از خود نشان نمی‌داد! او در این مدت حتی با شخصیت‌های برجسته ادبی روس، همچون الکساندر پوشکین (شاعر محبوب روسیه) نیز دیدارهایی داشته است. هدایایی که خسرومیرزا با خود آورده بود، از شمشر، طلا و ... امروزه بایستی آنها را در موزه ارمیتاژ جستجو نمود، لیکن بر پایه بررسی‌های که ما به عمل آوردیم، متأسفانه ردی از آنها در این موزه نیست! از آنجا که این ایام روس‌ها، در حال جنگ با عثمانیها بودند و تمایل نداشتند در جبهه دیگری درگیر شوند، هنگام بازگشت خسرومیرزا به ایران در سال ۱۲۴۵هـ ق حدود ۳۰ کالسکه بار، شامل منسوجات، کریستال، عطریات و دیگر لوازم لوکس، به عنوان هدایای تزار روسیه به سلطان قاجاری به ایشان تحویل گردید، البته به عنوان حسن نیت دولت تزاری، به همین میزان، یعنی ۳۰ کالسکه دیگر نیز در مسکو به آن هدایا افزوده شد!»

البته نباید از نظر دور داشت که خسرومیرزا، علت احترام روس‌ها به وی را حمایت آنان از حکومت آینده وی قلمداد می‌نمود؛ هر چند که این مسأله هرگز تحقق نیافت. چرا که با مرگ زودهنگام عباس میرزا و ولیعهد شدن محمدمیرزا، قائم مقام فراهانی مرّبی و وزیر محمدمیرزا، به خسرو میرزا بدگمان شد و دستور به دستگیری و حبس او در قلعه‌ای در اردبیل داد. پس از مرگ فتحعلیشاه و پیش از رهسپار شدن محمدمیرزا به تهران به قصد تاجگذاری، قائم مقام دستور به کور کردن خسرو میرزا و برادر دیگرش جهانگیر میرزا داد. در مقاله‌ای<sup>۱</sup> که خانم اولگا و. واسیلیوا هم بدان اشاره نموده، در همین زمان نامه‌ای از خورده خانم، مادر خسرومیرزا به سیمونیچ (گویا سفیر کبیر روسیه تزاری) در تهران، به عنوان استمداد، نوشته شده است. گفته شده اصل این نامه اکنون در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس موجود است، لیکن مسؤولان آن، اکنون از وجود چنین نامه‌ای در این مجموعه، اظهار بی‌اطلاعی می‌نمایند! خسرو میرزا ادامه عمر را در توپسرکان و تهران گذراند و در سال ۱۳۰۰ هـ درگذشت. گفتنی است داستان عذرخواهی خسرو میرزا از تزار روسیه، در بخشی از یک فیلم روسی، به تصویر کشیده شده است.



در مدت فعالیت تحقیقی خود در انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه، روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه (۱۷ ژولای) یک‌بار دیگر نیز ملاقاتی با خانم دکتر پاپوا، رئیس انستیتو دست داد و استاد صدراپی، گزارشی از روند چند روزه بررسی نسخ خطی فارسی، به ایشان ارائه نمودند. در ادامه، از باب الکلام یجر الکلام، در زمینه فعالیت‌های انستیتو در موضوع چین شناسی، مغول شناسی و ترک شناسی و نیز متون اسلامی، مانوی، اویغوری، سغدی، طخاری و دیگر متون یافته شده از تورفان و کوه‌های موغ در چین و تحقیقات صورت گرفته در مجامع علمی و فهارس منتشر شده برای آنها در آلمان تحت عنوان VOHD و نیز پژوهش‌ها انجام یافته در روسیه گفتگوهای متنوعی انجام گرفت. از آنجا که تخصص اصلی خانم دکتر پاپوا،

چین شناسی بود و تقریباً احتمال نمی داد در ایران هم روی چنین موضوعاتی علاقه باشد یا پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته باشد، با تعجب و اشتیاق مطالب و گفتگوها را دنبال می‌کرد و با توضیحاتی که آقای ذوقی در تکمیل این موضوع به ایشان ارائه دادند، زمینه‌ای برای صحبت‌های مفصل بعدی ایشان در این حوزه‌ها گردید و ایشان نیز در ادامه با اشتیاق تام، به ارائه مستندات و گزارش تحقیقات دانشمندان روسیه در زمینه دستنویس‌های تورفان، یارکند، ختن، قاراکند، قولجا و ... در موضوعاتی همچون بودیسم، سگزیلدوز، آلتون یاروق و دیگر نسخ خطی چینی، مغولی و ترکی پرداخت. ایشان در پایان این گفتگوی نسبتاً طولانی چند کتاب و نشریه را در این زمینه‌ها را به بنده و جناب ذوقی اهدا نمودند. از جمله نشریه *Памяникц Востока* که تاکنون (۲۰۱۲م) دو شماره از آن از سوی همین انستیتو، به مدیرمسئولی خانم پاپوا منتشر شده بود و ایشان همچنین از ما تقاضا نمودند که در زمینه‌های مورد گفتگو و دیگر پژوهش‌های تراثی، مقالاتی به زبان‌های روسی یا انگلیسی، برای انتشار در این نشریه، به این انستیتو، ارسال داریم. در پایان این گفتگو، همچنین روی موضوع کاغذهای سمرقندی و خانبالیغ و تاریخ آنها نیز مباحثی مطرح شد و ایشان از نوعی کاغذ نام بردند که عمده نسخه‌های خطی در چین روی این نوع کاغذ کتابت شده است و گفتند که یک دانشمند ژاپنی درباره آن و آنالیز شیمیایی آن کاغذ تحقیق جامعی به زبان انگلیسی نموده است و ترجمه روسی آن نیز اکنون در روسیه در دست انتشار است. این کمترین نیز از موضوع آنالیز شیمیایی کاغذهای شرقی در ایران و انتشار مقالاتی چند در این زمینه، از جمله در نشریه وزین نامه بهارستان، سخن به میان آوردم که مورد عنایت ایشان قرار گرفت.



پس از گفتگویی نسبتاً طولانی با خانم پاپوا، همراه استاد صدرایی، جهت بررسی باقی نسخه‌ها، به سالن مطالعه بخش نسخ خطی انستیتو بازگشتیم و جناب ذوقی هم فرصت را مناسب شمرده، به بخش ترک‌شناسی و مغول‌شناسی و نسخ خطی ترکی و مغولی انستیتو، سری زده و نیز از بخش فهرست‌نگاری نسخه‌های چاپ سنگی که به مدیریت خانم شیگلوا در حال انجام است، بازدیدی به عمل آوردند و در این روند

اطلاعاتی مفیدی از فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه‌ها کسب نمودند که قطعاً در گزارش سفر خود به سنت پترزبورگ به تفصیل، به جزئیات آن اشاره خواهند داشت. البته این کمیته نیز ساعتی بعد، برای دقایقی چند، به ایشان ملحق شده و تا حدودی در جریان اجمالی فعالیت‌های آنان قرار گرفتیم. همانگونه که پیش‌تر هم اشاره گردید، این انستیتو بجز نسخه‌های دیگر، حدود ۱۵۰۰ نسخه خطی به زبان ترکی دارد که عمدتاً با لهجه‌های عثمانی، چغتایی، تاتاری، آذری و ... نوشته شده‌اند. در دوره اتحاد جماهیر شوروی، این نسخه‌ها فهرست گردیده و در ۳ جلد منتشر شده است که خوشبختانه تصویری از آن سه جلد، در کتابخانه راقم نیز موجود است؛ البته در سال ۲۰۰۸م نیز یک جلد فهرست برای نسخه‌های خطی ترکی انستیتو منتشر شده که در حقیقت، سری جدید از فهرس نسخ خطی ترکی محسوب می‌گردد. از محققان این بخش، در حوزه نسخ خطی ترکی، می‌توان به آقای الکساندر ویتولد و خاتم گلنار خلیووا اشاره نمود که بیش‌تر فعالیتشان با محوریت زبان‌شناسی است.

### پیوست

دفتر و بخش فهرست‌نگاری کتب سنگی فارسی انستیتو، با پرچم سه رنگ ساده منقش به شیر و خورشید روی میز خاتم دکتر اولیمپادا پاولوونا شیگلوا<sup>۱</sup> نیز حال و هوای خاص خودش را دارد، که شوربختانه به جهت ایام تعطیلات و مرخصی ایشان، ملاقات با این دانشمند برجسته، میسر نگردید. گفتنی است عنوان نخستین کتاب ایشان در زمینه کتب سنگی، کتب چاپ سنگی ایرانی، منابع تاریخ و تاریخ فرهنگ در ایران قرن ۱۹ میلادی (سنت پترزبورگ، ۱۹۷۹م) بوده است که آن در واقع تز دکتری مؤلف در دانشگاه سنت پترزبورگ بوده که در سال ۱۹۷۶م از آن دفاع نموده است. این اثر با همکاری یوری بورشوویسکی<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۹م در لنینگراد (سنت پترزبورگ) به زبان روسی به چاپ رسیده است:

О.П. Щеглова: *Иранская литографированная книга (Из истории*

۱. Олимпиада Павловна Щеглова .

۲. Юрий Ефимович Борщевский .

Ответственный редактор Ю.Е. Борщевский. М., Главная редакция восточной литературы издательства «Наука», 1979.

این اثر با عنوان تاریخ چاپ سنگی در ایران، از سوی پروین منزوی، به زبان فارسی، ترجمه و از سوی انتشارات معین در سال ۱۳۸۸ در تهران منتشر شده است. عنوان تز دکترای تخصصی وی نیز کتابهای چاپ سنگی فارسی منتشره در ایران و هند، بر اساس مجموعه‌های سن پترزبورگ است که وی در سال ۱۹۹۵م به دفاع از آن نائل شده است. گفتنی است این اثر در سال ۲۰۰۱م در سنت پترزبورگ به چاپ رسیده است:

О.П. Щеглова: Персоязычная литографированная книга индийского производства (XIX в.). СПб. : «Петербургское Востоковедение», 2001, 336с.

از دیگر آثار وی می‌توان به فهرست کتب چاپ سنگی فارسی کتابخانه دانشگاه ایالتی لنینگراد (سنت پترزبورگ) اشاره نمود که در سال ۱۹۸۹م به زبان روسی منتشر شده است.

О.П. Щеглова: Каталог литографированных книг на персидском языке в собрании восточного отдела научной библиотеки им. А.М.Горького Ленинградского Государственного Университета. Ответственный редактор В.В.Кушев. М.: «Наука» ГРВЛ, 1989.

ناگفته نماند این فهرست از سوی آقای فتح الله ذوقی در دست ترجمه قرار دارد، لیکن تا این تاریخ (۲۰۱۲م) منتشر نشده است. باید افزود که فهرست کتب چاپ سنگی فارسی کتابخانه ملی روسیه از دیگر آثار وی است که در سال ۲۰۰۲م در سنت پترزبورگ به زبان روسی منتشر شده است:

О.П. Щеглова: Каталог литографированных книг на персидском языке : Из собрания Российской Национальной Библиотеки . М: Вост. лит., 2002, 143с.

ناگفته نماند آخرین اثر تألیفی ایشان در این زمینه نیز، کتب چاپ سنگی فارسی در ترکستان و بخارا می‌باشد که در سال ۲۰۱۱م از سوی فرهنگستان علوم انستیتو تاریخ (نستور) در سنت پترزبورگ، منتشر گردیده بود:

О.П. Щеглова: Литографское книгоиздание на персидском языке в Туркестане и Бухаре. Нестор-История, 2011.

نظر به قدرشناسی از مؤلف دانشمند آن، باید اشاره نمایم، با اینکه خانم شیگوا در خارج از شهر سنت پترزبورگ و در تعطیلات به سر می‌بردند، وقتی مطلع شدند که دوستان ایرانی، در دفترشان حاضر شده و جویای احوال ایشان شده‌اند، به توسط یکی از کارمندان، نسخه‌ای از این فهرست تازه انتشار به ما اهدا نمودند. امروز (۲۹ تیر) هنگام بررسی باقی نسخ خطی فارسی در انستیتو، با دوست ایرانی پژوهشگری با نام گودرز رشتیانی (اهل کنگاور) نیز آشنا شدیم که پیش‌تر مقالات چندی از ایشان در نشریاتی مانند پیام بهارستان به نظر رسیده بود. ایشان دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران بوده و برای یک دوره فرصت مطالعاتی همراه همسر خود - که دوره زبان روسی خود را می‌گذراند - به سنت پترزبورگ آمده‌اند. باید افزود که حوزه مطالعاتی ایشان عمدتاً حوزه قفقاز و اسناد تاریخی مربوط به مناطق شمالی ایران می‌باشد، برای این منظور، مدتی در گرجستان در این زمینه فعالیت پژوهشی داشته‌اند.



باید یادآور شوم که در شهر سنت پترزبورگ، نشریه‌ای مهم با نام مانوسکروپتا / اوریتتالیا<sup>۱</sup> به چاپ می‌رسد که حاوی مقالاتی تخصصی و ارزنده درباره نسخ خطی به زبان‌های شرقی، از جمله عربی، فارسی و ترکی است. تمامی شماره‌های این نشریه وزین در بخش مخطوطات کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله موجود است.

### موزه چاپ و نشر در سنت پترزبورگ

امروز روز یکشنبه، آخرین روز اقامت‌مان در سنت پترزبورگ است، با حضور جنابان گودرز رشتیانی و الکساندر نیت کرده‌ایم به حومه شهر سنت پترزبورگ، یعنی منطقه فانتانا و پتروف و باغ پتر کبیر برویم. اما تا قرارمان با جناب رشتیانی، ساعتی باقی بود، از فرصت موجود، استفاده بهینه کرده و با پرداخت یکصد روبل بابت بلیت برای هر نفر، از موزه چاپ این شهر نیز دیدن کردیم.

۱. Manuscripta Orientalia .

این موزه، تنها موزه چاپ در شهر سنت پترزبورگ است که رسماً در سال ۱۹۹۱م برای بازدید عموم، بازگشایی شده است؛ این موزه در واقع بخشی از "موزه تاریخ شهر سنت پترزبورگ" به حساب می‌آید. این مکان، سال‌ها پیش از اینکه به موزه تبدیل شود، ابتدا خانه سرگئی لویسکی عکاس خاص امپراتور الکساندر دوم بود که البته امروزه ابزار و ادوات عکاسی وی نیز در همین موزه، داخل اتاقچه‌ای شیشه‌ای، قابل مشاهده است. سال‌ها بعد، این بنا را فردی به نام سورلین خریداری کرد که در آن، نشریاتی همچون: روس، چشم و مولوا منتشر می‌نمود. وی پس از انتشار چند شماره از این نشریات، ورشکسته شد و مجبور گردید این بنا را بفروشد. خریدار جدید، چند طبقه‌ای را با کاربری استیجاری و مانند آن، بر این ساختمان افزود. یکی از طبقات مخصوص این بنا، تأسیسات متعلق به یک چاپخانه بود و با اینکه صنعت چاپ در سنت پترزبورگ قدیمی‌تر است، اما در این مکان از سال ۱۹۰۵م این چاپخانه شروع به کار نمود. در این چاپخانه نشریه‌ای به نام روس منتشر می‌شد؛ همچنین اینجا مرکز چاپ نشریه سوارین بود که پیش از انقلاب اکتبر، در سال‌های حدود ۱۹۰۵م منتشر می‌شد. از کتاب‌هایی که اینجا چاپ شده، می‌توان به یک تقویم مربوط به سال ۱۹۱۰م، کتاب سراینده روستایی (۱۹۱۱م) و دیوان شاعر شهیر روسیه، الکساندر پوشکین اشاره نمود که در سال ۱۹۱۲م منتشر شده است.

اهمیت این چاپخانه بیش‌تر از آن جهت است که در سال‌های منتهی به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م، مرکز اصلی انتشار نشریه/خبر روستا و نشریه پرآوازه پرآودا/ (حقیقت) است که شماره نخست آن به رهبری شخص لنین، به عنوان رئیس حزب بُلشویک و همکاری همفکرانش، در همین چاپخانه، با تیراژ روزانه ۶۵۰۰۰ نسخه، منتشر می‌شد و همینجا در طی این مدت، با ابزار آلات اولیه آن روز چاپ و حروفچینی با فونت‌های سری، علاوه بر چاپ اصل این دو نشریه، ۱۶۰ مقاله نیز برای پرآودا نوشته، چاپ و منتشر گردید. در این موزه همه اتفاقات و روند چاپ این نشریه، به صورت ماکت، بازسازی شده است و دیوارهای اتاق‌ها نیز، مشحون از تصاویر فردی یا جمعی روزنامه‌نگاران است که عاشقانه و فعالانه، در جهت اعتلای مرام و تفکر نوین کمونیستی تلاش می‌کنند.

### پترهوف یا کاخ ورسای پترکبیر

پس از دیدار از موزه، باید به پترهوف برویم، سوار مترو شده و در ایستگاه متروی آفتووا از قطار پیاده شده و سوار ون‌هایی با نشانه «مارسوتکا ۴۲۴» می‌شویم که کرایه معمولی آنها ۷۰ روبل است.

پترگوف یکی از شهرهای منطقه فدرال سن پترزبورگ در ساحل جنوبی خلیج فنلاند است. جمعیت این شهر در سرشماری سال ۲۰۰۲م به ۶۴،۷۹۱ بوده است. کاخ پترهوف مجموعه‌ای از قصر و باغ است که به دستور پتر کبیر، روسیه ساخته شده است. این کاخ که گاهی با نام ورسای روسیه هم خوانده می‌شود، تحت حفاظت بخش میراث جهانی سازمان یونسکو می‌باشد.

این کاخ که زمانی قصر خصوصی پتر کبیر بوده در حال حاضر یکی از پربازدیدترین مکان‌های گردشگری و توریستی و از محبوب‌ترین جاذبه‌های سنت پترزبورگ در سرتاسر روسیه، به شمار می‌رود. محبوبیت این کاخ به حدی است که از سال ۲۰۰۷م تا به امروز به عنوان یکی از عجایب روسیه در این کشور شناخته شده است. محبوبیت کاخ پترهوف به دلیل وجود فواره‌ها و آبشارهای فوق العاده زیبا، مجسمه‌های طلایی و منحصر به فرد محوطه کاخ و خود کاخ است. مشهورترین این فواره‌ها، پلکان عظیم یا گرند کاسکید نام دارد که از نمای شمالی کاخ تا کانال مارین امتداد دارد و از ۶۴ فواره مختلف با بیش از ۲۰۰ مجسمه برنزی تشکیل شده است. هر کدام از مجسمه‌های این باغ تاریخچه‌ای دارند که این مجسمه‌ها به نوبه خود در کنار زیبایی‌های دیگر این کاخ به محبوبیت این کاخ کمک بسیاری می‌کند. در روبروی کاخ آبشار پله‌ای زیبایی وجود دارد که همراه با فواره‌های آن و مجسمه‌های طلایی که در کنار پله‌ها از بالا تا پایین آبشار قرار دارد، زیبایی خاصی را به این محوطه داده است و این تنها آبشار این باغ نیست و آبشارها و چشمه‌های متعدد دیگری نیز در گوشه و کنار این باغ رویایی به چشم می‌خورند.



پس از یک هفته اقامت کاری در شهر زیبای سنت پترزبورگ، یکشنبه شب ۲ مرداد (۲۲ ژولای و دوم ماه رمضان المبارک) ساعت ۱۱ شب با قطار عازم مسکو



شده و ساعت ۸/۳۰ صبح روز دوشنبه (۳ مرداد) به ایستگاه راه آهن مسکو رسیده و با وسیله نقلیه رایزنی به رانندگی آقای احد (اهل تاجیکستان)، یکی از کارکنان رایزنی، به محل اقامت خود در ساختمان رایزنی رسیدیم. پس از استراحتی چند ساعته، همراه استاد صدرایی با دکتر ابراهیمی ملاقاتی داشتیم و گزارشی از سفر و روند بررسی نسخ خطی فارسی انستیتو به ایشان ارائه گردید. در این واپسین ایام حضور در مسکو متوجه شدم استاد دکتر احمد رهدار، نیز برای یک پژوهش یک ماهه مهمان رایزنی هستند و شب هنگام فرصتی دست داد تا با ایشان دیدار دو ساعته صمیمانه‌ای داشته باشم و به درخواست ایشان، از وضعیت نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه و نیز برداشت خود از فضاها علمی و پژوهشی روسیه گزارشی ارائه بدهم. اگر درست فهمیده باشم، ایشان روی پروژه‌ای تحقیق می‌کردند، مبنی بر اینکه اگر در جهان اسلام، رنسانسی محقق شود و تمدن اسلامی بخواهد بار دیگر شکل بگیرد، سهم مناطق مختلف جهان، از جمله روسیه در این روند، چه مقدار خواهد بود؟



صبح روز سه شنبه سوم مرداد، فرصتی داشتیم به همراه آقایان صدرایی و دکتر رهدار، بار دیگر از بنیاد ایران شناسی، دیدن داشته باشیم. در بنیاد مذکور، با فردی دانشمند به نام آقای داوودی آشنا شدیم که در زمینه پزشکی فعالیت دارند و به قول خود، برای دریافت فوق تخصص به مدت ده سال بود که مقیم مسکو بود. به مناسبت سؤال آقای رهدار، ایشان اطلاعات مفیدی از کشور روسیه و وضعیت مسلمانان این کشور ارائه نمودند که نقل فرازهای آن در پایان این نوشتار، خالی از فائده نیست. ایشان، که اصالتاً اهل لاریجان مازنداران و از سادات موسوی هستند، ابتدا درباره اسلام و مذاهب افراطی و انحرافی در روسیه افزودند: «مشکل اساسی ما مدرنیته سیاسی شیعه است که تبیین نشده است. ببینید! الآن چند سالی است وهابیت، سلفی‌گری و بهائی‌گری در آذربایجان و روسیه فعال شده است. امروزه در کشورهایی مانند آلمان، انگلستان و حتی خود روسیه به این نتیجه رسیده‌اند که مسائل بنیادگرایی در جهان معاصر، از وهابیت و مشخصاً از عربستان سعودی نشأت می‌گیرد. اینکه آلمان‌ها از ایرانی‌ها و اساتید متخصص مطالعات شیعی

دعوت می‌کنند، برای این است که آنها جامعه چند فرهنگی می‌خواهند. آنها و حتی روس‌ها معتقدند، از کلاس درس وهابیت اسلحه، رادیکالیسم و خشونت بیرون می‌آید که برای این جوامع سم مهلک است ولی محصول و نتیجه کلاس درس اسلام شیعی و ایرانی، اندیشه، تفکر، عقل و تعقل است. ببینید! آنگونه که من بررسی کردم، جامعه علمی در روسیه به هیاهوهای وهابیت نگاه نمی‌کند بلکه آنها کتاب می‌خوانند و به تعبیر دیگر اگر حرفی برای گفتن باشد از روی نوشته‌ها می‌خوانند، مردم روسیه بسیار اهل مطالعه‌اند. ایران هم باید مکتب شیعه، ایده‌ها و برنامه‌های خود را به صورت مکتوب در قالبی علمی برای آنان به زبان روسی معرفی نماید، در روسیه امروز کتاب است که در کانون توجه قرار دارد نه هیاهوی تبلیغاتی! اکنون با توجه به حضور وهابیت در دو جمهوری خودمختار داغستان و تاتارستان، نیازهای شدیدی روی مطالعات شیعی احساس می‌شود، ولی متأسفانه تاکنون کار جدی چندانی در زمینه تألیف و حتی ترجمه به روسی صورت نگرفته است. با توجه به هزینه‌های سنگین زندگی و تحصیل در روسیه، دولت ایران باید دانشجویان زیادی را بورسیه نموده به دانشگاه‌های قازان، مسکو و سنت پترزبورگ بفرستد، زبان روسی باید در ایران جدی گرفته شود، برای تسلط به روسی دانشجویان باید دو سال کار کنند، یکسال بی‌فایده است! یک منبع وسیع اطلاعاتی نسبت به روسیه باید در ایران تشکیل شود. نباید دانشجو را فقط به مسکو فرستاد، نه اینجا هزینه‌ها سنگین است، باید به شهرهای دیگر روسیه فرستاد تا هم و غمش مصروف هزینه‌های اقامت نشود. حتماً برنامه‌ای گذاشته شود، در قالب تورهای علمی، روس‌ها به ایران دعوت شوند. خود روس‌ها و خاورشناسان نیز علاقه وافری به ایران و زبان فارسی دارند و از سوی آنان کارهای خوبی هم در این زمینه‌ها صورت گرفته است».

وی در بخش دیگری از سخنان خود می‌گوید: «الان بزرگترین ایران شناسان در مسکو هستند، روی منابع تفکر اسلامی و شیعی مطالعه و کار می‌کنند. البته مدرنیته در روسیه از قازان شروع شد، به هر تقدیر در این روند دیدگاه سیاسی تشیع و مدرنیته سیاسی شیعه بسیار مهم است و جا دارد از سوی متخصصان مطالعات شیعی در ایران، این موضوع به خوبی تبیین شود و این نیاز امروز روسیه است».

همو می‌افزاید: «پس از هرج و مرج سال ۹۰-۹۱ میلادی در مسکو، وهابیت و سلفی‌گری خوب از این موقعیت بلبشو، به نفع خود بهره برداری نمودند. وهابیت امروزه با پول عربستان الآن روی روسیه و آلمان و انگلستان کار می‌کند، آنوقت متخصصان اسلامی و شیعی ما رفتند روی آفریقا سرمایه‌گذاری می‌کنند! من البته کار در حوزه شمال آفریقا را قبول دارم ولی بیش‌تر ائتلاف انرژی است!»

ایشان ادامه می‌دهند: «در همین حوزه روسیه، با توجه به نیازهای فرهنگی و بر اساس مقتضیات این منطقه، بایستی کارهای دست اول شیعی به زبان روسی تألیف نمود، ترجمه آثاری که بر اساس نیازهای فرهنگی مناطق دیگر نوشته شده است، به درد نمی‌خورد. روس‌ها روی اسماعیلیه و تشیع کار کرده‌اند و باز جسته‌گریخته کارهایی می‌کنند، اما ما باید جدی‌تر کار کنیم، برنامه ریزی و کار گروهی نظام مند می‌خواهد، با کارهای مقطعی و فردی نمی‌توان راه به جایی برد. باید ابتدا مدرنیته سیاسی شیعه را از مشروطه و پس از آن روند ملی شدن صنعت نفت و سرانجام تحقق انقلاب اسلامی و حتی ولایت فقیه را به نحو علمی و آکادمیک و مطابق با مقتضیات علمی جهان امروز برای آنان توضیح داد. صحبت از حافظ و فردوسی و سعدی و ایران چهار فصل و اصفهان و اینها البته خوب است ولی اگر بخواهید به صورت جدی جایی در جهان معاصر پیدا کنید باید از "فرهنگ سیاسی شیعه" صحبت نمود؛ باید سمینارهایی عملی گذاشت و به نحو کارشناسانه و دقیق به این مسائل پرداخت. در روسیه به پژوهش‌های شیعی علاقه دارند. زمانی که آقای ایمانی‌پور اینجا موقعی رایزن بودند همین مطلب را هم به ایشان گوشزد کردم. تبیین ساختار سیاسی اسلام و شیعه و حتی برای نمونه تبیین بانکداری اسلامی با زبانی قابل فهم برای مجامع علمی، یک ضرورت امروز است. این مباحث بایستی در مجامع علمی ایران از سوی اساتید و دانشجویان، با جدیت دنبال و تقویت شود. امروز با به بن بست رسیدن مکتب‌های سیاسی و اقتصادی جهانی بستر و فضای مناسبی برای شنیدن سخنان جدید فراهم شده است و ایران شیعی می‌تواند این نقش اساسی را بر عهده بگیرد. برای معرفی یک فکر، یک کشور، یک ایده و غیره بایستی فیلم ساخت، باید کتاب نوشت، باید با فرمت‌های جهانی و بین‌المللی، مسائل را تبیین

علمی نمود، قطعاً با ادعا و شعار نمی‌توان جایی در جهان علم امروز دست و پا کرد؛ باید آستین‌ها را بالا زد و کار کرد».

وی در ادامه افزود: «ببینید! الان همین بحث عرفان و اخلاق، برای جامعه روسیه، باید تبیین علمی شود، فرق بین عرفان و اخلاق باید تشریح شود. در روسیه، حالت عاطفی رومانتیکی بسیار بالاست. برای مثال کسی اگر بخواهد گدایی نماید، یک گربه‌ای یا سگی را در خیابان کنار خود می‌گذارد مبنی بر این که پولی برای سیر کردن شکم این حیوان ندارم و مردم به سبب این حیوان، به فرد کمک می‌نمایند! اینجا هندی‌ها از دهه ۱۹۶۰م در روسیه نفوذ نمودند و هندوئیسم و عرفان‌های هندی به تدریج سپس بودیسم وارد روسیه شد. به لحاظ همین مسأله عاطفه، فضای روسیه آمادگی پذیرش عرفان اسلامی و شیعی را دارد، نیاز هست آثاری در زمینه عرفان شیعی با توجه به مقتضات فرهنگی روسیه تألیف و منتشر گردد، به نظر من عطش روسیه عرفان است و نه دین! عرفان به معنی ارتباط عاطفی با خداوند و نه شریعت. اگر متخصص عرفان اسلامی و شیعی داریم، بایستی به زبان روسی آن را برای مردم روسیه تبیین نماییم».

او افزود: «حتی به لحاظ اقتصادی، دیدگاه‌های اسلام و شیعه در زمینه اقتصاد، بایستی به زبان روسی تبیین شود، جا دارد کتاب اقتصادنا شهید صدر به روسی ترجمه شود. انسان گاهی درمی‌ماند ما حتی ترجمه روسی قانون اساسی ایران را نداریم. شفاف‌سازی در ایران بحث مهم دیگری است که باید کار شود. اینجا یا در غرب، نسبت به برخی امور، مانند مباحث مربوط به حقوق بشر، حقوق زنان تبلیغ می‌کنند، جا دارد، به این مطالب به سرعت مورد بررسی قرار گرفته و جواب داده شود».

وی در بخش دیگری از سخنان خود می‌افزاید: «روی مسائل امنیت اجتماعی جامعه خیلی توجه نموده و به نحو جدی کار کنید، ببینید! کشور تونس به لحاظ امنیت اجتماعی در شمال افریقا فوق العاده است؛ انقلاب‌های اخیر هم از همانجا آغاز شد؛ مردم مثل باروت هستند، در مقابل خیانت سریع عکس العمل نشان می‌دهند و به عکس آن وقتی ببینند دولت با مردم صادق است، به دولت حتماً کمک خواهند کرد».

وی در بخش دیگر می‌گوید: «الآن روس‌ها نسبت به قذافی و از دست دادن پایگاه سنتی‌شان در شمال آفریقا، خیلی ناراحتند، آنها امروز بشّار اسد را واقعاً دوست دارند، منافعشان با وی گره خورده است، سوریه الان برای روسیه مسأله‌ای حیثیتی است چرا که آخرین پایگاه سنتی روسیه در خاورمیانه به شمار می‌رود. ببینید! من الان ده سال است در مسکو و روسیه هستم، مردم روسیه به هر دلیل ممکن، حقیقاً آمریکا را دوست ندارند، الان با ۱۵۰۰ دلار می‌توان به آسانی ویزا گرفت ولی مردم بسیار نادر به آمریکا سفر می‌کنند. چرا؟ چون مردم باسوادند، آنها اهل مطالعه هستند، روزنامه می‌خوانند، می‌فهمند، کاملاً نسبت به مسایل تحلیل دارند و حرف معقول و دقیق و منطقی را می‌پذیرند این خصیصه دقیقاً همان چیزی است که گفتم، جامعه روسیه بهترین فرصت برای ایران در تبیین علمی اندیشه اسلامی و شیعی است.»

